

جامع الفتاوی

عمره مفرده

مطابق با فتاوای ده تن از مراجع عظام تقلید

با تجدید نظر و اضافات

تهیه و تنظیم

سید مرتضی موسوی شاهرودی


بسم الله الرحمن الرحيم

جامع الفتاوی عمره مفرده

نویسنده:

مرتضی موسوی شاهرودی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جامع الفتاوى عمره مفرده

مشخصات کتاب

سرشناسه : موسوی‌شاهرودی، مرتضی، ۱۳۴۳ -، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور : جامع‌الفتاوی عمره مفرده: مطابق با فتاوای ده تن از مراجع عظام تقلید/ تهیه و تنظیم مرتضی موسوی‌شاهرودی.

مشخصات نشر : تهران: مشعر ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۱۹۵ ص. ۱۲×۲۰ س‌م.

شابک : ۱۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۰۳۶-۹

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : چاپ قبلی کتاب حاضر تحت عنوان " جامع الفتاوی مناسک حج با روشی جدید مطابق بافتاوای ده تن از مراجع عظام تقلید (" ۲۳۶ ص.) در سال ۱۳۸۴ توسط همین ناشر منتشر شده است.

عنوان دیگر : جامع الفتاوی مناسک حج با روشی جدید مطابق بافتاوای ده تن از مراجع عظام تقلید.

موضوع : حج عمره

موضوع : حج -- فتواها

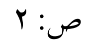
رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۹۲/م۸ج۲ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۵۲۵۹۸

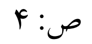
ص: ۱

اشاره



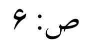
ص: ۲


ص: ۳



ص: ۴

ص: ۵



ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

ص: ۱۰

ص: ۱۱

ص: ۱۲

ص: ۱۳

ص: ۱۴

پیشگفتار

ص: ۱۵

حج دارای ویژگی‌ها و ابعاد گوناگونی است و گستردگی مسائل آن به اندازه‌ای است که زراره به امام صادق علیه السلام اظهار می‌دارد که حدود چهل سال است مسائل مربوط به حج را از شما می‌پرسم، و آن را پاسخ می‌دهید و هنوز نیز این مسائل تمام نشده است ... امروز با گذشت قرن‌ها از آن زمان، بازهم مسائل جدیدی پدید می‌آید که پاسخ آن در مناسک‌ها موجود نیست و نیاز به اجتهاد جدید دارد، همچون توسعه جمرات و طبقاتی شدن آن، توسعه مسعی و ... از سوی دیگر تعداد زائران عمره و حج نیز پیوسته رو به افزایش است و آنها هر کدام از مرجعی تقلید می‌کنند که روحانی محترم کاروان باید پاسخگوی نیازهای شرعی آنان باشد، تا آنها بدون نگرانی و تشویش خاطر بتوانند اعمال خویش را صحیح انجام دهند.

معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظّم رهبری برای پاسخگویی به این نیاز در سال‌های گذشته تلاش کرده است تا با جمع‌آوری فتاوا در یک کتاب و نیز موضوعی کردن و یا تلخیص مطالب این نیاز را مرتفع سازد که بحمد اللّه تا حدود زیادی در حلّ

ص: ۱۶

مشکل موفق بوده است.

پیشنهادی در سال‌های گذشته به شکل مکرّر از سوی روحانیون، کارگزاران و زائران حج مطرح می‌شد که در آن خواستار جمع‌آوری نظرات و فتاوا در یک کتاب بودند به گونه‌ای که اگر هر کس به آن نظر عمل کند عند اللَّه مأجور و عملش صحیح باشد.

مسؤولیت این امر مهم را فاضل ارجمند جناب حجّةالاسلام والمسلمین آقای موسوی شاهرودی و همکاران محترمشان به عهده گرفتند که بحمد اللَّه سال گذشته با کمترین مشکل چاپ و مورد استقبال واقع شد. و هم‌اینک نیز اشکالات اندک آن برطرف گردیده و «جامع الفتاوی ویژه عمره مفرده» برای استفاده عموم به‌ویژه روحانیون محترم آماده شده است.

از خداوند متعال توفیق ایشان و همکاران محترمشان را خواستاریم و امیدواریم در سال‌های آینده بتوانیم نظرات دیگر مراجع را به این مجموعه افزوده و آن را به شکل کاملتری عرضه نماییم.

از بهره‌گیرندگان این کتاب خواهشمندیم، کمبودها، انتقادها و پیشنهادهای خود را برای تکمیل آن به آدرس تهران، سازمان حج و زیارت- طبقه دوّم، معاونت آموزش وپژوهش بعثه ارسال نمایند.

معاون آموزش و پژوهش

بعثه مقام معظّم رهبری

ص: ۱۷

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

الحمد للَّه‌و صلی اللَّه علی محمد و آله الطاهرین

مقدّمه

اشاره

مناسک و احکام حج، با احکام فرائض و واجبات دیگر تفاوت‌هایی دارد و دارای ویژگی‌های خاصی است مانند:

۱- کثرت مسائل و پیدایش مسائل جدید

۲- اینکه بر هر انسان مکلّفی تنها یک مرتبه در طول عمر واجب می‌شود و این بر حساسیت و اهمّیت این فریضه می‌افزاید.

از این‌رو معمولًا انگیزه زیادی برای فراگیری آن، در ایام نزدیک به موسم حج، در همه پدید می‌آید.

همچنین، حساس بودن مناسک حج و مسائل پیرامونی آن از یک سو و اختلاف فتاوی و تعدّد مراجع معظّم تقلید از سوی دیگر، بر مشکلات کار افزوده و پاسخگویی به مسائل زائران توسط روحانیون محترم را بسیار سخت و مشکل کرده است؛ زیرا

ص: ۱۸

به دست آوردن فتـاوای مراجع به دلیـل اختلاـف آراء آنهـا، کاری دشوار است و هر روحانی نمی‌توانـد چنـدین مناسک همراه خود بردارد تـا پاسـخگوی نیـاز زائران باشـد. از این رو، عزیزان روحانی همواره آرزو داشـتند که این مشـکل به گونه‌ای رفع شود تا بهتر بتواننـد پاسـخگوی مردم باشـند و آنـان را از سـردرگمی، که عمـدتاً به خـاطر نقل اختلاف فتاوی بود، برهاننـد. گرچه تهیه و تنظیم مناسک محشّای مراجع بزرگوار تقلید، انتشار یافته از سوی بعثه مقام معظم رهبری، گامی بزرگ در جهت آگاهی و آموزش فتاوای مراجع بزرگوار محسوب می‌گردد و لازم است در اینجا از همه آن عزیزان تقدیر و تشکر به عمل آید، لیکن با این همه، این خلأ را نتوانست پر کند و مشکل برطرف شود.

اینجانب چنـدین سال در چاره‌جویی این مشـکل بوده و راه‌های مختلفی به ذهنم رسـید که شایـد بیشتر یا همه آن راه‌ها به ذهن همه عزیزان روحانی نیز رسـیده باشـد و آن اینکه با مطالعه دقیق مناسک حـج، به این نتیجه رسـیدم که بایـد احتیاطات را از مناسک جدا کنیم و تنهـا فتـاوی را در اختیار قرار دهیم. با این کار شایـد بتوان نیمی از راه را پیمود. این شـیوه را با بعضـی از بزرگواران آشـنا به مسائل و اهل فن، مطرح نمودم، آن‌ها نیز معتقد بودند پیاده کردن این طرح، در عمل کاری مشکل است و پیگیری جدّی لازم دارد، ولی اگر به نتیجه برسد، بسیاری از مشکلات حل می‌شود.

با استعانت از خداوند، چند نفر از فضلا را دعوت به

ص: ۱۹

همکاری نمودم، آنها نیز با داشتن مشاغل زیاد درسی، بـذل محبّت کرده، آماده همکاری شدنـد که بدین وسیله با ذکر نام آنها از همه این عزیزان تقدیر و تشکر می‌نمایم:

حجج‌اسلام آقایان مسیح اللَّه‌آصفی، قدیر علی شمس، محمد عسکری و رضا محققیان.

کتاب حاضر که با تلاش فراوان این عزیزان به انجام رسید، دارای ویژگی‌های زیر است. امیدوارم مورد توجّه و عنایت قرار گیرد:

۱- فتـاوای ذکر شـده بـا فتـاوای ده نفر از مراجع بزرگـوار تقلیـد مطـابقت دارد. این مراجع عبارتنـد از: مرحـوم آیـهٔاللَّه العظمی امـام خمینی، مرحوم آیـهٔاللَّه العظمی خوئی و مرحوم آیـهٔ اللَّه العظمی گلپایگـانی (قـدس اللَّه اسـرارهم) و حضـرات آیـات عظـام بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی، خامنه‌ای و مکارم شیرازی (متع اللَّه المسلمین بطول بقائهم الشریف).

۲- در این جزوه احتیاطهای واجب، با توجّه به اینکه قابل رجوع به فتوای فالأعلم است، جمع آوری شده و فتوای مشـهور بین این ده مرجع ذکر شده است؛ زیرا یا فتوا در مسأله دارند یا احتیاطی که قابل رجوع به فتوی است. بنابراین، مقلدین مراجع یاد شده می‌توانند به متن این جزوه، بـا ملاـحظه پـاورقی عمل نماینـد؛ یا از جهت اینکه فتوای مرجع تقلیـد آنان است و یا این که مرجع تقلیـد آنان در مسأله فتوا ندارد و احتیاط کرده و متن موجود، فتوای

ص: ۲۰

مرجعی است که مقلّد آنان می‌تواند به آن عمل نماید.

۳- عبارت متن مطابق است با فتوای اکثر مراجع نامبرده و چنانچه هرکدام از این بزرگواران فتوا به خلاف داشته باشند، در پاورقی آمده است.

۴- در مواردی اندک، احتیاط در مسأله ذکر شده و این به خاطر آن است که فتوا در مسأله نبوده و همه احتیاط کرده‌اند.

۵- اگر در مسأله‌ای دو فتوای مختلف بوده و بعضی نیز احتیاط کرده‌اند، فتوای اکثر با ارجاع احتیاط به آن در متن و تنها فتوای دیگر در پاورقی آورده شده، جز آنکه اختلاف میان اقلیّت و اکثریت کم باشد، که در این صورت فتوای مطابق احتیاط در متن آورده شده است.

۶- کوشیده‌ایم مسائلی را که در بخش «مسائل متفرقه» و «استفتاءات مناسک» آمده و از سوی بعثه مقام معظم رهبری انتشار یافته، در جای مناسب خود قرار دهیم و استفتاءات جزئی را به صورت مسائل کلّی، به قسمت خود منتقل کنیم.

۷- در مواردی که بعضی از مراجع عظام فرعی را متعرّض شده‌اند و دیگران متعرّض آن نبوده‌اند، آن فرع از دیگران نیز استفتا شده و نظر ایشان منعکس گردیده است که این خود، باعث تکمیل جزوه و تقلیل بعضی پاورقی‌ها شده است.

۸- در فهرست و ترتیب محرمات احرام تغییراتی داده شده؛ مثلًا مسائل صید را، که کمتر مورد ابتلا است، در آخر و مسائل

ص: ۲۱

مربوط به روابط زن و مرد را، به جهت برخی ملاحظات، در ابتدای محرمات نیاورده‌ایم.

۹- در مسائلی که بعضـی مراجع عظام فتوا داده‌اند و بعضـی احتیاط کرده‌اند، ولی فتوا به خلاف آن وجود ندارد، این نوع احتیاطات در متن کتاب به فتوای مشهور ارجاع داده شده و دیگر نامی از آن برده نشده است.

۱۰- همانگونه که می‌دانیـد در برخی مسائل دو فتوای مخالف یکدیگر وجود دارد و بعضـی از مراجع عظام احتیاط کرده‌اند و شـیوه کتاب همواره بر آن بوده که فتوای مشـهور در متن و فتوای به خلاف، در حاشـیه آمـده و احتیاطات در متن ارجاع داده شده و دیگر نـامی از آن برده نشـده است، اکنون در ویرایش جدیـد این احتیاطـات را نیز بـا علامت «*» و در آخر کتاب آورده‌ایم تا کسانی که می‌خواهند بدانند مرجع تقلیدشان فتوا دارد یا احتیاط، با شناخت احتیاط مرجع تقلیدشان، به فالأعلم مورد نظر خود مراجعه نمایند.

در پایان از سـرورانی که با راهنمایی‌های خود، در هرچه بهتر شدن این مجموعه ما را یاری نمودند خصوصاً از جناب مستطاب عماد الاخیار آقای حاج سیّداحمد موسوی که در به ثمر رسـیدن این اثر سـهم بسزائی داشـتند کمال تشکر و قدردانی را دارم و امیدوارم بخشی از مشکلات، با مراجعه به این جزوه حل گردد.

در خاتمه ثمره همه این تلاش‌ها را به پیشگاه باعظمت قطب

ص: ۲۲

عـالم امکـان امـام زمان (عـج) تقـدیم نموده، عرض می‌کنیم «یا أَیُّهَا الْعَزِیزُ مَسَّنا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنا بِبِضاعَۀٍ مُزْجاۀٍ فَأَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا إِنَّ اللَّهَ یَجْزِی الْمُتَصَدِّقِینَ».

وآخر دعوانا أن الحمد للّٰه‌رب العالمین.

و السلام علیکم و رحمۀ اللّٰه وبرکاته

سیّد مرتضی موسوی شاهرودی

نیمه شعبان المعظّم ۱۴۲۶ هجری قمری

رجوع در احتیاط واجب به مجتهد دیگر

ص: ۲۳

سؤال: اگر اعلم در مسأله‌ای فتوا نداده و تنها احتیاط واجب کرده است، ولی فالأعلم آن احتیاط را ندارد، آیا لازم است مقلِّد اعلم بداند مرجعش احتیاط واجب کرده و باید نیت رجوع به فالأعلم کند، یا همین که در مقام انجام وظیفه شرعی بوده و عملش طبق فتوای فالأعلم است کافی است؟

به عبارت دیگر، اگر نظر اعلم مثلًا در احرام از مکه قدیم احتیاط واجب است، ولی فالأعلم چنین احتیاطی نداشته، و مقلِّد اعلم از مکه جدید محرم شده و بعد از اعمال حج فهمیده است که اعلم چنین احتیاطی داشته، آیا عملش صحیح است یا خیر؟ و اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

آیت اللَّه خامنه‌ای: اگر عمل او در هنگام صدور از وی مطابق با فتوای کسی بوده که می‌توانست شرعاً از او تقلید کند، صحیح و مجزی است.

آیت اللَّه تبریزی: پس از فهمیدن فتوای فالأعلم در تصحیح عمل، به فتوای وی استناد می‌کند. باید برای ادله به کتب استدلالی مراجعه شود.

آیت اللَّه سیستانی: اگر مطابقت با فتوای کسی که می‌تواند از او تقلید کند داشته باشد، الآن می‌تواند به او رجوع کند.

ص: ۲۴

آیت اللّه صافی: در فرض سؤال، اگر بعد از خاتمه اعمال نیت کند که آنچه انجام داده‌ام بر طبق نظر فالأعلم باشد اشکال ندارد البته مشروط به این‌که هنگام احرام از مکه جدید قصد قربت از او متمشی شده باشد.

آیت اللّه فاضل: چنانچه عمل صادر شده در هنگام وقوع مطابق فتوای فالاعلم باشد کفایت می‌کند ولو اینکه شخص در حین عمل علم به این مطابقت نداشته است، لیکن لازم است بعد از عمل برای تصحیح آن استناد به آن فتوی داشته باشد.

آیت اللّه مکارم: بعد از اعمال حج رجوع به فالأعلم می‌کند و چون عمل گذشته او با آن هماهنگ است، اعاده لازم نیست.

«عمره کودکان»

ص: ۲۵

مسأله ۱- بر ولیّ واجب نیست کودکی را که همراه خود به مکه می‌برد برای حج یا عمره محرم کند، پس اگر او را محرم کرد باید وظائف و اعمال را مطابق آنچه در مناسک ذکر شده انجام دهد. وگرنه در بعضی صور، طفل در احرام باقی می‌ماند و تا تدارک نکند نمی‌تواند ازدواج نماید.

مسأله ۲- انجام عمره برای کودک ممیّز مستحب وصحیح است اگر چه ولیّ او اذن ندهد. (۱) البته برای تصرف در اموالش اذن ولیّ لازم است.

مسأله ۳- مستحب است ولیّ کودک غیر ممیّز او را محرم

۱- ۱. آیهٔ اللّه سیستانی: بعید نیست که در صحت آن اذن ولی معتبر باشد.

ص: ۲۶

کنـد به این صورت که لباس احرام به او بپوشانـد و نیت کنـد که این طفل را محرم می‌کنم برای حج، یا این طفل را معتمر میکنم به عمره و اگر می‌شود تلبیه را به او تلقین کند و الّا خودش به عوض او بگوید.

مسأله ۴- قدر متیقن از ولیّ در این امر نسبت به کودک غیر ممیز ولیّ شرعی است مانند پدر یا جدّ و مادر نیز در اینجا ملحق به ولیّ شرعی است. (۱)

مسأله ۵- بعـد از آنکه کودک محرم شد یا او را محرم کردند باید ولیّ، او را از محرمات احرام باز دارد و اگر ممیز نیست خود ولیّ او را از محرمات حفظ کند. (۲)

مسأله ۶- بعد از این که کودک محرم شد، اگر محرمات احرام را به جا آورد یا ولیّ، او را از آنها باز نداشت کفّاره ندارد (۳)

۱- ۱. در غیر ولیّ شرعی و همچنین غیر ما در نظر مراجع عظام مختلف است.

۲- ۲. آیات عظام خوئی، سیستانی، بهجت: این حکم در مورد احجاج صبی غیر ممیز است.

آیهٔ اللّه تبریزی: این حکم در مورد احجاج صبی است.

۳- ۳. آیهٔ اللّه بهجت: فداء صـید مولیّ علیه بر ولیّ است که با مباشرت او عمل مولی‌علیه صحیح است و کفاره موجب هدی بر ولی است در آنچه عمد و خطا کفاره دارد بلکه در آنچه عمد فقط کفاره دارد و کودک عمداً مرتکب شد ثبوت کفاره بر ولی که سبب است خالی از وجه نیست.

ص: ۲۷

مگر در صید که کفّاره بر ولیّ است. (۱)*

مسأله ۷- بر ولیّ کودک لازم است او را وادار کند تا تمام اعمال عمره را بجا آورد. (۲)

«کیفیت و احکام عمره مفرده»

۱- ۱. آیات‌عظام خوئی، سیستانی، بهجت: ثبوت کفّاره در صید مختص‌به‌احجاج‌کودک غیر ممیز است.

۲- ۲. آیهٔ اللّه بهجت: و در تمام افعال آنچه در غیر نیّت می‌تواند انجام دهد، ولیّ متصدّی نیّت می‌شود.

ص: ۲۸

مسأله ۸- صورت عمره مفرده آن است که محرم شود به عمره مفرده و به مکه آمده و طواف و نماز طواف را به نیت عمره مفرده انجام دهد سپس سعی بین صفا و مروه را انجام داده و تقصیر کند و یا سر بتراشد و بعد از آن طواف نساء و نماز آن را بجاآورد.

مسأله ۹- اعمال عمره مفرده و کیفیت انجام آن مانند عمره تمتع است مگر در چند چیز:

۱- در عمره تمتع باید تقصیر کند یعنی از مو یا ناخن خود بگیرد و سرتراشیدن جایز نیست بلکه مجزی نیز نمی‌باشد ولی در عمره مفرده مخیّر است بین سرتراشیدن و تقصیر.

۲- در عمره تمتع طواف نساء ندارد ولی در عمره مفرده دارد.

ص: ۲۹

۳- کسـی که در مکه باشـد و بخواهـد عمره مفرده بجاآورد می‌توانـد از ادنی الحل محرم شود اگرچه جایز است از یکی از مواقیت پنجگانه احرام ببندد ولی میقات عمره تمتع خصوص مواقیت پنجگانه است.

۴- عمره تمتع بایـد در ماههای حج (شوال- ذی القعده و ذی‌الحجه) واقع شود ولی عمره مفرده را می‌توان در تمام ماه‌ها انجام داد و افضل آنها ماه رجب است.

مسأله ۱۰- محـل احرام بسـتن عمره مفرده برای کسـی کـه در مکـه است ادنی الحـل و افضـل مواضـع آن جعرانه و حـدیبیه و تنعیم می‌باشد و برای کسی که از بیرون می‌آید یکی از مواقیت پنجگانه است با تفاصیلی که در مسائل مواقیت خواهد آمد.

مسأله ۱۱- بعـد از آن که شـخص برای عمره مفرده محرم شـد تمام چیزهایی که بر محرم حرام است بر او نیز حرام می‌شود و بعد از تقصیر یا سرتراشیدن حلال می‌شود مگر زن که آن هم بعد از طواف نساء و نماز آن حلال می‌گردد.

مسأله ۱۲- کسی که عمره مفرده بجا می‌آورد می‌تواند قبل از انجام طواف نساء به میقات رفته و برای عمره تمتع محرم شود و بعد از انجام عمره تمتع طواف نساء را انجام دهد.

مسأله ۱۳- کسی که در اثناء عمره مفرده بیمار شده و نتوانسته عمره را تمام کند و او را به وطن بازگردانیده‌اند و فعلًا بهبود یافته باید به مکه برگردد و اعمال را تمام کند و اگر نمی‌تواند برگردد باید

ص: ۳۰

برای انجام اعمال نائب بگیرد ولی خودش تقصیر کند (۱) و ترتیب بین آن و سائر اعمال مراعات شود و تا اعمال انجام نشده آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده بر او حلال نمی‌شود.

تذکر: اتمام اعمال به وسیله خود شخص و یا نائب در بعض فروض مستلزم اعاده اعمال سابق است که تفصیل آنها می‌آید.

مسأله ۱۴- اگر زن بعد از احرام بستن برای عمره مفرده حیض شود و تا وقتی که در مکه است پاک نشود باید برای طواف و نماز آن نائب بگیرد و بقیه اعمال را خودش انجام بدهد و چنانچه بدون آن که اعمال را انجام دهد به وطنش برگشته، حکم آن مانند حکم مسأله قبل است.

مسأله ۱۵- طواف در عمره مستحبی حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن پشت مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود.

مسأله ۱۶- عمره مفرده را می‌توان در ماه‌های حج قبل از عمره تمتع انجام داد و در این مسأله فرقی بین صرورهٔ و غیر آن نیست.

مسأله ۱۷- وجوب عمره مفرده‌ای که بعد از حج در موارد تبدّل به افراد انجام می‌شود فوری است (۲) و بنا بر احتیاط باید

۱- ۱. آیهٔ اللَّه سیستانی: و نیز نماز طواف را باید خودش در محل خودش بجاآورد.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه سیستانی: فوریت عمره مانند فوریت حج است.

ص: ۳۱

مبادرت نماید عرفاً.

مسأله ۱۸- کسی که می‌داند بعد از احرام بستن برای عمره مفرده به علت مرض یا حدوث حیض نمی‌تواند اعمال خود را انجام دهد یا تکمیل نماید می‌تواند برای عمره مفرده احرام ببندد و اگر وظیفه او نائب گرفتن شد، نائب بگیرد.

مسأله ۱۹- کسی که عمره مفرده انجام داده اگر بخواهد در همان ماه قمری مجدداً از میقات عبور کند و به مکه برود لازم نیست دوباره محرم شود.

«عمره مفرده»

مسأله ۲۰- عمرده مفرده بر کسانی که شانزده فرسخ شرعی یا بیشتر از مکه دور هستند مثل ایرانیان واجب نیست مگر در موارد تبدیل حج تمتع به حج افراد که مسائلش درمناسک حج آمده است.

مسأله ۲۱- بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود (۱) واجب است با احرام وارد شود و برای احرام باید نیّت عمره یا حج داشته باشد و اگر موسم حج نیست و یا نمی‌خواهد حج‌انجام دهد واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم چند گروه مستثنی هستند:

۱- کسانی که به اقتضای شغلشان زیاد وارد مکه و از آن

۱- ۱. آیة اللّه سیستانی: بلکه در حرم.

ص: ۳۲

خارج می‌شوند.

۲- کسانی که پس از اعمال عمره مفرده از مکه خارج شده و در همان ماه (۱) به مکه برگردند. (۲)

۳- کسانی که بعد از اعمال حج تمتع از مکه خارج شوند (۳) و در همان ماهی که به عمره تمتع محرم شده‌اند مراجعت نمایند.

مسأله ۲۲- تکرار عمره مفرده مانند تکرار حج مستحب است.

مسأله ۲۳- کسی که می‌خواهد عمره مفرده انجام دهد در یک ماه قمری نمی‌تواند بیش از یک عمره برای خود یا دیگری انجام دهد (۴) ولی انجام بیش از یک عمره در یک ماه به صورتی که هر عمره برای یک نفر باشد جایز است مثل این که یک عمره برای خود و یکی برای دیگری یا دو عمره برای دو نفر متفاوت انجام

۱- ۱. آیهٔ اللَّه بهجت: در ماه خروج.

۲- ۲. امام خمینی: باید به قصد رجاء محرم شود اگر در بازگشت از میقات بگذرد.

۳- ۳. امام خمینی: و بازگشت آنان قبل از گذشتن یک ماه از احرام عمره تمتع باشد.

آیهٔ اللَّه خوئی: و در همان ماه قمری که عمره تمتع انجام داده‌اند مراجعت نمایند.

۴- ۴. آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه بهجت: فاصله انداختن بین دو عمره مفرده لازم‌نیست بلکه در یک روز می‌تواند چند عمره مفرده بجاآورد. آیهٔ اللَّه بهجت اضافه فرمودند: اگرچه افضل در عمره ثانیه آن است که در ماه دیگری غیر ماه عمره سابقه باشد یا فاصله ده روز بین دو احرام باشد.

ص: ۳۳

دهد. و در این فرض اگر از طرف دیگران اجیر بر عمره مفرده شده باشد مستحق اجرت است.

تذکر: انجام بیش از یک عمره در یک ماه برای خود یا دیگری به قصد رجاء و امید مطلوبیت اشکال ندارد.

مسأله ۲۴- کسی که می‌خواهد حج تمتع به جا آورد می‌تواند قبل از عمره تمتع و یا بعد از اتمام اعمال حج تمتع عمره مفرده به‌جاآورد اگرچه این عمره با عمره تمتع از یک نفر بوده و در یک ماه قمری بوده باشد.

مسأله ۲۵- کسی که حج بر او واجب نیست یا حج واجب خود را قبلًا انجام داده و در ایّام حج‌می‌خواهد وارد مکه شود مثل کارگزاران و خدمه حج لازم نیست حج تمتع انجام دهد بلکه می‌تواند با احرام عمره مفرده وارد مکه شود یا حج افراد استحبابی به جا آورد.

اعمال عمره

ص: ۳۴

۱- احرام: احرام عمره مفرده باید در محل خاصی که (میقات) نامیده می‌شود انجام شود.

فصل اوّل: میقات

اشاره

برای احرام عمره پنج میقات وجود دارد.

۱- مسجد شجره که آن را ذوالحلیفه می‌نامند و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می‌روند.

مسأله ۲۶- تأخیر احرام از این میقات تا جحفه در صورت ضرورت جایز است مانند بیماری.

مسأله ۲۷- احرام بستن از داخل مسجد شجره لازم نیست بلکه از بیرون مسجد به طوری که از محاذی آن از طرف راست یا

ص: ۳۵

چپ باشد کافی است (۱) هر چند از داخل مسـجد مستحب است و در داخل مسجد فرقی بین قسمت قدیمی و قسمتهای توسعه یافته نیست.*

مسأله ۲۸- جنب و حائض می‌توانند در خارج مسجد به تفصیلی که در مسأله قبل گذشت (۲) محرم شوند و چنانچه

۱- ۱. آیهٔ اللَّه خامنه‌ای، آیهٔ اللَّه بهجت: احرام بستن از خارج مسجد کفایت نمی‌کند.
آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: و همینطور احرام بستن از پشت دیوار مسجد صحیح است.
آیهٔ اللَّه خوئی: احرام در منطقه ذوالحلیفه صحیح است.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه مکارم: برای حایض و نفساء احرام بستن در خارج‌مسجد هر چند در محاذی آن صحیح است آقای آیهٔ اللَّه مکارم حکم جنب را نیز همین دانسته‌اند.
تـذکر: براساس فتوای آیـهٔاللَّه بهجت و آیهٔاللَّه خامنه‌ای و احتیاط امام و آیهٔاللَّه فاضل و آیهٔاللَّه سیستانی مبنی بر لزوم احرام از درون مسـجد اگر جنب نتوانـد در حال عبور از مسـجد احرام ببنـدد و از انجام غسل معذور باشد و نتواند تا رفع عذر صبر نماید، باید تیمم نموده و داخل مسجد احرام ببندد و همین‌طور حائض و نفسائی که پاک شده و غسل نکرده‌اند.
و اما حـائض و نفسائی که هنوز پاک نشده‌انـد اگر نمی‌تواننـد در حال عبور محرم شونـد بایـد صبر کننـد تا پاک شونـد و از داخل مسـجد به تفصـیلی که گذشت محرم شوند و در غیر این‌صورت از نزدیک مسجد محرم شوند و در محاذی مسجد جحفه نیز تجدید احرام نمایند.
آیهٔاللَّه فاضل: تجدید احرام لازم نیست
آیهٔاللَّه خامنه‌ای: باید از جحفه یا محاذی آن محرم شوند

ص: ۳۶

بخواهنـد در داخل مسـجد محرم شوند باید در حال عبور باشد (به این صورت که از دری وارد و از درب دیگر خارج شوند) و اگر توقف کنند معصیت کرده‌اند هرچند احرام آنها صحیح است.

۲- جحفه

مسأله ۲۹- کسانی که فعلًا از راه جده به مکه می‌روند می‌توانند از این میقات محرم شوند.

مسأله ۳۰- میقات در جحفه خصوص مسجد نیست و از هر جای آن می‌توان محرم شد.

۳- وادی عقیـق: کـه اوائـل آن را مسـلخ و اواسـط آن را غمره و اواخر آن را ذات عرق می گوینـد که محـل احرام عـامه است و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

۴- قرن المنازل: و آن میقات کسانی است که از راه طائف به مکه می‌روند.

۵- یلملم: که نام کوهی است و آن میقات کسانی است که از راه یمن به مکه می‌روند.

«احکام مواقیت»

ص: ۳۷

مسأله ۳۱- کسی که می‌خواهد از میقات احرام ببندد باید یقین یا اطمینان به رسیدن میقات پیدا نماید و یا حجت شرعیه داشته باشد. (۱) و گفته راهنما یا حمله‌دار کافی نیست مگر از گفته او اطمینان حاصل شود. (۲)

مسأله ۳۲- کسانی که با هواپیما برای حج یا عمره به جدّه می‌روند و نیز شاغلین (۳) ایرانی و غیرایرانی در جده، نمی‌توانند از جدّه یا حدیبیه محرم شوند بلکه باید به یکی از مواقیت مثل جحفه (۴) بروند و از آنجا محرم شوند و اگر از مدینه بروند باید از

۱- ۱. آیهٔ اللّه تبریزی: گفته کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند حجت شرعیه‌محسوب می‌شود.

امام‌خمینی، بهجت، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی: اگر علم‌وبیّنه‌ممکن‌نشد می‌توانـدبه‌ظن حاصل‌ازگفته کسانی‌که اهل‌اطلاع به‌آن مکانها هستند اکتفا کند.

۲- ۲. آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خوئی: یا این که آنها ثقه باشند و مستندشان اخبار عرف محل باشد.

۳- ۳. آیهٔ اللّه خوئی: اگر حدود سه سال در جدّه می‌ماند که صدق مقر و منزل بر آن‌بکند می‌تواند از جده محرم شود.

۴- ۴. آیهٔ اللّه بهجت: یا محاذات آن

آیهٔ اللّه سیستانی: از جدّه با نذر محرم شود زیرا جنوب شرقی آن محاذی با جحفه است. ولی در صحت احرام به نذر برای کسی که می‌داند مجبور به تظلیل می‌شود اشکال است.

ص: ۳۸

مسجد شجره محرم شوند و در این حکم فرقی بین عمره تمتع یا مفرده نیست. (۱)

مسأله ۳۳- کسی که وظیفه‌اش احرام در میقات‌های معروفه است اگر در جای دیگری مانند جدّه محرم شود احرام او صحیح نیست و محرمات احرام بر او حرام نمی‌شود و در این حکم فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست.

مسأله ۳۴- احرام در مواقیت یا ادنی الحل لازم نیست در مساجد این اماکن واقع شود بجز مسجد شجره به تفصیلی که گذشت.

مسأله ۳۵- کسی که در یکی از میقات‌ها محرم شد می‌تواند برخلاف جهت مکه از میقات فاصله بگیرد و سپس با همان احرام از میقات یا محاذی آن عبور کند مثل این که از مسجد شجره به مدینه برگردد و پس از یک یا چند روز از همان راه یا راه دیگر به مکه برگردد.

مسأله ۳۶- کسی که در یکی از ماه‌های قمری عمره مفرده انجام داده در ماه دیگر نمی‌تواند بدون احرام از میقات عبور کند.

---

۱ - ۱. آیات عظام: صافی، گلپایگانی، فاضل، بهجت: در عمره مفرده احرام از ادنی الحل کفایت می‌کند اگر چه عبور از میقات بدون احرام گناه است.

آیهٔ اللَّه مکارم: در عمره مفرده باید در حدیبیه یا یکی از مواقیت پنج گانه محرم شود و احرام در مواقیت پنج‌گانه افضل است.

ص: ۳۹

مسأله ۳۷- کسی که قبل از رسیدن به میقات دیوانه شد واجب نیست او را محرم کنند و ورود او بدون احرام به مکه مانعی ندارد.

«احرام قبل از میقات»

مسأله ۳۸- احرام بستن پیش از رسیدن به میقات جایز نیست و اگر احرام بست احرام او صحیح نمی‌باشد مگر با نذر که مسائل آن خواهد آمد.

«احرام از محاذی میقات»

مسأله ۳۹- هرگاه از راهی برود که از هیچ یک از میقاتها عبور نکند باید از محاذاهٔ میقات احرام ببندد هر چند در مسیر خود به محاذی میقات دیگری نیز برخورد کند. بلکه اگر میقات دیگری در پیش داشته باشد نیز تأخیر احرام تا آن میقات جایز نیست. (۱)

۱- ۱. آیهٔاللَّه سیستانی: در هردو فرض مخیر است از هرکدام محرم شود گرچه احتیاط مستحب احرام از محاذی اولی است.
آیهٔاللَّه فاضل: در فرض اخیر تأخیر احرام تا میقاتی که در پیش دارد جایز است اگرچه احتیاط مستحب احرام از محاذی اول است.
آیهٔاللَّه بهجت: اقرب جواز عدول اهل مدینه است از مرور به ذوالحلیفهٔ برای احرام از جحفه اختیاراً.

ص: ۴۰

مسأله ۴۰- مراد از محاذات آن است که کسی که به طرف مکه می‌رود، به جایی برسد که میقات به طرف راست یا چپ او واقع شود به خط راست به طوری که اگر از آنجا بگذرد میقات متمایل پشت او شود.

مسأله ۴۱- رسیدن به محاذات مانند رسیدن به میقات باید برای مکلّف به یکی از راه‌هایی که در مسأله ۱۵۲ گذشت (۱) اثبات گردد.

مسأله ۴۲- اگر ثابت نشود که رابغ محاذی جحفه است احرام از آن جایز نیست. (۲)

«تأخیر احرام از میقات»

مسأله ۴۳- کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می‌شوند باید به یکی از مواقیت معروفه بروند و نمی‌توانند بدون احرام از میقات عبور کنند و در صورت عبور (۳) واجب است به

۱- ۱ آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، بهجت: در اثبات محاذات قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی قواعد علمیه محاذات را تعیین می‌کنند اگر موجب گمان باشد ظاهراً کافی است.

۲- ۲ آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: نظر به این که رابغ قبل از جحفه است احرام با نذر از آنجا صحیح است.

۳- ۳ آیات عظام: فاضل، بهجت، صافی، گلپایگانی: احرام از ادنی الحل کفایت می‌کند.

ص: ۴۱

میقات برگردند و از آنجا محرم شوند و اگر نمی‌توانند در خارج از حرم محرم شوند.

«احرام با نذر»

مسأله ۴۴- اگر نـذر کنـد که از محلی پیش از میقات احرام ببندد جایز است و باید از همان جا محرم شود مثلًا اگر نذر کرد از شـهر خود یـا در مـدینه منوره محرم شود بایـد به نـذر خود عمـل کنـد و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسـید احرام را تجدید کند و در این حکم فرقی بین حج یا عمره واجب و یا مستحب نیست. خواه از طرف خود باشد یا به نیابت از دیگری.

مسأله ۴۵- نـذر برای احرام مثل سایر نذرها باید با صـیغه شـرعیه انجام شود مثلًا در احرام عمره مفرده بگوید: للّٰه‌علیّ أن احرم لعمرهٔ المفردهٔ من المدینـهٔ الطیبـهٔ و یا ترجمه آن را به زبان دیگر بگویـد مانند این که به فارسـی بگوید: برای خدا بر من است که از مدینه طیبه محرم شوم برای عمره.

مسأله ۴۶- نذر زن برای احرام باید به اذن شوهر باشد مگر این که با حق او منافات نداشته باشد.(۱)

بنابراین اگر بدون اذن شوهر

۱- ۱ آیات عظام: امام خمینی، فاضل، گلپایگانی، صافی: اذن شوهر مطلقاً معتبراست.

آیات‌عظام: خویی، سیستانی، تبریزی: یا این‌که صحت‌حج بر آن متوقف باشد.

ص: ۴۲

نـذر کرد و قبـل از میقات محرم شـد و با این حال از میقات گـذشت احرامش باطل است. و حکم کسـی را دارد که بـدون احرام از میقات عبور کرده است.*

فصل دوّم: واجبات احرام

اشاره

ص: ۴۳

مسأله ۴۷- واجبات در وقت احرام سه چیز است:

۱- نیت ۲- تلبیه ۳- پوشیدن جامه احرام

«نیّت»

در نیت چهار امر معتبر است:

اوّل: قصد قربت.

دوّم: همزمان بودن نیت با شروع در احرام.

سوّم: تعیین عملی که برای آن محرم می‌شود که حج است یا عمره و نوع آنها و قصد نیابت اگر احرامش نیابی است.

چهارم: باید قصد انجام چیزی که احرام را باطل می‌کند نداشته باشد. (۱)

۱- ۱. آیات عظام گلپایگانی، بهجت، مکارم، صافی: بلکه قصد ترک جمیع محرمات احرام لازم است.

ص: ۴۴

مسأله ۴۸- لازم نیست نیت احرام را بر زبان جاری کند یا در ذهن خود بگذراند.

مسأله ۴۹- عمره و حج و تمام اجزای آنها از عبادات است و باید با نیت خالص برای خداوند تعالی بجاآورد.

مسأله ۵۰- اگر بعضی از ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند، پس در عمره حکم بطلان عمره را دارد و در حج حکم بطلان حج را، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد، عملش صحیح می‌شود، گرچه معصیت‌کار است.

مسأله ۵۱- کسی که وظیفه‌اش عمره تمتع بوده و ندانسته به نیت عمره مفرده محرم شده چنانچه قصد انجام وظیفه فعلی را داشته و اشتباهاً آن را بر عمره مفرده تطبیق کرده احرامش برای عمره تمتع واقع می‌شود و الا احرام عمره مفرده محسوب می‌شود.

مسأله ۵۲- پس از این که شخص به طور صحیح برای حج یا عمره محرم شد نمی‌تواند احرام خود را به هم بزند و اگر لباس احرام را هم از تن درآورد و قصد بیرون آمدن از احرام را نیز بکند باز در احرام خود باقی است و محرمات احرام بر او حلال نمی‌شود و اگر کاری که موجب کفاره است انجام دهد باید کفاره بدهد.

مسأله ۵۳- قصد ابطال عمره یا حج یا بعض اجزاء آن مبطل نمی‌باشد.

«تلبیه»

ص: ۴۵

مسأله ۵۴- دوم تلبیه: یعنی لبیک گفتن به این صورت که بگوید:

«لَبَّیْکَ، اللَّهُمَّ لَبَّیْک، لَبَّیْکَ لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ» با گفتن این جملات شخص محرم می‌شود و مستحب است پس از آن بگوید:

«انَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَکَ وَ الْمُلْکَ، لا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْک» بلکه موافق احتیاط است و نیز مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَبَّیْکَ ذَا الْمَعارِجِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ داعیاً إلی دارِ السَّلام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ غَفّارَ الذُّنُوبِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ أهْلَ التَّلْبِیَةِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا الجَلالِ وَ الْاکْرام لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تُبْدِیُ وَ الْمَعادُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ تَسْتَغنِی ویُفْتَقَرُ إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إلَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ إلَهَ الْحَقِّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ ذَا النَّعْماءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ کَشّافَ الْکُرَبِ الْعِظامِ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدَیْکَ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ یا کَرِیمُ لَبَّیْکَ».

مسأله ۵۵- واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می‌تواند و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته شد تکرار کند بلکه کافی است بگوید «لبّیک اللّهمّ لبّیک» یا تکرار کند «لبیک» را فقط.

مسأله ۵۶- واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لبیک را

ص: ۴۶

که گذشت، همان طور که صحیح گفتن تکبیرهٔ الاحرام در نماز واجب است.

مسأله ۵۷- اگر تلبیه را به قدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد و یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند، یعنی کلمه‌کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام ببندد دنبال او به طور صحیح بگوید.

مسأله ۵۸- کسی که لال است باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد (۱) و بهتر است نائب هم بگیرد.

مسأله ۵۹- کسی که به هر دلیلی نمی‌تواند تلبیه را صحیح بگوید اگرچه با تلقین باید به هر نحوی که می‌تواند بگوید و کفایت می‌کند اگر عرفاً تلبیه بر آن صدق کند، و الّا بنابر احتیاط علاوه بر آنچه می‌تواند، ترجمه تلبیه را بگوید و اگر اصلًا نمی‌تواند بگوید اکتفا به ترجمه، خالی از وجه نیست.

۱- ۱. آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در اثر عارضه‌ای لال شده و الفاظ تلبیه را می‌داند. به مقداری که می‌تواند تلفظ کند و اگر نتواند زبان و لب را به آن حرکت دهد و همراه با آن در قلب اخطار نماید و با انگشت به آن اشاره کند و اگر لال و کر مادرزاد است و مانند آن، پس زبان و لب را مانند کسانی که تلفظ می‌کنند حرکت دهد و با انگشت اشاره کند.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگرچه به گفتن ترجمه آن باشد و نائب هم بگیرد رجاءً که ازطرف او به‌طور صحیح بگوید.

ص: ۴۷

مسأله ۶۰- اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نداشته باشد و با تلقین هم نتواند بگوید حکم مسأله قبل را دارد.

مسأله ۶۱- تأخیر تلبیه واجب از میقات جایز نیست و اگر تأخیر انداخت محرم نشده که حکم آن در مسأله ۴۷ و ۴۸ گذشت.

مسأله ۶۲- اگر کسی لبیک واجب را نگفت، چه به واسطه عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی‌شود و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می‌شود به جا آورد کفّاره ندارد و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند.

مسأله ۶۳- اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات، شک کند که نیّت عمره تمتع کرده یا نیت حج تمتع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتع کرده و عمره او صحیح است و همچنین اگر بعد از لبیک گفتن در روز هشتم که باید برای حج تمتع بگوید شک کرد که لبیک را برای حج گفت یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حج تمتع گفته و حج او صحیح است. (۱)

مسأله ۶۴- ترجمه تلبیه واجب این است که بگوید: «اجابت می‌کنم دعوت تو را خدایا. خدایا! اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت

۱- ۱. آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خوئی: در هر دو صورت اگر داخل در عمل مترتب مثل طواف عمره تمتع یا وقوف به عرفات شده، حکم به صحت می‌شود و در غیر این صورت باید اعاده نماید.

ص: ۴۸

می کنم دعوت تو را» و اگر کلمه «دعوت» را هم نگوید کفایت می کند درمواردی که باید ترجمه را بگوید.

«قطع تلبیه»

مسأله ۶۵- کسی که برای عمره تمتع یا عمره مفرده محرم شده باید وقتی که خانه‌های مکه پیدا می‌شود لبیك را ترک کند و دیگر لبیك نگوید و مراد از خانه‌های مکه خانه‌هایی است که در زمانی که عمره به جا می‌آورد جزو مکه باشد هرچند مکه بزرگ شود (۱) و کسی که احرام حج بسته لبیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

مسأله ۶۶- کسی که برای عمره مفرده محرم شده اگر از خارج مکه به سوی آن می‌آید هنگام داخل شدن به حرم لبیك را قطع نماید و اگر از مکه برای احرام به خارج حرم رفته است هنگام مشاهده کعبه لبیک را قطع کند.

«پوشیدن جامه احرام»

مسأله ۶۷- سوّم پوشیدن دو جامه احرام برای مردان که یکی «لنگ» است و دیگری «رداء» که باید آن را بر دوش بیندازد

۱- ۱. آیات عظام: بهجت، تبریزی، خوئی، سیستانی: بلکه مراد خانه‌های مکه‌قدیم است.

ص: ۴۹

و لازم است که این دو جامه را قبل از نیّت احرام و لبیک گفتن بپوشد و اگر بعد از لبیک پوشید احتیاط مستحب آن است که لبیک را دوباره بگوید.

مسأله ۶۸- لنگ باید به اندازه‌ای باشد که از ناف تا زانو را بپوشاند و رداء نیز باید به قدری باشد که شانه‌ها را بپوشاند به گونه‌ای که رداء صدق نماید.

مسأله ۶۹- در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب معتبر نیست همانطور که کیفیت خاصی نیز معتبر نمی‌باشد بلی باید یکی را بهر کیفیتی که می‌خواهد لنگ قرار دهد و دیگری را به هر کیفیتی که می‌خواهد رداء قرار دهد.

مسأله ۷۰- لباس احرام باید دو جامه جدا باشد و در حال اختیار نمی‌توان به یک جامه بلند که مقداری از آن لنگ و مقداری رداء قرار داده شده اکتفا نمود.

مسأله ۷۱- پوشیدن‌جامه احرام، عملی عبادی است و در آن نیت و قصد قربت لازم است واحتیاطمستحب آن‌است که‌در کندن‌جامه دوخته‌هم‌نیت و قصد قربت داشته باشد.

مسأله ۷۲- شرائط لباس نمازگزار در دو جامه احرام معتبر است بنابراین جامه حریر و جامه نجس به نجاستی که در نماز از آن عفو نشده کفایت نمی‌کند.

مسأله ۷۳- جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد نباید به قدری نازک باشد که بدن‌نما باشد ولی در رداء این شرط معتبر نیست.

ص: ۵۰

گرچه موافق احتیاط است.

مسأله ۷۴- در حال احرام هرگاه این دو جامه نجس شود بایـد آن را تطهیر یا تبدیل کند (۱) ولی اگر تطهیر و تبدیل ننماید ضرر به احرامش نمی‌زند و کفاره هم ندارد. امّا تطهیر بدن لازم نیست مگر برای نماز و طواف.

مسأله ۷۵- لباس احرام می‌تواند از غیر منسوج مانند پوست یا نمد باشد اگر عرفاً به آن جامه گفته شود.

مسأله ۷۶- لازم نیست جامه احرام را همیشه در بر داشته باشـد بلکه می‌تواند آن را عوض کند و برای شسـتن، اسـتحمام و مانند آن بیرون آورد ولی اگر جامه را عوض کرد افضل آن است که برای طواف همان جامه‌ای را که در آن محرم شده بپوشد.

مسأله ۷۷- شـخص محرم می‌تواند برای حفظ از سـرما و یا غرض دیگر بیش از دو جامه احرام بپوشد (۲) مثل دو یا سه رداء و دو یا سه لنگ.

مسأله ۷۸- محرم می‌تواند برای آشکار نشدن عورت یا اغراض دیگر قطعه‌ای پارچه زیر لنگ بسته آن را از میان دو پا عبور دهد.

مسأله ۷۹- وصل نمودن قسمتی از لباس احرام به قسمت

۱- ۱. آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بنابر احتیاط مستحب.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه فاضل: ولی همه آنها باید شرائط لباس احرام را داشته باشد.

ص: ۵۱

دیگر با سنجاق و گیره و مانند آن جایز است (۱)* و نیز گره زدن لباس احرام اشکال ندارد ولیکن نباید آنچه را لنگ قرار داده به گردن گره بزند ولی اگر از روی جهل یا فراموشی گره زد باید بنابر احتیاط فوراً آن را باز نماید ولی اگر باز نکرد یا از ابتداء عمداً گره زد به احرامش ضرر نمی‌زند و چیزی بر او نیست.

«لباس احرام بانوان»

مسأله ۸۰- دو جامه ذکر شده که باید محرم بپوشد مخصوص به مرد است ولی زن می‌تواند در لباس‌های عادی خود به هر نحو که هست محرم شود چه دوخته باشد و چه نباشد بلی شرائط ذکر شده در دو جامه احرام در آن معتبر است حتی از حریر خالص نیز نباشد.

«تعلّق خمس به لباس احرام»

مسأله ۸۱- پوشیدن لباس احرام غصبی جایز نیست و همین

۱- ۱. آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: سنجاق زدن و گره زدن حوله احرام و سنگ‌گذاشتن بین دو طرف حوله به نحوی که حوله به صورت یقه پیراهن درآید جایز نیست و نیز نباید پارچه احرام را چاک داده و مانند پیراهن بپوشد، بلی قرار دادن سنگ کوچک، در جامه احرام برای آن‌که آن را سنگین کرده و رداء را حفظ نماید مانعی ندارد.

آیهٔ اللّه خامنه‌ای: مادامی که از صدق رداء و لنگ خارج نشود.

ص: ۵۲

طور است لباسی که متعلّق خمس باشد یا با عین پولی که متعلّق خمس است آن را بخرد.

مسأله ۸۲- اگر شک داشته باشد که لباس احرام او متعلق خمس شده یا نه، یا شک دارد پولی که با آن لباس احرام را خریده متعلّق خمس بوده یا نه، تخمیس آن واجب نیست و پوشیدن آن برای احرام جایز و طواف و نماز در آن صحیح است.

«احکام احرام»

مسأله ۸۳- برای احرام بستن طهارت از حدث اصغر و اکبر لازم نیست.

مسأله ۸۴- اگر بعد از آن که محرم شده است پیراهن بپوشد لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از طرف پائین بیرون آورد ولی اگر در پیراهن محرم شود لازم نیست شکاف دهد و از پایین بیرون آورد و همین قدر لازم است آن را بکند و لباس احرام بپوشد و در هر دو صورت احرامش صحیح است.

مسأله ۸۵- اگر در هنگام احرام بستن لباس احرام را عمداً یا از روی عذر نپوشد یا لباس دوخته را از تن بیرون نیاورد احرامش صحیح است هرچند در صورت عمد معصیت کرده است و همین طور است احرام در جامه‌ای که شرائط لازم را ندارد.

مسأله ۸۶- اگر بواسطه عذری، مثل مرض، نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد، باید در میقات یا

ص: ۵۳

محاذات آن نیت عمره و یا حج کند و لبیک بگوید و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند و اگر لباس احرام نپوشیده، بپوشد. و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته یک گوسفند قربانی کند.

«مستحبات احرام»

مسأله ۸۷- مستحبات احرام چند چیز است: (۱)

۱- بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد، و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی‌القعده و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را رها کند.

۳- پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حایض و نفساء نیز صحیح است (۲) و تقدیم این غسل به خصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت

۱- ۱. آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه مکارم: پاره‌ای از مستحبات و مکروهاتی که اینجا ذکر شده مبتنی بر قاعده تسامح است پس باید رعایت آن به قصد رجاء باشد نه ورود.

۲- ۲. آیهٔ اللّه بهجت: این غسل با خوابیدن باطل نمی‌شود ولی اعاده آن شبیه به‌مستحب در مستحب است.

ص: ۵۴

نشود جایز است و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده نماید و بعد از این غسل، اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴- آن که دو جامه احرام از پنبه باشد.

۵- لباس احرام سفید باشد.

۶- احرام را به ترتیب ذیل ببندد:

در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر و در صورت عدم تمکن بعد از فریضه دیگر. (۱) و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و شش رکعت افضل است و بعد از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد، آنگاه بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی أسْأَ لُکَ أنْ تَجْعَلَنِی مِمَّنِ اسْتَجابَ لَکَ، وَ آمَنَ بِوَعْدِکَ، وَ اتَّبَعَ أمْرَکَ، فَاِنِّی عَبْدُکَ، وَ فی قَبْضَتِکَ، لا اوْقی إلَّا ما

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه فاضل: در صورت عدم تمکن از فریضه اداء بعد از فریضه‌قضا محرم شود.

ص: ۵۵

وَقیتَ، وَ لا آخُذُ إلَّا ما أعْطَیْتَ، وَقَدْ ذَکَرْتَ الْحَجَّ، فَأسْألُکَ أنْ تَعْزِمَ لِی عَلَیْهِ عَلی کِتابِکَ، وَ سُنَّهِٔ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِه، وَتُقَوِّیَنِی عَلی ما ضَعُفْتُ، وَ تُسَلِّمَ لِی مَناسکی فی یُسْرٍ مِنْکَ وَ عافِیَهٍٔ، وَ اجْعَلْنِی مِنْ وَفْدِکَ الّذی رَضِیتَ وَ ارْتَضَیْتَ وَ سَمَّیْتَ وَ کَتَبْتَ. أللَّهُمَّ إنِّی خَرَجْتُ مِنْ شُقَّهٍٔ بَعیدَهٍٔ، وَ أنْفَقْتُ مالِی ابْتِغاءَ مَرْضاتِکَ. أَللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِی حَجَّتِی وَ عُمْرَتِی. أللَّهُمَّ إنّی اریْدُ التَّمَتُّع بِالْعُمْرَهِٔ إلَی الْحَجِّ عَلی کِتابِکَ، وَ سُنَّهِٔ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، فَانْ عَرَضَ لِی عارِضٌ یَحْبِسُنِی، فَخَلِّنِی حَیْثُ حَبَسْتَنِی بِقَدَرِکَ الَّذی قَدَّرْتَ عَلَیَّ. أللَّهُمَّ إنْ لَمْ تَکُنْ حَجَّهًٔ فَعُمْرَهًٔ، أحْرَمَ لَکَ شَعْرِی وَ بَشَرِی وَ لَحْمِی وَ دَمِی وَ عِظامِی وَ مُخّی وَ عَصَبِی مِنَ النِّساءِ وَ الثِّیابِ وَالطِّیْبِ، أبْتَغِی بِذلِکَ وَجْهَکَ وَ الدارَ الْآخِرَهَٔ».

۷- هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی رَزَقَنِی مَا اواری بِهِ عَوْرَتی، وَ اؤَدّی فِیْهِ فَرْضِی، وَ أعْبُدُ فِیْهِ رَبِّی، وَ أنْتَهِی فِیْهِ إلی ما أمَرَنِی، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِی، وَ أردْتُهُ فَأعانَنِی وَ قَبِلَنِی وَ لَمْ یَقْطَعْ بِی، وَ وَجْهَهُ أرَدْتُ فَسَلَّمَنِی فَهُوَ حِصْنِی وَ کَهْفِی وَ حِرْزِی وَ ظَهْرِی وَ مَلاذِی وَ رَجائی وَ مَنْجایَ وَ ذُخْرِی وَ عُدَّتِی فی شِدَّتِی وَ رَخائِی».

ص: ۵۶

۸- تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند، خصوصاً در موارد ذیل:

الف: وقت برخاستن از خواب.

ب: بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج: وقت رسیدن به سواره.

د: هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن.

ه: وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و: آخر شب.

ز: اوقات سحر

زن حایض و نفساء (۱) نیز این تلبیه‌ها را بگویند. و شخص متمتع، تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آن که خانه‌های مکه را ببیند و امّا تلبیه حج تا ظهر روز عرفه مستمر است. (۲)

«مکروهات احرام»

مکروهات احرام چند چیز است:

۱- احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در جامه سفید است.

۲- خوابیدن محرم بر رختخواب و بالش زرد رنگ.

۳- احرام بستن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه فاضل: ... و جنب.

۲- ۲. آیهٔ اللّه بهجت: و همچنین مستحب است بر مردان تلبیه را بلند بگویند.

ص: ۵۷

چرک شود بهتر است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.

۴- احرام بستن در جامه راه‌راه. (۱)

۵- استعمال حنا، (۲) پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶- حمام رفتن و اولی آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.

۷- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که او را صدا نماید.

فصل سوّم: محرّمات احرام

«نگاه کردن در آینه»

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه سیستانی: احرام بستن در جامه نقشه‌دار و مانند آن.

۲- ۲. آیهٔ اللّٰه مکارم: اگر قصد زینت داشته باشد اشکال دارد و فرقی میان حنا ورنگ‌های امروز نیست.

ص: ۵۸

مسأله ۸۸- نگاه کردن در آینه، به جهت زینت، حرام است و به غیر این جهت اشکال ندارد. (۱)* و در این حکم تفاوتی میان زن و مرد نیست.

مسأله ۸۹- نگاه کردن به آب صاف و اجسام صیقلی که خاصیت آینه را دارد، اشکال ندارد. (۲)*

۱- ۱- آیهٔ اللّٰه گلپایگانی و آیهٔ اللّٰه صافی: نظر در آینه مطلقاً جایز نیست چه به قصدزینت باشد و چه نباشد.

۲- ۲- آیهٔاللّٰه سیستانی: نگاه به اجسام صیقلی که خاصیت آینه را دارد، مثل نگاه در آینه است.

آیهٔاللّٰه خامنه‌ای: به‌قصد زینت جایز نیست.

ص: ۵۹

مسأله ۹۰- نگاه به اشیا از پشت شیشه اتاق یا عینک (۱) و مانند آن مانعی ندارد و همچنین است نگاه در دوربین، حتی اگر در آن آینه باشد.

مسأله ۹۱- بودن در مکانی که در آن آینه هست و می‌داند که گاهی سهواً نگاهش به آن می‌افتد اشکال ندارد، گرچه احتیاط مستحب است که آن را بردارد یا چیزی رویش بیندازد.

مسأله ۹۲- نگاه کردن در آینه (۲) کفاره ندارد ولی مستحب است بعد از نگاه، لبیک بگوید.

«پوشیدن لباس دوخته برای مرد»

مسأله ۹۳- جایز نیست پوشیدن لباسهای دوخته؛ مثل پیراهن و زیرجامه و شبیه به دوخته مانند لباس‌های بافتنی و نمدی.

مسأله ۹۴- استفاده از فتق‌بند و کمربند و بند ساعت و دمپایی دوخته مانعی ندارد و همینطور است همیانی که در آن پول می‌گذارند.

مسأله ۹۵- اگر به لباس دوخته و مانند آن احتیاج پیدا کرد، جایز است بپوشد ولی باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۹۶- گره زدن لباس احرام و وصل کردن قسمتی از آن

۱- ۱- حکم عینک زدن، در مسائل مربوط به حرمتِ زینت خواهد آمد.

۲- ۲- آیة اللّه گلپایگانی، آیة اللّه صافی: کفاره‌اش استغفار است.

ص: ۶۰

به قسمت دیگر با سوزن و سنجاق و سنگ گذاشتن و نخ بستن مانعی ندارد، مگر آن‌که ردا صدق نکند و همچنین نباید آنچه را لنگ قرار داده به گردن گره بزنند. (۱)

مسأله ۹۷- پوشیدن انواع لباس دوخته برای زنان، مانعی ندارد، جز دستکش که جایز نیست.

مسأله ۹۸- جایز است محرم هنگام خوابیدن با لحاف و پتو و مانند آن از چیزهای دوخته تن خود را، جز سر بپوشاند.

مسأله ۹۹- اگر با علم و عمد لباس دوخته و مانند آن بپوشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۱۰۰- اگر چند لباس از یک نوع بپوشد، مانند چند پیراهن (۲) یا یک لباس را چند بار بپوشد کفاره متعدّد می گردد.

مسأله ۱۰۱- اگر از روی اضطرار لباسهای متعدد بپوشد کفاره ساقط نمی‌شود. (۳)

مسأله ۱۰۲- اگر محرم چند قسم لباس دوخته بپوشد؛ مثل

۱- ۱. تفصیل نظر مراجع عظام در مسأله ۲۱۴ گذشت.

۲- ۲- آیهٔ اللَّه فاضل: چنانچه چند لباس از یک نوع را یک دفعه یعنی پشت سر هم و بدون فاصله بپوشد یک کفاره کافی است. آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: برای پوشیدن جنس دوخته در احرام عمره یک کفاره و در احرام حج یک کفاره کافی است.

۳- ۳- آیهٔ اللَّه مکارم: مگر اینکه موجب عسر و حرج شود.

ص: ۶۱

پیراهن و کت، باید برای هر کدام یک کفاره بدهد حتی اگر آنها را داخل در هم کرده باشد و یکدفعه بپوشد. (۱)

«پوشاندن تمام روی پا برای مردان»

مسأله ۱۰۳- پوشیدن کفش و جوراب و مانند آن، که تمام روی پا را بپوشاند برای مرد جایز نیست اما پوشیدن دمپایی و مانند آن، که تمام روی پا را نمی‌پوشاند اشکال ندارد.

مسأله ۱۰۴- انداختن حوله احرام یا پتو روی پا؛ به طوری که پوشیدن آن به حساب نیاید اشکال ندارد.

مسأله ۱۰۵- اگر مرد از روی ناچاری چیزی بپوشد که تمام روی پا را می‌پوشاند، می‌تواند آن را بپوشد و شکاف دادن آن لازم نیست.

مسأله ۱۰۶- پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد کفاره ندارد.

«پوشانیدن سر برای مرد»

مسأله ۱۰۷- جایز نیست مرد سر خود را با چیزی بپوشاند حتی با مثل حنا و گل و غیر اینها ولی پوشانیدن با بعض بدن خود؛ مثل دست‌ها، جایز است.

مسأله ۱۰۸- احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد

۱- ۱- آیهٔ اللّٰه گلپایگانی، آیهٔ اللّٰه صافی: نظر ایشان در پاورقی قبل گذشت.

ص: ۶۲

که سر به وسیله آن پوشیده شود؛ مثل بار برای حمل.

مسأله ۱۰۹- در حکم سر است بعض سر، پس نباید بعض سر را نیز بپوشاند. گوشها هم از سر محسوب می‌شود اما صورت از سر نیست و پوشاندن آن عیبی ندارد.

مسأله ۱۱۰- محرم می‌تواند برای سردرد، دستمال به سرببندد و کفاره هم ندارد. (۱)*

مسأله ۱۱۱- گذاشتن سر روی بالش و مانند آن برای خوابیدن مانعی ندارد. ولی پوشاندن سر موقع خوابیدن جایز نیست و اگر بدون توجه یا از روی فراموشی پوشانید واجب است آن را فوراً بردارد.

مسأله ۱۱۲- اگر پارچه‌ای را روی چیزی بیندازد بنحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کند، مانعی ندارد و همینطور رفتن در پشه بند.

مسأله ۱۱۳- اگر سر را شست نباید با پارچه و حوله آن‌را خشک کند و بعض سر در حکم همه آن است. (۲)

و اگر وقت نماز تنگ باشد و نتواند سر را برای مسح ولو با

۱- ۱- آیات عظام گلپایگانی، بهجت و صافی: کفاره دارد.

۲- ۲- آیات عظام گلپایگانی، صافی، بهجت، خامنه‌ای، مکارم: خشک کردن به نحوی که سر پوشانده نشود اشکال ندارد نظر این آقایان نسبت به بقیه مسأله همینجا معلوم شد.

آیهٔاللّه خوئی: فتوای معظم‌له در دست نیست.

ص: ۶۳

دست خشک کند احتیاط جمع بین وضو با این حال و تیمم است. (۱)

مسأله ۱۱۴- نباید محرم (۲) سر خود را زیر آب فرو برد، حتی بعض سر را (۳) بلکه جایز نیست زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن هم فروببرد و لکن زیر دوش رفتن مانعی ندارد.

مسأله ۱۱۵- اگر عمداً و با علم به مسأله سر یا بعضی (۴) از آن را بپوشاند بنحوی از انحا؛ کفاره آن یک گوسفند است اما پوشاندن بعض سر کفاره ندارد.

مسأله ۱۱۶- اگر سر را پوشانید و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و دوباره سر را پوشانید باید مجدداً کفاره بدهد (۵) ولی اگر قبل از کفاره دادن چند بار سر را پوشانید کفاره متعدد نمی‌شود. (۶)*

۱- ۱- آیهٔ اللّه سیستانی: در این فرض می‌تواند با کنار حوله به مقدار مسح، سرش را خشک کند.

۲- ۲- آیهٔ اللّه مکارم: و ظاهر کلام امام خمینی: این حکم مختص مردان است و شامل‌زنان نمی‌شود.

۳- ۳- آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه تبریزی: فرو بردن بعض سر را زیر آب جایز است.

۴- ۴. آیهٔاللّه فاضل و آیهٔاللّه خامنه‌ای: پوشاندن بعض سر کفاره ندارد. آیهٔاللّه‌خامنه‌ای اضافه فرموده‌اند: مگر این‌که عرفاً صدق کند که سر را پوشانده است؛ مثل این‌که کلاه کوچکی که فقط قسمت وسط سر را می‌پوشاند، بر سر بگذارد.

۵- ۵- امام خمینی: کفاره مجدد احتیاط مطلوبی است گرچه واجب نیست.

آیهٔ اللّه سیستانی: بعید نیست کفایت یک کفاره.

۶- ۶- آیهٔ اللّه گلپایگانی و آیهٔ اللّه صافی: کفاره متعدد می‌شود.

ص: ۶۴

مسأله ۱۱۷- اگر محرم سر خود را با چیز دوخته‌ای که پوشیدنش موجب کفاره است (مثل کلاه) بپوشاند، باید دو کفاره بدهد (۱) جز در صورت جهل و فراموشی.

مسأله ۱۱۸- پوشانیدن سر از روی اضطرار ظاهراً کفاره دارد. (۲)

«پوشانیدن صورت برای زن»

مسأله ۱۱۹- زن نباید روی خود را با نقاب و پوشیه و مانند اینها، حتی با بادبزن بپوشاند (۳) واحتیاط واجب آن است که به چیزهای غیر متعارف مثل گل و دارو نیز نپوشاند.

مسأله ۱۲۰- بعض صورت در حکم همه آن است بنابراین نباید آن را بپوشاند اما زیر چانه از صورت محسوب نمی‌شود. (۴)

۱- ۱- آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه تبریزی: ظاهراً کفاره متعدد نمی‌شود.

۲- ۲- آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی و صافی: فرض اضطرار را برای عدم لزوم کفاره استثنا نفرمودند.

آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: کفاره ندارد.

۳- ۳- آیهٔاللّه بهجت: در غیرحال‌ضرورت؛ مانندتحفّظاز مگس ومانندآن، درحال‌خوابیدن، اشکالی ندارد.

۴- ۴- آیـهٔ اللّه خامنه‌ای: بر زنان حرام است پوشانـدن صورت و مانند آن؛ به آنگونه که عادتاً برای حفظ حجاب انجام می‌دهند. امّا پوشاندن گوشه‌هایی از بالا یا پایین صورت یا دو طرف آن؛ به طوری که پوشاندن صورت صدق نکند مانع ندارد چه در نماز یا غیر آن.

آیهٔ اللّه مکارم: پوشیدن بعض صورت؛ به طوری که نقاب و برقع به آن نگویند اشکالی ندارد.

ص: ۶۵

مسأله ۱۲۱- زن می‌تواند کمی از اطراف صورت را مقدمتاً برای پوشش واجب نماز بپوشاند، لکن بعد از فراغ از نماز باید آن‌را فوراً باز کند. (۱)

مسأله ۱۲۲- گذاردن دست بر روی صورت و همچنین گذاشتن صورت بر بالش و پوشاندن صورت هنگام خوابیدن مانعی ندارد.

مسأله ۱۲۳- خشک کردن صورت با حوله و پارچه اگر تدریجاً و به نحوی باشد که صورت پوشیده نشود مانعی ندارد. (۲)*

مسأله ۱۲۴- زن باید مواظب باشد که هنگام پوشیدن و یا درآوردن مقنعه و مانند آن صورتش پوشیده نشود (۳). لکن اگر از روی علم و عمد پوشیده نشود مانعی ندارد.

مسأله ۱۲۵- جایز است برای روی‌گرفتن از نامحرم چادر یا

۱- ۱- نظر آیهٔ اللَّه خامنه‌ای و آیهٔ اللَّه مکارم از پاورقی مسأله قبل روشن می‌شود.

۲- ۲- آیات عظام خوئی، تبریزی و فاضل: زن نباید صورت خود را با حوله خشک کند.

آیهٔاللَّه خامنه‌ای: اگر حوله را روی همه صورت بیندازد، اشکال دارد والا مانع ندارد.

۳- ۳- آیهٔ اللَّه مکارم: این مقدار پوشیدن مانعی ندارد.

ص: ۶۶

جامه را که به سر انداخته پایین بیندازد تا محاذی بینی بلکه چانه و بلکه در صورت احتیاج تا گردن، چیزی بر او نیست. (۱)

مسأله ۱۲۶- بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می‌اندازد با دست یا چیز دیگر از صورت دور نگهدارد تا به صورت نچسبد. (۲)*

مسأله ۱۲۷- در پوشاندن صورت، به هر نحو که باشد، کفاره نیست. (۳)*

«استفاده از بوی خوش»

مسأله ۱۲۸- استعمال عطرها مانند مشک، عود، عنبر و زعفران جایز نیست. (۴) چه استعمال به بوییدن باشد یا خوردن یا مالیدن به لباس و بدن و همینطور پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد، گرچه قبلًا عطر به آن مالیده شده باشد.

مسأله ۱۲۹- اگر در غذا و مانند آن چیز خوش بویی مانند

۱- ۱- آیهٔ اللَّه گلپایگانی: متعرض فرع اخیر نشده‌اند.

۲- ۲- آیهٔ اللَّه گلپایگانی و آیهٔ اللَّه صافی: باید با دست یا چیز دیگر از صورت دور نگهدارد.

۳- ۳- آیهٔ اللَّه گلپایگانی و آیهٔ اللَّه صافی: باید یک گوسفند کفاره بدهد.

۴- ۴- آیهٔ اللَّه تبریزی: در غیر از این چهار چیز و ورس احتیاط استحبابی است ازاینجا نظر ایشان در مسائل بعدی روشن می‌شود.

ص: ۶۷

زعفران باشد خوردن آن جایز نیست.

مسأله ۱۳۰- بوییدن چیزهای خوش بو حرام است و چنانچه ناچار به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می‌دهد گردد، باید بینی خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

مسأله ۱۳۱- اجتناب از گلها یا سبزیهایی که بوی خوش می‌دهد لازم است مگر بعضی‌انواع صحرایی؛ مانند بومادران، درمنه و خزامی که می گویند خوش‌بوترین گلها است. (۱)

مسأله ۱۳۲- اجتناب از میوه‌های خوش‌بو؛ مانند سیب و به، لازم نیست و خوردن و بوییدن آنها مانع ندارد (گرچه احتیاط ترک آن است).

مسأله ۱۳۳- بر محرم لازم نیست از بوی خوشی که در کعبه است اجتناب کند.

مسأله ۱۳۴- گرفتن بینی از بوی بد حرام است ولی فرار کردن از آن به تند رفتن مانعی ندارد.

مسأله ۱۳۵- خرید و فروش عطرها اشکال ندارد ولی نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال نماید.

مسأله ۱۳۶- استعمال شامپو و صابون و خمیر دندان، اگر صدق بوی خوش کند، جایز نیست (۲).

۱- ۱- آیهٔ اللَّه مکارم: البته سبزی‌هایی مانند ریحان و نعناع اشکالی ندارد.

۲- ۲- آیهٔ اللَّه تبریزی: بلکه جایز است.

ص: ۶۸

مسأله ۱۳۷- کفاره خوردن چیزی که در آن بوی خوش به کار رفته، در صورتی که از روی علم و عمد باشد، یک گوسفند است.

«سرمه کشیدن»

مسأله ۱۳۸- سرمه سیاه کشیدن اگر برای زینت باشد، حرام است هر چند قصد زینت نکند.

مسأله ۱۳۹- سرمه غیر سیاه کشیدن، اگر زینت حساب شود حرام است هرچند قصد زینت نکند. (۱)

مسأله ۱۴۰- اگر سرمه بکشد به چیزی که بوی خوش داشته باشد داخل در مسأله استعمال بوی خوش می‌شود که حکم آن گذشت.

مسأله ۱۴۱- در حرمت سرمه کشیدن، تفاوتی میان زن و مرد نیست.

مسأله ۱۴۲- سرمه کشیدن به چیزی که در آن بوی خوش (۲) نباشد کفاره ندارد.

مسأله ۱۴۳- سرمه کشیدن در صورتی که ناچار باشد اشکال

۱- ۱- آیات عظام: خوئی، تبریزی، بهجت: اگر قصد زینت نکند جایز است.

۲- ۲- آیهٔالله فاضل: یا بوی خوش آن هنگام سرمه کشیدن قابل استشمام نباشد.

ص: ۶۹

ندارد.

«زینت کردن»

مسأله ۱۴۴- محرم باید از هر چیزی که زینت حساب می‌شود اجتناب کند، هر چند قصد (۱) او زینت نباشد.

مسأله ۱۴۵- انگشتر به دست کردن به جهت زینت جایز نیست اما برای استحباب یا غرض دیگر مانعی ندارد. (۲)*

مسأله ۱۴۶- حنا بستن در حال احرام، اگر زینت حساب شود، جایز نیست ولو قصد زینت نداشته باشد و در غیر این صورت مانعی ندارد و همینطور حنا بستن قبل از احرام مانع ندارد هر چند به قصد زینت باشد و اثرش تا زمان احرام باقی بماند.

مسأله ۱۴۷- عینک زدن اگر (۳) زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود جایز نیست. (۴)

مسأله ۱۴۸- پوشیدن زیور برای زن محرم به جهت زینت حرام است بلکه اگر زینت باشد حرمت آن بدون قصد زینت نیز خالی از قوت نیست. (۵)

مسأله ۱۴۹- زیورهایی را که زن عادت به پوشیدن آن قبل از

۱- ۱- آیهٔ اللّه فاضل: اگر قصد زینت آنها را نداشته باشد مانعی ندارد.

۲- ۲- آیهٔ اللّه مکارم: انگشتر زینتی به هر قصد باشد حرام است.

۳- ۳. آیهٔاللّه بهجت: اگر به‌قصد زینت نباشد، بنابر اقوی عیبی ندارد.

۴- ۴. آیهٔاللّه فاضل: در صورتی که به‌قصد زینت استفاده کند.

۵- ۵- آیهٔ اللّه فاضل: بدون قصد زینت احتیاط مستحب در ترک است.

ص: ۷۰

احرام داشته، لازم نیست‌برای احرام بیرون بیاورد (۱). ولی (۲) نباید آنها را به مرد (۳) نشان دهد حتی به شوهر خود.

«روغن مالیدن»

مسأله ۱۵۰- مالیدن روغن و پماد چرب (۴) حرام است، اگر چه بوی خوش نداشته باشد.

مسأله ۱۵۱- اگر در روغن بوی خوش باشد، چنانچه بوی خوش آن تا وقت احرام باقی بماند قبل از احرام نیز نباید استعمال کند.

مسأله ۱۵۲- روغن مالیدن به جهت ضرورت و احتیاج عیبی ندارد. (۵)

مسأله ۱۵۳- خوردن روغنی که در آن بوی خوش مثل

۱- ۱- آیهٔ اللّه فاضل: اگر قصد زینت آنها را نداشته باشد.

۲- ۲- آیهٔ اللّه مکارم: باید آنها را بپوشاند.

۳- ۳- آیهٔ اللّه سیستانی: بنابر احتیاط مستحب آنها را برای مَحرَم خود هم ظاهر نسازد.

۴- ۴- آیهٔ اللّه مکارم: بلکه مطلقاً حرام است ولو چرب نباشد.

۵- ۵- آیهٔ اللّه سیستانی: محرم می‌تواند روغنی که بوی خوش ندارد برای مداوا استعمال کند و جایز است در حال ضرورت استعمال روغنی که خوش‌بو است یا بوی خوش در آن است.

ص: ۷۱

زعفران نباشد مانعی ندارد.

مسأله ۱۵۴- اگر در روغن بـوی خوش نباشـد مالیـدن آن کفـاره نـدارد و اگر در آن بوی خوش باشـد (۱) کفاره‌اش یک گوسـفند است هر چند از روی اضطرار باشد. (۲)

«گرفتن ناخن»

مسأله ۱۵۵- جایز نیست محرم ناخن دست یا پای خود را بگیرد حتی بعض آن را و فرقی نیست با ناخن گیر باشـد یا هر وسـیله دیگر بلکه زائل کردن ناخن با دندان یا سوهان نیز جایز نیست.

مسأله ۱۵۶- گرفتن نـاخن دیگری عیـبی نـدارد گر چه دیگری نیز محرم باشـد بنـابراین محرم می‌توانـد نـاخن محرم دیگری را برای تقصیر بگیرد.

مسأله ۱۵۷- اگر بقای ناخن موجب اذیت و آزار باشـد مثل اینکه بعض آن جـدا شده و بعض دیگر مانده و موجب ناراحتی می‌شود گرفتن آن جایز است لکن باید (۳) کفاره بدهد.

مسأله ۱۵۸- برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد

۱- ۱- آیهٔ اللّه خامنه‌ای: اگر روغن را معطّر کرده باشند مانند کرمهای معطر و امثال‌آن بعید نیست که کفاره نداشته باشد.

۲- ۲- آیهٔ اللّه فاضل: در حال اضطرار کفاره ثابت نیست.

۳- ۳- آیهٔ اللّه فاضل: می‌تواند برای هر ناخن یک کف طعام بدهد.

ص: ۷۲

طعام بدهد و همینطور است در ناخن‌های پا.

مسأله ۱۵۹- اگر تمام ناخن‌های دست‌ها و پاها را در یک مجلس بگیرد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۱۶۰- اگر تمام ناخن‌های دست را در یک یا چند مجلس بگیرد و در مجلس دیگر یا چند مجلس دیگر تمام ناخن پاها را بگیرد باید دو گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۱۶۱- اگر تمام ناخن دستها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده تا بگیرد یک گوسفند برای ناخن دستها و برای هر یک از ناخن‌های پا یک مد طعام بدهد و همچنین است اگر تمام ناخن پاها را بگیرد و ناخن دست‌ها را کمتر از ده ناخن بگیرد (۱).

مسأله ۱۶۲- اگر کسی کمتر از ده ناخن داشت و همه آنها را گرفت برای هر ناخن یک مد طعام بدهد. (۲)

«زائل کردن مو»

مسأله ۱۶۳- بر محرم حرام است زائل کردن موی خود یا دیگری هر چند دیگری محرم نباشد و در این حکم فرقی نیست میان موی کم و زیاد بلکه (۳) زایل کردن بعض از یک مو نیز

۱- ۱- آیة اللّه فاضل: در هر دو فرض غیر از گوسفند کفاره‌ای ثابت نیست.

۲- ۲- آیة اللّه فاضل: برای مجموع ناخن‌ها یک گوسفند کفاره بدهد.

آیةاللّه خوئی متعرض این فرع نشده‌اند.

۳- ۳- آیة اللّه مکارم: این مقدار حرام نیست.

ص: ۷۳

حرام است.

مسأله ۱۶۴- در ازاله مو، فرقی میان تراشیدن یا کندن یا قیچی کردن یا استفاده از موبر نیست، همانطور که فرقی میان اعضای بدن نیست.

مسأله ۱۶۵- ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد جایز است مثل مویی که چشم را اذیت می‌کند.

مسأله ۱۶۶- اگر در وقت غسل یا وضو یا تطهیر، (۱) مویی بدون قصد کنده شود اشکال ندارد و کفاره هم ندارد.

مسأله ۱۶۷- کفاره زایل کردن موی سر، به جهت ضرورت، دوازده (۲) مد طعام است که باید به شش مسکین بدهد یا سه روز روزه بگیرد یا یک گوسفند قربانی کند و یک مد تقریباً ده سیر است.

مسأله ۱۶۸- کفاره زایل کردن موی سر، بدون ضرورت، یک گوسفند است. (۳)

---

۱ - ۱. آیهٔ‌اللّه خامنه‌ای، آیهٔ‌اللّه سیستانی: یا تیمم آیهٔ‌اللّه سیستانی اضافه‌فرموده‌اند: یا ازاله مانع از رسیدن آب وضو و غسل و مانند آن.

۲ - ۲- آیهٔ اللّه بهجت و آیهٔ اللّه گلپایگانی: اطعام ده مسکین به هر کدام یک مد داده‌شود. آیهٔ‌اللّه بهجت اضافه فرموده‌اند: بنابر احتیاط به هرکدام به مقداری که سیر شوند بدهد، اگرچه بیش از یک مد طعام داده شود. احتیاط در رعایت اکثر از مد و اشباع است.

۳- ۳- آیهٔ اللّه بهجت: حکم آن مانند مسأله قبل است.

ص: ۷۴

مسأله ۱۶۹- کفاره ازاله موی زیر هر دو بغل یا یک بغل یک گوسفند است. (۱)

مسأله ۱۷۰- ازاله مو از دیگری، محرم باشد یا غیر محرم، حرام است لکن کفاره ندارد. (۲)

مسأله ۱۷۱- اگر عمداً به سر یا ریش خود دست کشید و یک مو یا بیشتر افتاد، باید یک کف طعام صدقه بدهد. (۳) هر چند التفات به افتادن مو نداشته باشد و حکم جدا شدن مو در موقع وضو و مانند آن گذشت.

«سایه قرار دادن (برای مردان)»

مسأله ۱۷۲- سایه قرار دادن بر سر، برای مردان جایز نیست ولی برای زنان و کودکان اشکالی ندارد.

مسأله ۱۷۳- حرمت سایه قرار دادن بالای سر، مختص به زمان طی مسافت است. پس در حالیکه در محلی منزل کرده در منا باشد یا غیر آن، زیر سایه رفتن و با چتر و مانند آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگر چه در حال راه رفتن باشد. بنابراین، مانعی ندارد در

۱- ۱- آیة اللّه بهجت: کفاره ازاله موی یک بغل آن است که سه مسکین را اطعام دهد.

۲- ۲- امام خمینی: ظاهر کلام ایشان این است که فرقی میان ازاله مو از خود یا دیگری، در لزوم کفاره نیست.

۳- ۳- آیة اللّه خامنه‌ای: این کفاره گر چه مطابق احتیاط است و لکن وجوبش معلوم‌نیست.

ص: ۷۵

منا از چادر تا محلی که رمی جمرات را انجام می‌دهد با چتر برود و نیز جایز است. بعد از آنکه محرم به منزل رسید ولو در محله‌های جدید مکه برای رفت و آمد به مسجد الحرام در ماشین‌های سقف‌دار سوار شود یا زیر سایه برود.

مسأله ۱۷۴- قرار گرفتن در سایه چیزی که بالای سر نباشد؛ مانند دیواره اتومبیل، مانعی ندارد. (۱)*

مسأله ۱۷۵- در حرمت زیر سقف رفتن، تفاوتی میان سواره و پیاده نیست.

مسأله ۱۷۶- حکم مزبور اختصاص دارد به سایه متحرکی که با انسان حرکت می‌کند؛ مثل چتر و سقف ماشین و مانند آن و شامل سایه‌های ثابت مانند پلها (۲) و تونلها و پمپ بنزین نمی‌شود لذا عبور از زیر آنها اشکال ندارد.

مسأله ۱۷۷- نشستن در زیر سقف، در حال طی منزل در شب و بین الطلوعین اشکال ندارد. (۳)* بنابراین جایز است نشستن محرم

۱- ۱- آیهٔ اللّٰه خوئی: اظهر حرمت است.

۲- ۲- آیات عظام امام خمینی و صافی: زیر سایه ثابت رفتن هم جایز نیست ولی اگرماشین از زیر پل یا تونل عبور کند و بناچار محرمین از زیر پلها عبور کنند. و یا درمحل پمپ بنزین متوقف شوند اشکال ندارد.

۳- ۳- آیهٔ اللّٰه مکارم: مگر در شب‌های بارانی که باید کفاره بدهد.

آیهٔ اللّٰه خوئی: مراد از استظلال تحفظ از آفتاب و سرما و گرما و باران و باد است پس اگر هیچ یک از آنها نباشد به طوری که وجود و عدم سایبان یکسان باشد اشکال ندارد و در این حکم فرقی بین شب و روز نیست.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: در شبهای بارانی باید کفاره بدهد.

ص: ۷۶

در ماشینی که سقف دارد و شب حرکت می کند.

مسأله ۱۷۸- نظر به این که مسجد تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، کسی که از مسجد تنعیم برای عمره محرم شده است. می‌تواند سوار ماشین سقف دار شود یا زیر سایه دیگری برود.

مسأله ۱۷۹- سایه قرار دادن به غیر سر، مانند شانه و دیگر اعضای بدن مانعی ندارد.

مسأله ۱۸۰- محرم به محض رسیدن به مکه می‌تواند استظلال نماید هر چند هنوز به محل سکونت نرسیده باشد.

مسأله ۱۸۱- سایه قرار دادن برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی اشکالی ندارد ولی کفاره ساقط نمی‌شود.

مسأله ۱۸۲- اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد.

مسأله ۱۸۳- کفاره سایه قرار دادن در حالِ طی منزل، یک گوسفند است؛ چه با عذر سایه قرار داده یا بدون عذر.

مسأله ۱۸۴- اگر در اثر فراموشی یا ندانستن مسأله، سوار اتومبیل سقف‌دار شد و بعد از توقف اتومبیل و پیاده شدن متوجه شد کفاره ندارد ولی اگر در حال حرکت متوجه شد برای مقداری

ص: ۷۷

که تا زمان ایستادن اتومبیل بناچار زیر سقف قرار دارد باید کفاره بدهد. (۱)

«عقد کردن»

مسأله ۱۸۵- ازدواج در حال احرام جایز نیست؛ خواه خودش صیغه عقد را بخواند یا به دیگری وکالت دهد، خواه عقد دائم باشد یا موقت و در این حال اگر عقد بخواند عقد او باطل است.

همچنین است اگر محرم برای دیگری صیغه عقد بخواند گرچه او محرم نباشد.

مسأله ۱۸۶- اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند، با علم به محرم بودن، آن زن بر او حرام ابدی می‌شود.

مسأله ۱۸۷- اگر کسی عقد کند زنی را برای محرمی و محرم دخول کند، پس اگر هر سه عالم به حکم و موضوع باشند بر هر یک از آنها یک شتر کفاره است. و اگر دخول نکند کفاره نیست، و در این حکم فرقی نیست بین آن که زن و عاقد محلّ باشند یا محرم و اگر بعضی از آنها عالم باشند و بعضی جاهل بر عالم کفاره است.

مسأله ۱۸۸- جایز نیست محرم در مجلس عقد ازدواج برای شاهد بودن حضور پیدا کند ولی جایز است (۲)* برای انجام عقد

۱- ۱- آیة اللّٰه مکارم: در این صورت هم کفاره ندارد.

۲- ۲- آیات عظام: گلپایگانی، صافی: شهادت بر عقد جایز نیست، اگرچه پیش ازاحرام شاهد شده باشد.

ص: ۷۸

ازدواج شهادت دهد.

مسأله ۱۸۹- اگر زنی احرام بسته باشد و مردی که محرم نیست او را به عقد خود درآورد، این عقد باطل است و چنانچه زن عالم بوده، موجب حرمت ابدی نیز می‌شود.

مسأله ۱۹۰- خواستگاری در حال احرام جایز است، گرچه احتیاط استحبابی در ترک آن است.

مسأله ۱۹۱- رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانعی ندارد.

«نگاه کردن به همسر از روی شهوت»

مسأله ۱۹۲- جایز نیست محرم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند. (۱)

مسأله ۱۹۳- اگر محرم به همسر خود از روی شهوت نگاه کند و منی از او خارج شود کفاره‌اش یک شتر است ولی اگر منی خارج نشود (۲) یا از روی شهوت نگاه نکند و منی بیرون بیاید کفاره ندارد.

مسأله ۱۹۴- اگر محرم به زن اجنبی نگاه کند (۳) و منی از او

۱- ۱- آیهٔ اللّه سیستانی: در صورتی که موجب خروج منی شود.

۲- ۲- آیهٔ اللّه مکارم: اگر از روی شهوت نگاه کند یک گوسفند کفاره دارد.

۳- ۳- آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه بهجت: در صورتی که نگاه او حرام باشد.

ص: ۷۹

خارج شود کفاره‌اش یک شتر است اگر متمول باشد و اگر متوسطالحال باشد یک گاو بدهد و اگر فقیر است یک گوسفند کفاره بدهد.

«لمس کردن»

مسأله ۱۹۵- محرم نمی‌تواند زن خود را با شهوت لمس کند و کفاره‌اش یک گوسفند (۱)* است اگر چه منی از او خارج نشود.

مسأله ۱۹۶- اگر محرم با زن خود ملاعبه کند و منی از او خارج شود باید یک شتر کفاره بدهد.

«بوسیدن زن»

مسأله ۱۹۷- جایز نیست محرم زن خود را از روی شهوت ببوسد و چنانچه بوسید لازم است یک‌شتر کفاره‌بدهد. (۲) واگر از روی شهوت نباشد کفاره‌اش یک گوسفند است. (۳)

۱- ۱- آیهٔ اللَّه گلپایگانی و آیهٔ اللَّه صافی: کفاره، در صورت خروج منی، یک شتر است.

۲- ۲- آیات عظام: تبریزی، فاضل، سیستانی: اگر منی خارج نشود کفاره‌اش یک‌گوسفند است.

۳- ۳- آیـهٔ اللَّه فاضل: بوسیدن بدون شهوت حرام نیست و کفاره هم ندارد- آیهٔ اللَّه گلپایگانی: بوسیدن حتی بدون شهوت یک شتر کفاره دارد.

ص: ۸۰

مسأله ۱۹۸- شخص مُحلّ می‌تواند (۱) همسر محرم خود را ببوسد ولی اگر فرد محرم لذت ببرد نباید اجازه بدهد.

«جماع کردن»

نزدیکی با زن در حال احرام حرام است.

مسأله ۱۹۹- اگر کسی از روی علم و عمد در عمره مفرده جماع نماید (۲) باید یک شتر کفاره بدهد و اگر نمی‌تواند (۳) یک گوسفند کافی است و چنانچه این عمل پیش از سعی باشد باید آن عمره را تمام کند و تا ماه قمری (۴) بعد در مکه بماند سپس به یکی از مواقیت پنجگانه رفته (۵) و احرام ببندد و عمره قبل را اعاده نماید و اگر بعد از سعی باشد عمره‌اش صحیح است.

«استمنا»

۱- ۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی: جایز نیست.

۲- ۲. آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، گلپایگانی، صافی متذکر این مسأله‌نشده‌اند.

۳- ۳- آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر نمی‌تواند یک گاو و اگر نمی‌تواند یک گوسفند کفاره بدهد.

آیهٔ‌اللّٰه فاضل و آیهٔ‌اللّٰه مکارم متعرض فرض عجز از شتر نشده‌اند.

۴- ۴- آیهٔ اللّٰه بهجت: ماندن در مکه تا ماه قمریِ بعد را قید نفرموده‌اند.

۵- ۵- آیهٔ اللّٰه فاضل: محل احرام عمره دوم در صورتی که در عمره اول از یکی ازمواقیت معروفه محرم شده همانجاست والّا از ادنی‌الحلّ کافی است.

آیهٔ اللّٰه مکارم و آیهٔ اللّٰه بهجت: و برای اعاده عمره، رفتن به ادنی الحل کفایت می‌کند.

ص: ۸۱

مسأله ۲۰۰- استمنا با عضو تناسلی حرام و حکم آن از نظر کفاره و لزوم تکرار حج و عمره حکم جماع است.

مسأله ۲۰۱- اگر استمنا به وسیله بازی کردن یا بوسیدن یا نگاه یا لمس یا فکر و خیال چنین صحنه‌هایی باشد و مَنی خارج شود حرام است و کفاره (۱) دارد. (۲) ولی تکرار حج و عمره لازم نیست.

«کندن دندان»

مسأله ۲۰۲- کندن دندان اگر موجب خون آمدن شود جایز نیست. (۳) و بدون خونریزی مانعی ندارد (۴).*

مسأله ۲۰۳- کندن دندان دیگری گر چه موجب خون آمدن شود مانعی ندارد.

مسأله ۲۰۴- کندن دندان کفاره ندارد.

«بیرون آوردن خون از بدن خود»

۱- ۱- آیهٔ اللّٰه سیستانی: کفاره استمنا در این فرض همان کفاره بوسیدن زن و دست زدن و ملاعبه و نگاه کردن است که گذشت.

۲- ۲- آیهٔ اللّٰه سیستانی: با فکر و خیال و نحو آن باشد کفاره لازم نیست.

۳- ۳- آیات عظام خوئی، سیستانی و تبریزی: جایز است.

آیهٔ اللّٰه مکارم: مکروه است.

۴- ۴- آیهٔ اللّٰه گلپایگانی و آیهٔ اللّٰه صافی: بر محرم حرام است دندان خود را بکند هر چند خون نیاید.

ص: ۸۲

مسأله ۲۰۵- بیرون آوردن خون از بدن خود برای محرم حرام است. (۱) همچنین جایز نیست به مثل خاراندن بدن و مسواک نمودن (۲) خون بیرون آورد.

مسأله ۲۰۶- بیرون آوردن خون از بدنِ دیگری؛ مثل حجامت کردن او یا دندان او را کشیدن، حرام نیست.

مسأله ۲۰۷- خون درآوردن از بـدن در موارد ضـرورت یـا رفع ناراحتی؛ مثل حجامت برای درمان یا تزریقات یا بیرون آوردن خون دُمَل مانعی ندارد.

مسأله ۲۰۸- خون درآوردن از بدن کفاره ندارد.

«جدال: یعنی گفتن «لا واللّه» و «بلی واللّه»»

مسأله ۲۰۹- گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی و در سـایر لغـات مرادف آن مثـل «نه» و «آری» دخـالتی در جـدال نـدارد. (۳) بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است. (۴)

۱- ۱- آیهٔ اللّه مکارم: مکروه است.

۲- ۲- آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه سیستانی: مسواک کردن عیبی ندارد گر چه بداند خون خارج می‌شود.

۳- ۳- آیهٔ اللّه فاضل: ظاهراً در جدال محرّم لفظ «لا» و «بلی» دخالت دارد.

۴- ۴. سیسـتانی: به گفته بعضـی از فقهاء جـدال با قسم راست محقق نمی‌شود مگر این‌که سه‌بار پی‌درپی باشـد و این گفته خالی از وجه نیست گرچه احتیاط ترک آن است حتی یک‌بار.

ص: ۸۳

مسأله ۲۱۰- قسم اگر به لفظ «الله» باشـد یا مرداف آن مثل «خدا» در زبان فارسـی(۱) جـدال است. و اما قسم به غیر خدا به هر کس که باشد جدال نیست.

مسأله ۲۱۱- قسم خوردن به سایر اسماء الله مثل رحمن و رحیم جدال محرّم محسوب می‌شود. (۲)

مسأله ۲۱۲- در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی قسم خوردن جایز است. (۳)

مسأله ۲۱۳- اگر مراد قسم خوردن نباشـد بلکه قصـدش اظهار محبت یا تعظیم باشـد مثل اینکه بگوید (تو را به خدا زحمت نکشـید) اشکال ندارد.

مسأله ۲۱۴- اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست ولی باید استغفار کند و در سه مرتبه یا بیشتر (۴)

۱- ۱- آیهٔ اللّه فاضل: مرادف «اللّه» به هر زبانی که باشد جدال محرّم نمی‌باشد.

۲- ۲- آیهٔاللّه بهجت: جدال محسوب نمی‌شود.

۳- ۳- آیـهٔ اللّه سیسـتانی: از حرمت جدال اسـتثنا می‌شود موردی که ترک آن مسـتلزم ضـرری بر مکلف باشد؛ مثلًا حق او را پایمال کنند.

۴- ۴- آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه سیستانی: اگر سه مرتبه پی در پی باشد والّا کفاره‌ندارد.

آیهٔاللّه گلپایگانی: متعرض این فرع نشده‌اند.

ص: ۸۴

یک گوسفند کفاره بدهد مگر اینکه بعد از سه مرتبه کفاره داده باشد که در این صورت اگر سه مرتبه دیگر جدال کند باید یک گوسفند دیگر کفاره بدهد. (۱)

مسأله ۲۱۵- اگر جدال و قسم خوردن بر دروغ باشد در همان مرتبه اول یک گوسفند کفاره بدهد و در مرتبه دوم یک گاو و در مرتبه سوم یک شتر بدهد. (۲)

مسأله ۲۱۶- اگر یکبار قسم دروغ خورد و کفاره داد سپس دوباره قسم دروغ خورد بعید نیست (۳) کفاره آن یک گوسفند باشد. (۴)

مسأله ۲۱۷- اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال کرد و کفاره

۱- ۱- آیهٔ اللّه سیستانی: اگر سه مرتبه پی در پی جدال بکند و پس از فاصله سه مرتبه دیگر یا بیشتر پی در پی جدال بکند برای هر سه مرتبه پی در پی یک گوسفند کفاره بدهد.

آیهٔ اللّه خوئی: در جدال راست از مرتبه سوّم به بعد هر بار که جدال می‌کند یک گوسفند باید بدهد معتمد جلد ۴، ۱۱۷

۲- ۲- آیات عظام خوئی، تبریزی و سیستانی: در دومرتبه دو گوسفند ودر سه‌مرتبه دروغ‌یک گاو بدهد.

آیهٔاللّه بهجت: در سه مرتبه تخییر بین گاو و شتر خالی از وجه نیست.

۳- ۳- آیهٔ اللّه مکارم: بعید است.

۴- ۴- آیهٔ اللّه فاضل: کفاره آن یک گاو است.

نظر آیهٔاللّه گلپایگانی در این مسأله و مسأله بعد در دست نیست.

ص: ۸۵

آن را داد و بعد یک مرتبه دیگر به دروغ جدال کرد (۱) ظاهراً یک گوسفند کافی است. (۲) و اگر بعد از ذبح کفاره دو مرتبه دیگر به دروغ جدال کرد کفاره دو مرتبه جدال کردن را دارد که گذشت. (۳)

«فسوق (دروغ گفتن و دشنام دادن و فخر نمودن)»

مسأله ۲۱۸- دروغ گفتن و دشنام دادن در همه حال حرام است ولی در حال احرام بخصوص نهی شده است و همچنین محرم باید از فخر کردن به دیگران اجتناب نماید. (۴)

مسأله ۲۱۹- فسوق کفاره ندارد ولی باید استغفار کند و مستحب است چیزی کفاره دهد و بهتر است گاو ذبح کند.

«کشتن جانوران و حشرات»

مسأله ۲۲۰- کشتن حشرات مانند پشه و مگس و شپش و

---

۱ - ۱- آیهٔ اللّٰه خوئی: در جدال دروغ از مرتبه سوّم به بعد برای هر بار یک گاو بایدبدهد وفرقی نمی‌کند که بین آن کفاره داده باشد یا نه معتمد جلد ۴، ص ۱۱۷.

۲- ۲- آیهٔ اللّٰه فاضل: بعید نیست کفاره آن شتر باشد.

۳- ۳- آیهٔ اللّٰه فاضل: بعید نیست کفاره آن دو شتر باشد.

آیهٔ اللّٰه مکارم: مانند مسأله سابق است.

۴- ۴- آیات عظام سیستانی، خوئی، تبریزی، بهجت: فخر کردن در صورتی که مستلزم اهانت و تحقیر دیگران نباشد حرام نیست.

ص: ۸۶

امثال آن جایز نیست بلکه جایز نیست هیچ جنبنده‌ای را به قتل برساند. (۱)

مسأله ۲۲۱- کشتن مگس و پشه و حشرات خاکی اگر اذیت کنند مانعی ندارد.

مسأله ۲۲۲- انداختن شپش و کک و نقل آنها از مکانی که محفوظ است به جای دیگری از بدن که ساقط شود و بیفتد یا به محلی که در معرض افتادن است جایز نیست و اما نقل آنها به محل دیگری از بدن که در معرض افتادن نیست جایز است. (۲)*

مسأله ۲۲۳- بعید نیست در کشتن یا نقل این حشرات کفاره نباشد، ولی احتیاط آن است که یک کف از طعام صدقه بدهد، بله در قتل زنبور باید چیزی از طعام صدقه بدهد. (۳)

«شکار کردن حیوانات صحرایی»

۱- ۱- امام خمینی و آیهٔ اللّه فاضل: کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران از محرمات احرام محسوب نمی‌شود.

آیهٔ اللّه مکارم: مگر اینکه مایه آزار او شوند، یا حیوانات موذی و خطرناک مثل مار و عقرب و مانند آنها باشد.

۲- ۲. آیات عظام خوئی، تبریزی: به‌طور مطلق فرموده‌اند نقل آنها اشکالی ندارد.

آیات عظام گلپایگانی، صافی: نباید آنها را از محلی به محل دیگر از بدن نقل داد اگر مکان او محفوظتر باشد.

۳- ۳. کفاره قتل زنبور را فقط آیات عظام خوئی، تبریزی و سیستانی متعرض شده‌اند.

ص: ۸۷

مسأله ۲۲۴- شکار کردن حیوانی که در اصل وحشی است، هر چند فعلًا اهلی شده باشد، چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت و همینطور کشتن و مجروح ساختن بلکه هر نوع اذیت آن حرام است.

مسأله ۲۲۵- جایز نیست شکار کردن و کشتن حیوانات وحشی مگر در صورت ترس از آزار آنها.

مسأله ۲۲۶- خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است، چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه محرم شکار کند یا غیر محرم.

مسأله ۲۲۷- نشان دادن شکار به شکار کننده و هر گونه کمک دیگر به او نیز از محرمات احرام است.

مسأله ۲۲۸- احکام مذکور شامل حیوان دریایی، مانند ماهی نیست.

مسأله ۲۲۹- ذبح و خوردن حیوانات اهلی، مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانع ندارد.

مسأله ۲۳۰- پرندگان، جزو شکار صحرایی هستند و ملخ نیز در حکم شکار صحرایی است.

مسأله ۲۳۱- کشتن ملخ برای محرم جایز نیست، بنابراین اگر از راهی بگذرد که ملخ در آن است، چنانچه می‌تواند راه خود را

ص: ۸۸

تغییر دهد و اگر نمی‌تواند باید مواظب باشد ملخ‌ها را پایمال ننماید ولی در صورت ناچاری و مشقت و عسر و حرج اشکال ندارد.

مسأله ۲۳۲- هر شکاری که حرام است جوجه و تخم آن نیز حرام است.

مسأله ۲۳۳- نگهداشتن صیدی که با خود آورده، حرام است، اگر چه خودش مالك آن باشد.

«سلاح در برداشتن»

مسأله ۲۳۴- دربرداشتن سلاح مثل شمشیر و تفنگ و مانند آنها، از وسایل جنگی، جایز نیست مگر برای ضرورت.

«بعضی از محرمات حرم الهی»

مسأله ۲۳۵- کندن و بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روییده، جایز نیست حتی برای غیر محرم، مگر درخت‌های میوه و درخت خرما (۱) و گیاه اذخر که گیاه معروفی است (حکم درخت‌ها و گیاهانی که در منزل شخصی است، نظر به این‌که مورد حاجت حجاج سایر کشورها نیست ذکر نشد).

۱- ۱- آیهٔ اللّه فاضل: میوه‌ها و شاخه‌هایی از آن‌ها را که در کیفیت و کمیت میوه تأثیرمی گذارد می‌تواند قطع کند اما خود آنها را نمی‌تواند قطع کند.

آیهٔ اللّه مکارم: قطع درختان میوه اگر خودرو باشند خالی از اشکال نیست.

ص: ۸۹

مسأله ۲۳۶- اگر به طور متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکال ندارد.

مسأله ۲۳۷- اگر درختی را که کندنش جایز نیست از بیخ بکند کفاره‌اش قیمت همان درخت است و اگر مقداری از آن را قطع کند کفاره‌اش قیمت همان مقدار است.

مسأله ۲۳۸- در قطع گیاهان کفاره نیست بجز استغفار.

مسأله ۲۳۹- شکار کردن حیوان صحرایی در حرم و کشتن آن جایز نیست و در این حکم فرقی میان محرم و غیر محرم نیست.

«ارتکاب محرمات احرام به جهت جهل یا فراموشی»

مسأله ۲۴۰- کفاره محرمات احرام در صورتی واجب است که آن حرام، با علم و عمد انجام شود ولی اگر به جهت جهل به مسأله یا فراموشی یا غفلت باشد کفاره ندارد مگر در موارد ذیل:

۱- صید که در هر صورت کفاره دارد.

۲- کسی که طواف عمره یا حج را فراموش کند و با زن نزدیکی نموده است.

۳- کسی که دست به سر و ریش خود بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد. (۱)

«مستحبات ورود به حرم»

۱- ۱. نظر آیات عظام در محرّمات احرام، زائل کردن مو، گذشت.

ص: ۹۰

۱- همین که حاجی به حرم رسید، پیاده شده و به جهت ورود به حرم، غسل نماید.

۲- از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق- جلّ و علا- پابرهنه شده و کفش‌های خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳- وقت ورود به حرم این دعا را بخواند:

«اللّهُمَّ إنَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ: وَأَذِّنْ فِی النّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجالًا وَعَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأْتینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمیقٍ. اللّهُمَّ إنّی ارْجُو انْ اکُونَ مِمَّنْ اجابَ دَعْوَتَکَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعیدَةٍ وَفَجٍّ عَمیقٍ سامِعاً لِنِدائِکَ وَمُستَجیباً لَکَ مُطیعاً لِأمْرِکَ وَکُلُّ ذلِکَ بِفَضْلِکَ عَلَیَّ وَاحْسانِکَ إلَیَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلی ما وَفَّقْتَنِی لَهُ أبْتَغِیْ بِذلِکَ الزُّلْفَةَ عِنْدَکَ وَالْقُرْبَةَ إلَیْکَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَیْکَ وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِی وَالتَّوْبَةَ عَلَیَّ مِنْها بِمَنِّکَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِی عَلَی النَّارِ وَآمِنِّی مِنْ عَذابِکَ وَعِقابِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا أرْحَمَ الرَّاحِمِینَ».

۴- وقت ورود به حرم مقداری از گیاه مخصوصی به نام اذخر

ص: ۹۱

گرفته و بجود.

«مستحبات ورود به مکه معظمه»

مسأله ۲۴۱- برای ورود به مکه معظمه نیز مستحب است مکلّف غسل نماید و هنگامی که وارد مکه می‌شود با حالت تواضع وارد شود و کسی که از راه مدینه می‌رود، از بالای مکه وارد شده و وقت بیرون آمدن از پائین آن بیرون آید.

«آداب ورود به مسجدالحرام»

مسأله ۲۴۲- مستحب است مکلّف برای‌ورود به مسجدالحرام غسل نماید. (۱) و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از در «بنی‌شیبه» وارد شود و گفته‌اند که باب بنی‌شیبه در حال کنونی مقابل باب السلام است بنابراین بهتر آن است شخص از باب‌السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستون‌ها بگذرد.

و مستحب است بر در مسجدالحرام ایستاده و بگوید:

«السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّها النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، بِسْمِ اللَّه وَبِاللَّهِ وَما شاءَ اللَّهُ، السَّلامُ عَلی أَنْبِیاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی إِبْراهِیمَ خَلِیْلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِ‌الْعالَمِینَ».

۱- ۱. آیهٔ اللَّه سیستانی: استحباب این غسل ثابت نیست. مگر برای طواف باشد.

ص: ۹۲

و در روایت دیگری وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَما شاءَ اللَّهُ وَعَلى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرُ الْأَسْماءِ للَّهِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ وَالسَّلامُ عَلى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ على مُحَمَّدْ بِنْ عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ عَلى أنبياءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلى خَلِيْلِ اللَّهِ الرَّحْمنِ، السَّلامُ عَلَى الْمُرسَلِينَ وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْنا وَعَلى عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحينَ، أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّد وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحِمْ مُحَمَّداً وآلَ مُحَمَّد كَما صَلَّيْتَ وَبارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلى إبْراهِيمَ وآلِ إبْراهيمَ إنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيْدٌ، أللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، أللَّهُمَّ صَلِّ عَلى إبْراهِيْمَ خَلِيلِكَ وَعَلى أنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، أللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أبْوابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فى طاعَتِكَ وَمَرْضاتِكَ وَاحْفَظْنِى بِحِفْظِ الْإيمانِ أبَداً ما أبْقَيْتَنى جَلَّ ثَناءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى جَعَلَنى مِنْ وَفْدِهِ وَزُوّارِهِ وَجَعَلَنى مِمَّنْ يَعْمُرُ مَساجِدَهُ، وَجَعَلَنى مِمَّنْ يُناجِيهِ، أللَّهُمَّ إنِّى عَبْدُكَ وَزائِرُكَ فى بَيْتِكَ وَعَلى كُلِّ مَأتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أتاهُ وَزارَهُ، وَأنْتَ خَيْرُ مَأتِيٍّ وَأكْرَمُ مَزُورٍ فَأسْألُكَ يا اللَّهُ يا رَحْمنُ بِأنَّكَ أنتَ اللَّهُ لا إلهَ إلّاأنْتَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ بِأنَّكَ

ص: ۹۳

واحِدٌ احَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ (لکَ خ ل) کُفُواً أحَدٌ، وَأنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَعَلی أهْلِ بَیْتِهِ یا جَوادُ یا کَرِیمُ یا ماجِدُ یا جَبَّارُ یا کَرِیمُ أسْأَ لُکَ أنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ إیّایَ بِزِیارَتی إیَّاکَ أوَّلَ شیءٍ تُعْطِیِنی فَکاکَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ».

پس سه مرتبه بگوید: «أللَّهُمَّ فُکَّ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ».

پس می گوید: «وَأوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِکَ الْحَلالِ الطَّیِّبِ وَادْرَأْ عَنِّی شَرَّ شَیاطِیْنِ الْجِنِّ وَالْانْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

پس داخل مسجد الحرام شو و رو به کعبه دستها را بلند کرده، بگوید:

«اللَّهُمَّ إنّی أسْأَ لُکَ فی مَقامی هـذا وَفی أوَّلِ مَناسِکِی أنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِی وَأنْ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطِیئَتی وَأنْ تَضَعَ عَنِّی وِزْری، الْحَمْدُ للَّهِ الَّذی بَلَّغَنِی بَیْتَهُ الْحَرامَ أللَّهُمَّ إنّی أشْهَدُ أنَّ هـذا بَیْتُکَ الْحَرامُ الَّذی جَعَلْتَهُ مَثابَةً لِلنَّاسِ وَأمْناً مُبارَکاً وَهُدیً لِلْعالَمینَ أللَّهُمَّ إنَّی عَبْدُکَ وَالْبَلَدَ بَلَدُکَ وَالْبَیْتَ بَیْتُکَ جِئْتُ أطْلُبُ رَحْمَتَکَ وَأؤُمُّ طاعَتَکَ مُطِیْعاً لِأمْرِکَ راضیاً بِقَدَرِکَ أسْأَ لُکَ مَسْأ لَةَ الْفَقِیْرِ إلَیْکَ الْخائِفِ لِعُقُوبَتِکَ أللَّهُمَّ افْتَحْ لِی أبْوابَ رَحْمَتِکَ واسْتَعْمِلْنِی بِطاعَتِکَ وَمَرْضاتِکَ».

ص: ۹۴

آنگاه به کعبه خطاب کند و بگوید:

«أ لْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی عَظَّمَکِ وَشَرَّفَکِ وَکَرَّمَکِ وَجَعَلَکِ مَثابَةً لِلنّاسِ وَامْناً مُبارَکاً وَهُدیً لِلْعالَمِیْنَ».

وقتی روبروی حجرالاسود رسید بگوید:

«أشْهَدُ أنْ لا إلهَ إلَّااللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَأنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزّی وَبِعِبادَةِ الشَّیْطانِ وَبِعِبادَةِ کُلِّ نِدٍّ یُدْعی مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و مستحب است رو به حجر الاسود بایستد و بگوید:

«أ لْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أنْ هَدانَا اللَّهُ سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلا إلهَ إلّااللَّهُ وَاللَّهُ أکْبَرُ، اللَّهُ أکْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أکْبَرُ مِمّا أخْشی وَاحْذَرُ، لا إلهَ إلّااللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریْکَ لَهُ، لَهُ الْمُلکُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَیُمِیتُ وَیُحْیِی وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ وَبارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ کَأفْضَلِ ما صَلَّیْتَ وَبارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلی إبْراهِیمَ وَآلِ إبْراهِیمَ إنَّکَ حَمِیْدٌ مَجیدٌ، وَسَلامٌ عَلی جَمیعِ النَّبِیِّینَ وَالمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ أللَّهُمَّ إنِّی اومِنُ بِوَعْدِکَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَکَ وَأتَّبِعُ کِتابَکَ».

آنگاه بگوید: «اللهمّ انّی أومِنُ بِوَعدِکَ وَأُوفی بعهدک».

ص: ۹۵

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجرالأسود رسیدی، دست‌های خود را بلنـد کن و حمد و ثنای الهی را به‌جا آور و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند. پس از آن، حجر را بوسیده و استلام نما و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

«أللَّهُمَّ أمانَتِی أدَّیْتُها وَمِیثاقِی تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوافاةِ أللَّهُمَّ تَصْدِیقاً بِکِتابِکَ وَعَلی سُنَّةِ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ أشْهَدُ أنْ لا إلهَ إلّااللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ وَأنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَکَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطاغُوتِ وَاللّاتِ وَالْعُزّی وَعِبادَةِ الشَّیْطانِ وَعِبادَةِ کُلِّ نِدٍّ یُدْعی مِنْ دونِ اللَّهِ».

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«أللَّهُمَّ إلیْکَ بَسَطْتُ یَدِی وَفِیما عِنْدَکَ عَظُمَتْ رَغْبَتِی فَاقْبَلْ سُبْحَتی وَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی، أللَّهُمَّ إنّی أعُوذُ بِکَ مِنَ الْکُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَواقِفِ الْخِزْیَ فی الدُّنیا وَالْآخِرَةِ».

تذکر مهم

بوسیدن و استلام حجر الاسود: در صورت مزاحمت و شلوغی مستحب نیست و بنابر روایات معتبر، امام صادق علیه السلام به جهت اجتناب از مزاحمت برای مردم، از استلام حجر، خودداری

ص: ۹۶

کرده‌اند. و اگر استلام یا بوسیدن حجر موجب گناه شود، لازم است آن را ترک کند.

فصل چهارم: طواف و احکام آن

اشاره

ص: ۹۷

دوم از واجبات عمره طواف است.

کسی که محرم شد به احرام عمره و وارد مکه معظمه شد اول چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف کند به دور خانه کعبه برای عمره.

مسأله ۲۴۳- طواف یعنی هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن، به نحوی که خواهد آمد و هر دوری را شوط می گویند پس طواف هفت شوط است.

مسأله ۲۴۴- طواف از ارکان عمره است بنابراین کسی که آن را در عمره از روی عمد ترک کند در احرام باقی می‌ماند و تا طواف و اعمال مترتب بر آن را انجام ندهند از احرام خارج نمی‌شود هرچند جاهل به مسأله باشد.

مسأله ۲۴۵- اگر سهواً طواف را ترک نماید لازم است آن را

ص: ۹۸

انجام دهد هر وقت که باشد (۱) و اگر به وطن خود برگشته و نتواند به مکه بازگردد یا مشقت داشته باشد باید شخص مورد اطمینانی را نائب بگیرد و در این صورت اگر با زن نزدیکی کرده باید یک گوسفند در مکه قربانی کند.

مسأله ۲۴۶- در فرض سابق باید بعد از انجام طواف سعی را اعاده نماید. (۲)

مسأله ۲۴۷- اگر مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف را به جا نیاورده، باید رها کند و طواف نماید و پس از آن سعی را اعاده کند.

مسأله ۲۴۸- اگر محرم به واسطه بیماری یا پیری نتواند طواف کند و تا وقت تنگ شود توانایی پیدا نکند باید خود او را طواف دهند (۳) هرچند با به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد و اگر ممکن نشود باید برای او نائب بگیرند.

مسأله ۲۴۹- شرائط و احکام طواف باید در بیمار و پیری که او

۱- ۱. آیهٔ اللَّه تبریزی، آیهٔ اللَّه خوئی: اگر قبل از فوت وقت طواف متذکر شود، باید تاوقت نگذشته قضا کند.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه مکارم: اگر بعد از سعی متذکر شود اعاده سعی لازم نیست.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه صافی، آیهٔ اللَّه گلپایگانی، به طوری که پاهایش بر زمین کشیده شود واگر ممکن نشود او را به دوش گرفته یا با چیز دیگر طواف دهند و اگر ممکن نشود نائب بگیرند.

ص: ۹۹

را طواف می‌دهند تا جایی که ممکن است رعایت شود.

مسأله ۲۵۰- در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می‌تواند آهسته برود و می‌تواند تند برود و حتی بدود لیکن بهتر است میانه‌روی را مراعات کند.

مسأله ۲۵۱- در طواف لازم نیست پیاده طواف نماید بنابراین می‌تواند سوار بر صندلی چرخدار طواف نماید به شرط آنکه اگر معذور نیست خودش آنرا حرکت دهد.

«شرائط طواف»

«اوّل: نیت»

«شرائط طواف»

اوّل: نیت

دوم: طهارت

سوّم: مختون بودن

چهارم: ستر عورت

پنجم: شروع طواف از حجرالاسود و ختم به آن

ششم: بودن کعبه در طرف چپ طواف‌کننده.

هفتم: داخل کردن حجر اسماعیل در طواف.

هشتم: رعایت محدوده طواف

نهم: طواف نکردن روی شاذروان

دهم: موالات.

یازدهم: انجام هفت دور نه کمتر نه بیشتر

ص: ۱۰۰

«اوّل: نیت»

یعنی انجام طواف برای خداوند متعال با قصد خالص

مسأله ۲۵۲- در طواف بایـد تعیین کنـد که برای عمره است یا حـج و یا طواف مسـتحب است و قصـد نیابت کنـد اگر طوافش نیابی است.

مسأله ۲۵۳- به زبان آوردن نیت و گذرانـدن آن به قلب لازم نیست بلکه همین که بنا دارد این عمل را به جا آورد و با این بنا به جا آورد کفایت می‌کنـد و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر، در این جهت فرق ندارد پس همان طور که انسان با قصـد آب می‌خورد و راه می‌رود عبادت را اگر همانطور به جا آورد با نیت به جا آورده.

مسأله ۲۵۴- اگر در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره و حج که عبادی است ریاء کند، یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن باشد علاوه بر معصیت طواف او و همین طور هر چه را این طور به جا آورده باطل است.

مسأله ۲۵۵- اگر در عملی که برای خدا می‌آورد، رضای دیگر را هم دخالت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است.

مسأله ۲۵۶- ریاء بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال باعث بطلان عمل نمی‌شود.

ص: ۱۰۱

مسأله ۲۵۷- در صحیح بودن عمل کافی است آن را برای خدا بیاورد یا اطاعت امر او یا ترس از جهنم یا رسیدن به بهشت و ثواب. (۱)

«دوّم: طهارت»

یعنی طهارت از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر به اینکه با وضو باشد و همین‌طور پاک بودن لباس و بدن.

مسأله ۲۵۸- در طواف واجب طهارت از حدث اکبر و حدث اصغر شرط است چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء حتی در عمره و حج مستحب که پس از احرام بستن واجب است آن را تمام کند.

مسأله ۲۵۹- طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست (۲)* لیکن کسی که جنب یا حایض است جایز نیست در مسجدالحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً (۳) طواف مستحب کرد صحیح است.

۱- ۱. آیهٔ اللّه سیستانی: در عبادت معتبر است که برای تذلّل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام داده شود.

۲- ۲. آیهٔاللّه تبریزی: طهارت از مثل حدث جنابت و حیض و نفاس لازم است.

۳- ۳. آیهٔ اللّه فاضل: یا جهلًا.

ص: ۱۰۲

مسأله ۲۶۰- اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف واجب کند، باطل است چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسأله باشد.

مسأله ۲۶۱- کسی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره‌ای هست می‌تواند برای طواف و نماز آن به همان اکتفا کند.

مسأله ۲۶۲- اگر از انجام طواف واجب با وضو یا غسل، معذور باشد باید بدل از وضو یا غسل تیمّم کند.

مسأله ۲۶۳- کسی که فعلًا از وضو یا غسل معذور است اگر بداند که عذرش برطرف می‌شود و می‌تواند طواف را با وضو یا غسل بجاآورد باید صبر کند تا عذرش برطرف شود یا از برطرف شدن آن مأیوس شود. و اگر احتمال می‌دهد عذرش تا آخر باقی باشد لازم نیست (۱)* صبر کند و می‌تواند به تیمم اکتفا نماید ولی اگر بعداً معلوم شود که می‌تواند با وضو یا غسل طواف را در وقت بجاآورد باید آن را اعاده کند.

مسأله ۲۶۴- اگر تیمم کرد بدل از غسل و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر

۱- ۱. آیهٔ اللّه سیستانی: در این فرض نیز باید صبر کند مگر این که احتمال بدهد که‌اگر صبر کند از تیمم هم عاجز می‌شود.

آیهٔ اللّه خوئی: اگر عذرش نبود آب است باید فحص کند به تفصیلی که در رساله عملیه آمده است.

ص: ۱۰۳

باید طهارت تحصیل کند و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لیکن احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند. (۱)*

مسأله ۲۶۵- اگر در اثنای طواف حدثی عارض شود طواف باطل است و باید پس از تحصیل طهارت آن را اعاده نماید مگر این که حدث بعد از تمام شدن شوط چهارم باشد که در این صورت طواف را قطع و پس از تحصیل طهارت از همان جا طواف را تمام کند و صحیح است. (۲)*

مسأله ۲۶۶- اگر در اثناء طواف بیهوش شود و پس از مدتی به هوش آید حکم مسأله قبل را دارد.

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه تبریزی: اگر بدل از غسل جنابت، تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد، چنانچه عذرش باقی است، باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که بین تیمم و وضو جمع کند و اگربرای حدث‌اکبر دیگر غیراز جنابت‌تیمم کرد و بعد حدث اصغر عارض شد باید بدل از غسل تیمم کند و بنابر احتیاط وضو هم بگیرد و اگر متمکن از وضو هم نبود باید تیمم دیگری بدل از وضو بنماید.

آیهٔ اللّٰه خوئی: لازم است تیمم بدل از غسل کند.

۲- ۲ آیهٔ اللّٰه بهجت: و همین‌طور است اگر پس از نصف و قبل از تمام شدن شوط چهارم حدث از روی سهو و غفلت باشد.

آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: و همینطور اگر بعد از نصف و قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد و موالات بهم نخورد.

ص: ۱۰۴

مسأله ۲۶۷- اگر حدثی که عارض شده حدث اکبر باشد مانند جنابت و حیض باید فوراً از مسجد خارج شود و به تفصیلی که در مسأله قبل گفته شده عمل نماید و اگر وقت برای حایض تنگ باشد به طوری که پس از پاک شدن نتواند بقیه اعمال عمره را انجام دهد احکام خاصی دارد که در مسائل طواف حایض خواهد آمد.

مسأله ۲۶۸- اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنابر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده.

مسأله ۲۶۹- اگر مُحدِث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه، باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

مسأله ۲۷۰- اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که آن را با وضو به جا آورده یا نه یا شک کند که آن را با غسل به جا آورده (۱) یا نه، طواف او صحیح است، لیکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند.

مسأله ۲۷۱- در تمام صورتهایی که در شک گفته شد که «بنابر

۱- ۱ آیـۀ اللّه خوئی: اگر بعد از حدث اصغر شک کند در این که قبل از طواف غسل کرده یا نه، باید غسل کرده و طواف را اعاده کند و برای اعمال آتیه وضو بگیرد.

ص: ۱۰۵

طهارت بگـذارد» یا «طوافش صـحیح است» بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاءاً غسل به جا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می‌شود.

مسأله ۲۷۲- اگر در اثنای طواف شک کند که طهارت از حدث داشته یا نه، اگر سابقه طهارت داشـته به شک خود اعتنا نکند و الّا واجب است تحصیل طهارت نموده و طواف را از سر بگیرد. (۱)*

مسأله ۲۷۳- هر گـاه در اثنـای طـواف شـک کنـد که غسـل کرده است از جنـابت یـا حیض یانفـاس یـا نه، اگر امکـان تیمم‌باشـد و تیمم‌کردن کمتر از خارج‌شـدن از مسـجد وقت می‌گیرد بایـد تیمم کنـد و سـپس خارج شود و اگر بیشتر وقت می‌گیرد بایـد فوراً از مسجد خارج شود و پس از طهارت طواف را از سر بگیرد چه قبل از شوط چهارم باشد و چه بعد از آن. (۲)*

مسأله ۲۷۴- اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلًا طواف را بی‌وضو بجا آورد طوافش باطل است و همینطور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس بجا آورد.

«طهارت بدن و لباس»

۱- ۱ امام خمینی، آیهٔ اللّه سیسـتانی: اگر بعد از تمامی دور چهارم باشد طواف را رها نموده تحصـیل طهارت نماید و از همانجا بقیه طواف را بجاآورد.

۲- ۲ آیـهٔ اللّه سیسـتانی، امام خمینی: اگر بعـد از تمامی دور چهارم باشـد طواف را رها کند و تحصـیل طهارت نماید و از همان جا تتمه طواف را بجاآورد.

ص: ۱۰۶

مسأله ۲۷۵- لباس و بـدن کسـی که می‌خواهـد طواف کند واجب است پاک باشد حتی از خون کمتر از درهم نیز باید اجتناب شود بلی نجس بودن چیزهایی که نمی‌تواند به تنهایی ساتر در نماز باشد مانند جوراب و عرقچین و انگشتر مانعی ندارد.

مسأله ۲۷۶- تطهیر از خـون قروح و جروح اگر مشـقت داشـته باشـد لازم نیست و می‌توان بـا آن طواف نمود ولی اگر بـا تـأخیر در طواف بتواند بدون مشقت تطهیر نماید احتیاط واجب است که تأخیر اندازد به شرط آن که وقت تنگ نشود.

مسأله ۲۷۷- خـون قروح و جروح، تـا آن انـدازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و لبـاس را عوض کرد احتیـاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

مسأله ۲۷۸- اگر بعد از طواف آگاه شود که در حال طواف بدن یا لباسـش نجس بوده است طوافش صـحیح است و همین طور اگر نجاست را فراموش کند و بعد از طواف یادش بیاید. (۱)*

مسأله ۲۷۹- اگر شک داشـته باشـد که لباسـش یا بدنش نجس است، می‌تواند با آن حال طواف کند و صـحیح است، چه بداند که پیش از این پاک بوده یا ندانـد، لیکن اگر بدانـد که قبلًا نجس بوده و ندانـد که تطهیر شـده است، نمی‌توانـد با آن حال طواف کند بلکه

۱- ۱ آیهٔ اللّه گلپایگانی: در فرض فراموش کردن نجاست، باید طواف اعاده شود.

ص: ۱۰۷

باید تطهیر کند و طواف کند.

مسأله ۲۸۰- اگر در اثناء طواف بدن او نجس شود چنانچه تطهیر آن بدون رها کردن طواف ممکن نباشد باید آن را رها کند و پس از تطهیر، طواف را از همانجا تمام نماید و طوافش صحیح است خواه قبل از تکمیل شوط چهارم باشد یا بعد از آن (۱)* و همینطور است اگر لباس او نجس شود و تعویض و تطهیر آن همانجا ممکن نباشد.

مسأله ۲۸۱- اگر در بین طواف نجاستی در بـدن یا لباس خود ببینـد و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده حکم مسأله قبل را دارد و همین طور است اگر در بین طواف علم پیـدا کنـد که لباس یا بـدنش نجس بوده یا نجاست را فراموش کنـد و در اثناء طواف یادش بیاید. (۲)*

مسأله ۲۸۲- همراه داشتن چیز نجس در حال طواف مانع ندارد.

«سوم: مختون بودن»

مسأله ۲۸۳- طواف افراد ذکور اگر ختنه نشده باشند باطل

۱- ۱. آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر به سه دور و نیم نرسیده طواف باطل‌است و باید بعد از تطهیر آن را از سر بگیرد.

۲- ۲. آیهٔ اللّه گلپایگانی: در صورت فراموشی نجاست باید طواف را اعاده نماید حتی اگر بعد از شوط چهارم یادش بیاید.

ص: ۱۰۸

است حتی اگر بالغ نباشند. (۱)

مسأله ۲۸۴- اگر بچه ختنه شده به دنیا بیاید طواف او صحیح است.

«چهارم: ستر عورت»

«طواف در لباس غصبی و غیر مخمس»

«چهارم: ستر عورت»

مسأله ۲۸۵- طواف بدون ساتر عورت باطل است.

مسأله ۲۸۶- لباس طواف‌کننده باید مباح باشد پس طواف در لباس غصبی باطل است هرچند ساتر عورت نباشد. (۲) بلکه احتیاط آن است که همه شرائط لباس نمازگزار مراعات شود.

مسأله ۲۸۷- زن باید در حال طواف تمام بدن خود را به جز صورت (۳) و دستها تا مچ از نامحرم بپوشاند و اگر عمداً این مقدار را نپوشاند معصیت کرده لکن طواف او صحیح است.

«طواف در لباس غصبی و غیر مخمس»

مسأله ۲۸۸- کسی که سال خمسی برای خود قرار نداده اگر از درآمد کسب، پولی دارد که معلوم نیست ربح بین سال است یا سال

۱- ۱. آیهٔ‌اللَّه سیستانی: در غیر ممیز اعتبار ختان مبنی بر احتیاط استحبابی است.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه سیستانی، آیهٔ اللَّه فاضل: غیر ساتر اگر غصبی باشد طواف صحیح‌است.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه مکارم: و صورتش را با نقاب نپوشاند.

ص: ۱۰۹

بر آن گذشته است بـدون تخمیس آن حکم غصب را دارد بنـابراین اگر با آن پول لباس احرام تهیه کنـد، طواف او صـحیح نیسـت مگر آنکه همانطوریکه متعارف است بذمه خریداری کرده باشد که در این صورت طواف او صحیح است.

مسأله ۲۸۹- اگر انجام طواف و نماز در لباسی که با عین پول غصبی یا غیرمخمس تهیه شده از روی علم و عمد نباشد طواف و نماز صحیح است مگر این که جاهل مقصر باشد که باید تدارک نماید (۱).

مسأله ۲۹۰- پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه؟ لازم نیست تخمیس شود و می‌توان آنرا در عمره صرف نمود.

مسأله ۲۹۱- همراه داشتن مال غصبی مثل پول خمس نداده موجب بطلان طواف نمی‌شود (۲).

«پنجم: شروع از حجرالاسود و ختم به آن»

مسأله ۲۹۲- طواف باید از مقابل حجرالاسود شروع شود و از هر جای حجرالاسود که شروع کند به طوری که در عرف گفته

۱- ۱. آیهٔ اللَّه بهجت: اگر قصد قربت از او محقق نشده باشد.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: در صورتی که طواف موجب حرکت اضافی نشود.

ص: ۱۱۰

شود از حجرالاسود شروع کرده کافی است. (۱) چه از ابتداء آن شروع کند چه از وسط یا آخرش ولی از هرکجا شروع کرد باید در دور هفتم به همان جا ختم کند.

مسأله ۲۹۳- برای شروع از حجرالاسود می‌توانـد قبل از رسیدن به حجرالاسود قصـد کند که طواف را از مقابل حجرالاسود شـروع می‌کنم و زایـد بر آن مقـدمه علمیه است و همچنین در دور آخر می‌تواند قدری از حجرالاسود بگذرد با این قصد که زیادی مقدمه علمیه باشد.

مسأله ۲۹۴- در طواف همان‌طوری که مسـلمین طواف می کنند از محاذات حجرالاسود بدون دقت‌های صاحبان و سوسه شروع کند و در دورهای دیگر لازم نیست مقابل حجر الاسود توقف نمایـد و تجدیـد نیت کنـد. بلکه می‌توانـد بـدون توقف دور بزنـد تا هفت شوط تمام شود.

مسأله ۲۹۵- کاری که بعضی افراد نادان انجام می‌دهند که

۱- ۱. آیـهٔ اللَّه گلپایگـانی و آیـهٔاللَّه صـافی: طواف بایـد از اول جزء حجرالاسود شـروع‌شود و چون تحقق آن معنی بر وجه حقیقت متعسّر و بلکه متعـذّر است، در تحقق آن اکتفا می‌شود به این که پیش از رسیدن به حجرالاسود نیت کنـد و قصـد کنـد که ابتـدای طواف در هر دور از محاذی اولین جزء حجر باشد و انتهای آن همان موضـعی که واقعاً انتهای دور است باشد و زاید، از باب مقدمه علمیه باشـد. و این نیت را در ذهن باقی بدارد تا وقتی که محاذی حجر شود و این کافی خواهد بود و با همین نیت هفت دور طواف کند.

ص: ۱۱۱

مقابل حجر الاسود می‌ایستند وبرای رعایت محاذات عقب وجلو می‌روند موجب اشکال و گاهی حرام است.

مسأله ۲۹۶- اگر اشتباهاً طواف را از غیر حجر الاسود ماننـد رکن یمانی شـروع کند طوافش باطل است هر چند دور آخر را به حجر الاسود ختم نماید (۱) و همینطور اگر دورهای طواف را از حجر الاسود شـروع کنـد ولی به موضـعی قبل از حجر الاسود مانند رکن یمانی ختم نماید.

«ششم: قرار دادن کعبه درطرف چپ»

مسأله ۲۹۷- در طواف باید سمت چپ طواف‌کننده به طرف کعبه باشد و اگر سمت راست یا پشت یا روبروی او به کعبه باشد و در این حال طواف کند صحیح نیست.

مسأله ۲۹۸- معیار در شـرط مذکور این است که طوری طواف کند که در عرف گفته شود کعبه در طرف چپ اوست و لازم نیست در تمـام حالاـت طـواف حقیقتاً کعبه در سـمت چپ او باشـد بنـابراین در موقع دور زدن حجر اسـماعیل و گوشه‌هـای کعبه به نحو متعارف اگر سمت چپ او از محاذات کعبه خارج شود بلکه خانه متمایل به

۱- ۱. آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: اگر قصد و شروع از موضع معتبر شرعی‌است ولی در تطبیق اشتباه کرده است در صورتی که کسری دور آخر را به قصد طواف تمام کند صحیح است.

ص: ۱۱۲

پشت او شود اشکالی ندارد.

مسأله ۲۹۹- اگر به هر علتی مقداری از طواف بر خلاف متعارف انجام شود مثلًا رو به کعبه یا پشت به آن یا عقب عقب طواف کرد بایـد برگردد و آن مقـدار را جبران کند و اگر نمی‌تواند برگردد بدون قصد طواف دور بزند (۱) تا جائی که بایـد طواف را از آنجا تدارک کند برسد و از آنجا جبران نماید.

«هفتم: داخل نمودن حجر اسماعیل علیه السلام در طواف»

مسأله ۳۰۰- حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است و باید طواف‌کننده از بیرون آن طواف کند.

مسأله ۳۰۱- اگر دور حجر اسـماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد، طوافش باطل است و باید اعاده کند پس اگر اینکار عمدی باشد حکم ابطال عمدی طواف را دارد و اگر سهوی باشد حکم ابطال سهوی را دارد که حکم آن دو خواهد آمد.

مسأله ۳۰۲- اگر در بعضی از شوطها از داخل حجر اسماعیل دور زد، باید آن شوط را اعاده کند و اعاده طواف لازم نیست.

مسأله ۳۰۳- کسی که یک شوط طواف را از درون حجر اسماعیل علیه السلام انجام داده و بقیه طواف را ادامه داده باید یک شوط

۱- ۱. آیهٔاللَّه سیستانی و آیهٔاللَّه فاضل: و تا حجرالاسود برود و آن شوط را کاملًااعاده نماید.

ص: ۱۱۳

دیگر بجا آورد (۱) و اگر نماز و بقیه اعمال را انجام داده آنها را نیز اعاده نماید (۲).

مسأله ۳۰۴- اگر پس از داخل شدن در حجر اسماعیل متوجه مسأله شد و بجای اعاده آن شوط آنرا از آنجایی که وارد حجر شده تکمیل نموده طوافش باطل نیست و باید آن شوط را اعاده نماید.

مسأله ۳۰۵- اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام برود اعاده همان مقدار از شوط کافی است.

مسأله ۳۰۶- در حال طواف، دست گذاشتن روی دیوار

۱- ۱. آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر موالات فوت نشده و اما اگرموالات فوت شده طوافش باطل است و باید آنرا و اعمال مترتب بر آنرا تدارک نماید و اگر وقت تدارک گذشته حجش باطل است آیۂاللّهسیستانی اضافه فرمودند: ولی در فرض سهو و نسیان اعاده یک شوط و اعمال مترتبه کافی است.

آیۂ اللّه گلپایگانی، آیۂ اللّه صافی: اگر چهار شوط را تمام کرده و داخل حجر شده هر وقت فهمید ناقص را تمام کند و نماز طواف و اعمال مترتبه را بجا آورد و اگر قبل از سه شوط و نیم بوده شوطهای گذشته باطل است و باید طواف را از سربگیرد و بعد از آن نماز طواف و سعی و تقصیر را بجا آورد و اگر از سه شوط و نیم گذشته و به چهار نرسیده آن را تمام کند با دو رکعت نماز و بعد یک هفت شوط طواف و نماز و سعی و تقصیر را بجا آورد. آداب و احکام حج، م ۵۶۰

۲- ۲. امام خمینی، آیۂ اللّه خامنه‌ای: اگر به اعتقاد صحت بقیه اعمال را انجام داده اعاده آن شوط و نماز کافی است.

ص: ۱۱۴

حجر اسماعیل علیه السلام جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند گر چه احتیاط مستحب در ترک است.

«هشتم: رعایت محدوده طواف»

مسأله ۳۰۷- بهتر است طواف بین کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام انجام شود و این مسافت که تقریباً ۵/ ۲۶ ذراع است در همه اطراف کعبه مراعات شود (۱) ولی طواف خارج این حد تا هر کجا که (۲) طواف خانه صدق کند جایز است خصوصاً در مواردی که طواف در محدوده مذکور ممکن نباشد یا مشقت داشته باشد.*

تذکر: بنابر نظر امام خمینی و آیهٔ اللَّه فاضل اگر شخصی در طواف از محدوده لازم خارج شد باید آن مقدار را اعاده کند و همین‌طور بنابر نظر آیهٔ‌اللَّه گلپایگانی و آیهٔ‌اللَّه صافی اگر در محدوده‌ای طواف کند که اتصال به جمعیت نداشته باشد باید آن مقدار را اعاده کند.

۱- ۱. آیات عظام امام خمینی، فاضل: واجب است طواف در محدوده مذکور انجام‌شود مگر در صورتیکه حتی در وقت خلوت نتواند در این محدوده طواف کند که در این صورت طواف خارج از این حد با مراعات الاقرب فالاقرب جایز است.

آیهٔ اللَّه فاضل اضافه فرمودند: همینطور اگر ضرورت عرفی اقتضاء کند که خارج از محدوده طواف کند.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه گلپایگانی و آیهٔ‌اللَّه صافی: تا جمعیت طواف‌کننده متصل به یکدیگرمشغول طوافند صحیح است.

ص: ۱۱۵

مسأله ۳۰۸- محدوده مذکور در مسأله قبل در قسمتی که حجر اسماعیل علیه السلام وجود دارد از کعبه حساب می‌شود و با کاسته شدن مقدار حجر تقریباً از مطاف ۵/ ۶ ذراع باقی می‌ماند. (۱)

تذکر ۲: بنابر نظر مراجع مذکور اگر به جهت نظافت مسجد و مانند آن از انجام طواف در محدوده ممانعت شود اگرامکان دارد که در محدوده طواف کند باید صبر نماید و در محدوده طواف کند و اگر خارج آن طواف کند صحیح نیست آیة الله فاضل اضافه فرمودند: اگر در چنین حالاتی ضرورت عرفیه اقتضاء کند که خارج از محدوده طواف کند و صبر کردن برای طواف در محدوده مستلزم عسر و حرج باشد در خارج حد با رعایت الاقرب فالاقرب صحیح است.

تذکر ۳: بنابر نظر مراجع مذکور زنی که قادر به طواف کردن نیست اگر کسی حتی نامحرم حاضر شود او را بدوش بگیرد و در محدوده طواف دهد نمی‌تواند به طواف با تخت روان در خارج از محدوده اکتفا کند.

تذکر ۴: کسی که در محدوده طواف است اگر شک کند که از محدوده خارج شده یا نه؟ طوافش صحیح است ولی اگر در

۱- ۱. آیات عظام: گلپایگانی، صافی، فاضل: در طرف حجر اسماعیل محدوده طواف ضیق نمی‌شود و از حجر اسماعیل به مقدار ۵/ ۲۶ ذراع محدوده طواف است.

ص: ۱۱۶

ابتدا طواف شک کند که طوافش در محدوده است یا نه؟

نمی‌تواند به آن اکتفا نماید.

تذکر ۵: یقین به این که در حال طواف او را بی‌اختیار می‌برند مجوز طواف در خارج حد نیست و باید همان مقدار را که بی‌اختیار شده تدارک کند، و همینطور یقین به برخورد با نامحرم برای طواف خارج محدوده عذر محسوب نمی‌شود.

«نهم: طواف نکردن روی شاذروان»

مسأله ۳۰۹- در اطراف دیوار خانه، یک پیش‌آمدگی است که آن را «شاذروان» می‌گویند و طواف بر روی آن صحیح نیست.

مسأله ۳۱۰- اگر کسی در بعضی از احوال به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن روی شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است و باید آن را اعاده کند.

مسأله ۳۱۱- دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن، در آن جائی که شاذروان است جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند گر چه احتیاط مستحب در ترک است.

«دهم: موالات»

مسأله ۳۱۲- مراعات موالات عرفیه در طواف لازم است (۱)

۱- ۱. آیهٔ اللّه مکارم، آیهٔ اللّه فاضل: این شرط در طواف مستحب لازم نیست.

ص: ۱۱۷

یعنی باید هفت دور آن پشت سر هم آورده شود و در بین آن بقدری فاصله نشود که از صورت یک طواف خارج گردد.

تذکر: موارد استثناء این شرط در مسائل مربوط به قطع طواف خواهد آمد.

مسأله ۳۱۳- جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد، از همانجا اتمام کند ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد والا طوافش باطل است و باید طواف را اعاده کند (۱).

«یازدهم: انجام هفت دور نه کمتر نه بیشتر»

«کم کردن دورهای طواف»

مسأله ۳۱۴- اگر طواف‌کننده از ابتداء عمداً قصد کند که کمتراز هفت دور طواف کند طوافش باطل است اگر چه هفت دور بزند (۲) ولی اگر از روی جهل یا سهو یا غفلت باشد و به هفت دور تمام کند طوافش صحیح است.

مسأله ۳۱۵- اگر از روی جهل به مسأله بیش از هفت دور

۱- ۱. آیهٔ اللّه خامنه‌ای: ولی اگر بعد از نصف دور چهارم باشد می‌توان به اتمام همان طواف اکتفا نمود.

۲- ۲. آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی: در فرضی که هفت دور بزند با تحقّق‌قصد قربت طوافش صحیح است.

ص: ۱۱۸

طواف کند طوافش باطل است (۱) و باید طواف و نماز و اعمال بعد از آن را اعاده کند. (۲)

مسأله ۳۱۶- اگر در اثنای طواف از قصد هفت دور زدن برگردد و قصد کند کمتر بیاورد آنچه با این قصد آورده باطل است (۳) و باید اعاده کند.

مسأله ۳۱۷- اگر عمداً از طواف واجب یک دور یا کمتر یا بیشتر از آن کم کند اگر پیش از فوت موالات عرفیه آنرا تکمیل نماید طوافش صحیح است (۴)* و اگر تکمیل ننماید تا موالات فوت شود حکم قطع عمدی طواف را دارد که خواهد آمد.

مسأله ۳۱۸- در فرض مسأله قبل اگر طواف را تکمیل نکرد تا موالات فوت شد باید آنرا اعاده کند (۵)* و اگر آنرا اعاده نکند حکم

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه سیستانی، آیهٔ اللّٰه فاضل: مگر این که جاهل قاصر باشد که در این‌صورت طوافش صحیح است.

۲- ۲. امام خمینی، آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: اگر با اعتقاد صحت بقیه اعمال را آورده اعاده طواف و نماز کافی است.

۳- ۳. آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: اگر قصد قربت مختل شود طواف اشکال پیدا می‌کند.

۴- ۴ آیهٔ‌اللّٰه سیستانی: اگر بی‌دلیل قبل از تمام شدن شوط چهارم از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده که عرفاً صدق کند که طوافش را قطع کرده طواف باطل است.

۵- ۵ آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور به‌جا آورده‌باشد طواف را تمام کند و بعداً احتیاطاً اعاده نماید.

ص: ۱۱۹

ترک عمدی طواف را دارد که در مسائل قبل گذشت و در این مسأله و مسأله قبل فرقی بین عالم و جاهل نیست.

مسأله ۳۱۹- اگر سهواً از طواف کم کند چنانچه پیش از فوت موالات آنرا تکمیل نماید طوافش صحیح است و همینطور است اگر بعد از فوت موالات متذکر شود و مقدار فراموش شده سه شوط یا کمتر باشد و اما اگر بعد از فوت موالات متذکر شود که بیش از سه شوط کم کرده باید طواف را اعاده نماید. گر چه تکمیل طواف و اعاده آن در تمام موارد مذکور موافق احتیاط است.

مسأله ۳۲۰- اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمه سعی را بجا آورد و طواف و سعیش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که اگر کمتر از چهار دور بجا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده نماید.

«زیاد کردن دورهای طواف»

مسأله ۳۲۱- اگر طواف‌کننده از ابتدا عمداً قصد کند که بیش از هفت دور طواف کند طوافش باطل است هر چند به هفت دور اکتفاکند (۱) ولی اگر از روی جهل یا سهو یا غفلت باشد و به هفت

۱- ۱ آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: با تحقق قصد قربت طوافش صحیح‌است.

ص: ۱۲۰

دور تمام کند طوافش صحیح است.

مسأله ۳۲۲- انجام یک دور یا بیشتر بقصد احتیاط، زیاده در طواف محسوب نمی‌شود و جبران نقص احتمالی را نیز نمی کند

مسأله ۳۲۳- اگر در اثناء طواف از قصد هفت دور زدن برگردد و قصد کند زیادتر بیاورد آنچه با این قصد آورده باطل است و باید اعاده کند (۱) و اگر با این قصد زیادتر از هفت دور انجام دهد اصل طواف باطل است (۲)

مسأله ۳۲۴- اگر از اول قصد کند که هشت دور به جا آورد، لیکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.

مسأله ۳۲۵- اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همانطور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یک دور مستحب هم به دنبال آن بیاورد طواف او صحیح است خواه آن یک دور را انجام دهد یا انجام ندهد.

مسأله ۳۲۶- اگر بعد از هفت دور طواف واجب عمداً یک شوط یا کمتر یا بیشتر به آن اضافه نماید به قصد این که زیاده جزء

۱- ۱. آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی: اگر قصد قربت مختل شود اصل‌طواف باطل می‌شود.

۲- ۲. آیهٔ اللّه بهجت: آنچه با قصد زیاده آورده باطل است.

ص: ۱۲۱

آن طواف باشد، طواف او باطل می‌شود و باید اعاده کند.

مسأله ۳۲۷- اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور پس اگر کمتر از یک دور است قطع کند آن را و طوافش صحیح است و اگر یک دور یا زیادتر است احوط (۱) آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد قربت، بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز طواف واجب را قبل از سعی بخواند و احتیاط مستحب آن است که بعد از سعی دو رکعت نماز برای طواف مستحب به جا آورد.

مسأله ۳۲۸- اگر قسمتی از شوط را که صحیح بوده به تصور این که باطل انجام داده اعاده نموده، طوافش صحیح است.

«قِران در طواف

مسأله ۳۲۹- قران در طواف (یعنی دو طواف پشت سر یکدیگر بدون انجام نماز طواف بین آن دو) در طواف واجب حرام است ولی طواف اول صحیح است (۲) مگر آن‌که از ابتداء یا در اثناء طواف اول قصد قران کرده باشد. بلی قران در طواف مستحب، مکروه است.*

مسأله ۳۳۰- اگر بعد از انجام طواف و قبل از نماز طواف یک شوط یا کمتر یا بیشتر بیاورد بقصد این که آنرا جزء طواف دیگر

۱- ۱. آیهٔ اللّه گلپایگانی، آیهٔ اللّه صافی: این احتیاط مستحب است.

۲- ۲. آیات عظام: سیستانی، خوئی، تبریزی: طواف باطل است.

ص: ۱۲۲

قرار دهد داخل در قِران بین دو طواف است که حکمش در مسأله قبل گذشت (۱).

مسأله ۳۳۱- اگر طواف واجبی را که به فتوای مجتهدش صحیح است قبل از خواندن نماز به قصد احتیاط اعاده نماید و سپس نماز طواف را بخواند عملش صحیح است هر چند به واسطه قِران (۲) معصیت کرده است.

«قطع طواف»

مسأله ۳۳۲- قطع طواف یعنی رها کردن آن به طوری که موالات عرفیه فوت شود (۳)، بدون عذر در طواف مستحب جایز و در طواف واجب مکروه است (۴).*

مسأله ۳۳۳- اگر بدون عذر طواف را قطع کند باطل است و باید آنرا اعاده نماید چه قبل از شوط چهارم باشد یا بعد از آن (۵)

۱- ۱. آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی، بهجت: اگر طواف دوم را به اتمام نرساند نه قران است و نه زیاده در طواف.

۲- ۲. آیات عظام: بهجت، تبریزی، خوئی، سیستانی: این عمل قران محسوب نمی‌شود.

۳- ۳. آیهٔ اللّه سیستانی: یا قبل از اتمام شوط چهارم از مطاف خارج و مشغول کاری‌شود که عرفاً گفته شود طواف را قطع کرده است.

۴- ۴. آیات عظام: صافی، گلپایگانی، خویی: در طواف واجب جائز نیست.

۵- ۵. آیهٔ اللّه گلپایگانی: اقوی آن است که در این صورت اگر چهار دور به‌جا آورده‌باشد، طواف را تمام کند و بعد احتیاطاً اعاده کند.

ص: ۱۲۳

ولی‌اگر طواف را رها کند و قبل از فوت موالات برگردد و آنرا تمام نماید طوافش صحیح است. (۱)

مسأله ۳۳۴- اگر بعـد از تمام شـدن شوط چهارم طواف را به جهت عـذری مانند مرض و حیض قطع نماید و بعد از رفع عذر طواف را از همانجا که قطع کرده کامل کند صحیح است. ولی اگر قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد آنرا اعاده نماید. (۲)

مسأله ۳۳۵- اگر شخصی به جهت عذری طواف را قطع کند و تا وقت تنگ شود از انجام طواف عاجز باشد پس اگر ممکن است او را حمل کننـد و طواف دهنـد. تا طوافش را تکمیل نمایـد یا اگر قطع قبل از اتمام شوط چهارم بوده اعاده نماید و اگر ممکن نیست برایش نائب بگیرند که به تفصیل مذکور عمل نماید. (۳)

مسأله ۳۳۶- اگر در اثناء طواف به جهت برپا شـدن نماز جماعت یا نظافت مسـجد وماننـد آن، شـخص از ادامه طواف معـذور شـد حکم مسأله قبل را دارد

«قطع طواف جهت نماز»

۱- ۱. نظر آیات عظام امام خمینی، خوئی، تبریزی، صافی، خامنه‌ای ذیل مسأله ۴۶۷ گذشت.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه سیستانی: بجز طواف مستحب که می‌تواند تکمیل نماید مطلقاً.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: بعید نیست گفته شود که نائب باید در هر صورت همه طواف را انجام دهد.

ص: ۱۲۴

مسأله ۳۳۷- اگر در اثنای طواف وقت نماز واجب تنگ شود واجب است آنرا رها کند و نماز بخواند و سپس طواف را از همانجا که قطع کرده تمام کند (۱) و صحیح است مگر این که قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد و بقدری فاصله شود که موالات عرفیه به هم بخورد. که در این صورت باید طواف را اعاده کند.

مسأله ۳۳۸- قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت یا درک وقت فضیلت نماز واجب، جایز بلکه مستحب است و بعد از نماز از همانجا که طواف را قطع کرده ادامه دهد و طوافش صحیح است گر چه احتیاط مستحب آن است که به تفصیل مسأله قبل عمل نماید.

«شک در طواف»

مسأله ۳۳۹- اگر بعد از طواف شک کند که آنرا صحیح به‌جا آورده یا نه، مثلًا احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا محدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده، اعتناء نکند، و طوافش صحیح است اگر چه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی‌زیاده و نقیصه.

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه فاضل، آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: و می‌تواند طواف را از اول شروع نماید.

ص: ۱۲۵

مسأله ۳۴۰- اگر در اثناء طواف شک کند که طواف را به نیت منوب‌عنه شروع کرده یا برای خود، نمی‌تواند به این طواف اکتفا کند و می‌تواند صبر کند تا موالات فوت شود سپس آنرا از سر بگیرد. (۱)

مسأله ۳۴۱- اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که هفت دور آورده یا بیشتر به شک خود اعتناء نکند و همینطور است اگر شک کند در این که هفت دور آورده یا کمتر (۲).

مسأله ۳۴۲- اگر در آخر دور که به حجر الاسود ختم شد شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتنا به شک نکند و طوافش صحیح است.

مسأله ۳۴۳- اگر در طواف در عدد شوطها شک نمود و با این حال و بامید این که شک او را از بین برود طواف را ادامه داد و پس از آن یقین کرد که هفت دور را کامل کرده طوافش صحیح است.

مسأله ۳۴۴- اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور، شک کند که آنچه را دور می‌زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است. (۳)*

۱- ۱. آیة اللَّه بهجت: می‌تواند طواف را به نیت منوب‌عنه تمام کند.

آیة اللَّه سیستانی: و باید طواف را به نیت نیابت از سر بگیرد.

۲- ۲. آیة اللَّه تبریزی، آیة اللَّه خوئی: اگر قبل از مشغول شدن به نماز چنین شکی کند باید طواف را اعاده کند.

۳- ۳. آیة اللَّه فاضل، آیة اللَّه مکارم: آن دور را تمام کند و طوافش صحیح است.

ص: ۱۲۶

مسأله ۳۴۵- اگر در آخر دور یا اثنای آن شک کند میان شش و هفت و هر چه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است. (۱)

مسأله ۳۴۶- در مواردی که شک در دورهای طواف موجب بطلان‌طواف استاگر طواف‌دیگری شروع‌کرد و در اثناء آن یقین به دورهای طواف اول برایش حاصل شد، طواف دوم صحیح است.

مسأله ۳۴۷- اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنابر اقل بگذارد و طوافش صحیح است.

مسأله ۳۴۸- کسی که در عدد دورهای طواف کثیر الشک است به شکش اعتنا نکند (۲) و بنابر اکثر بگذارد، مگر این که بنابر اکثر موجب بطلان طواف باشد که در این صورت به احتمال اکثر اعتناء نکند و احتیاط مستحب آن است که کثیر الشک کسی را وادار کند که عدد را برایش حفظ کند.

مسأله ۳۴۹- معیار در کثیر الشک (۳) در طواف این است که عرفاً بگویند در طوافش زیاد شک می‌کند.

۱- ۱ آیات عظام خوئی، تبریزی، سیستانی: اگر شک در پایان شوط بین شش و هفت باشد و بنا را بر شش گذاشت و از روی جهل به مسأله طواف را تمام کرد و متوجه مسأله نشد تا وقت اعاده گذشت طوافش صحیح است.

۲- ۲ آیهٔ اللّه خوئی: اگر به حد وسواس نرسیده باید به شک خود اعتنا کند.

۳- ۳ آیـهٔ اللّه سیستانی: معیار این است که شکی که برای او حاصل می‌شود، نسبت‌به کسانی که در موجبات حواس‌پرتی مانند او هستند، به مقدار معتنا به بیشتر باشد.

ص: ۱۲۷

مسأله ۳۵۰- گمان در عدد دورها اعتبار ندارد (۱) و حکم شک را دارد.

بطلان طواف یا بعض آن

مسأله ۳۵۱- اگر پس از انجام عمره متوجه شود که چند شوط از طواف عمره را سهواً باطل انجام داده مثل این که از داخل حجر اسماعیل طواف کرده چنانچه مقداری که باطل انجام داده سه شوط یا کمتر باشد همان مقدار را اعاده نماید با نماز طواف و اگر بیشتر باشد باید اصل طواف را اعاده نماید و در هر دو صورت سایر اعمال عمره او صحیح است و اگر از روی جهل به حکم، بوده، از احرام عمره خارج نشده و باید طواف و اعمال بعد از آن را انجام دهد تا از احرام خارج شود.

مسأله ۳۵۲- اگر در عمره بعد از تقصیر متوجه شود که طوافش را سهواً باطل انجام داده است مثل این که بدون وضو طواف کرده یا وضویش باطل بوده باید طواف و نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند و تا اعمال را انجام نداده از محرمات احرام اجتناب نماید.

مسأله ۳۵۳- اگر از روی جهل به مسأله طواف عمره را باطل انجام دهد باید طواف و نماز آنرا اعاده نماید و اگر سعی و تقصیر کرده آنها نیز باید اعاده شود و تا اعاده ننموده در احرام باقی می‌ماند.

«رها کردن طواف و از سر گرفتن آن»

۱- ۱ آیة اللّه بهجت: گمان در دورهای طواف معتبر است و باید به آن عمل شود.

ص: ۱۲۸

مسأله ۳۵۴- کسی که در اثناء طواف آنرا رها می‌کند و از سر می‌گیرد طوافش صحیح است خواه قبل از اکمال شوط چهارم آنرا رها کند یا بعد از آن (۱) و اگر طواف دوم را هم رها کند و طواف سومی را انجام دهد همین حکم را دارا است.*

«نیابت در طواف»

مسأله ۳۵۵- اگر کسی از ابتدا بداند که حتی با کمک دیگری قادر بر انجام بعضی از شوطهای طواف نیست باید برای طواف کامل نائب بگیرد و همینطور اگر قبل از اتمام شوط چهارم عاجز شود، ولی اگر بعد از آن باشد می‌تواند برای بقیه نائب بگیرد. (۲)

۱- ۱ امام: اگر قبل از شوط چهارم بوده باید یک طواف دیگر بجا آورد.

آیهٔ اللّه خوئی، آیهٔاللّه تبریزی: در فرض اعتقاد به جواز از سرگرفتن طواف، طواف مذبور مجزی است.

آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: اگر بعد از شوط چهارم بوده واجب است نقصان طواف قطع شده را بجا آورد و نماز آنرا نیز بخواند.

۲- ۲ آیات عظام: صافی، گلپایگانی، مکارم: در تمام صور باید برای طواف کامل نائب بگیرد.

امام خمینی، آیهٔ اللّه بهجت: بعضی از دورهای طواف قابل نیابت است مطلقاً.

ص: ۱۲۹

مسأله ۳۵۶- انجام طواف به نیابت از دیگری قبل از طواف عمره یا حج یا طواف نساء جایز است.

«طواف با لباس دوخته»

مسأله ۳۵۷- اگر محرم طواف و سعی خود را با لباس دوخته انجام دهد، طواف و سعی او صحیح است هر چند بواسطه پوشیدن لباس دوخته (در غیر موارد عذر) معصیت کرده است.

«طواف حائض و مستحاضه»

مسأله ۳۵۸- زن اگر در ایام عادت خون دیده و سپس پاک شده و مجدداً خون دیده چناچه قبل از ده روز پاک شود آن خون محکوم به حیض است (۱) و اگر در فاصله‌ای که پاک بوده طواف و نماز را انجام داده باید آنها را اعاده نماید. (۲)

مسأله ۳۵۹- زن اگر به جهتی مانند استفاده از قرص نظم عادت ماهانه‌اش بهم خورده چنانچه یقین دارد خونی که می‌بیند سه روز استمرار دارد هر چند به این نحو که پس از خروج خون تا سه روز در باطن فرج آلوده باشد حکم حیض را دارد وگرنه باید به وظائف

۱- ۱ آیهٔ اللّٰه خوئی، آیهٔ اللّٰه تبریزی: اگر خون دوم به صفات حیض باشد.

۲- ۲ آیهٔ اللّٰه مکارم: اعاده طواف و نماز لازم نیست.

ص: ۱۳۰

مستحاضه عمل نماید. (۱)

مسأله ۳۶۰- زن اگر برای عمره محرم شده اگر به واسطه حیض نتواند طواف کند باید صبر کند و پس از پاک شدن طواف و اعمال دیگر را انجام دهد و اگر بترسد که نتواند تا زمانی که در مکه است عمره را انجام دهد باید برای طواف و نماز نائب گرفته و سایر اعمال را خودش انجام می‌دهد.

مسأله ۳۶۱- اگر زن در اثناء طواف قبل از اتمام شوط چهارم حایض شود طوافش باطل است پس اگر وقت دارد صبر می‌کند تا وقتی که پاک شد طواف و نماز و بقیه اعمال را انجام دهد و اگر نمی‌تواند تا زمان پاک شدن صبر کند باید برای طواف و نماز نایب بگیرد.

مسأله ۳۶۲- اگر زن در اثناء طواف بعد از اتمام دور چهارم (۲) حایض شد چنانچه وقت دارد صبر کند و پس از پاک شدن تحصیل طهارت کرده و بقیه طواف و سایر اعمال را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد مانند مسائل قبل عمل کند.

---

۱ - ۱ آیات عظام: خویی، تبریزی، سیستانی: اگر به صفات حیض باشد یا در ایام عادت، احتمال استمرار کافی است و حیض محسوب می‌شود. آیةاللَّه سیستانی اضافه فرموده‌اند: اگر به صفات حیض نباشد و در ایام عادت هم نباشد باید جمع کند بین تروک حائض و اعمال مستحاضه.

۲- ۲ آیةُ اللَّه خامنه‌ای: بعد از سه شوط و نیم.

ص: ۱۳۱

مسأله ۳۶۳- اگر زن پس از این که متوجه شد که طواف عمره را باطل انجام داده حایض شد و کاروان منتظر او نمی‌ماند برای طواف و نماز نایب گرفته و بقیه اعمال را خودش بجا می‌آورد.

مسأله ۳۶۴- زن مستحاضه چنانچه استحاضه‌اش قلیله باشد باید برای هر یک از طواف و نماز جداگانه وضو بگیرد و اگر متوسطه باشد باید علاوه بر این، یک غسل برای طواف و نماز انجام دهد. (۱) و اگر کثیره باشد یک غسل دیگر هم برای نماز انجام دهد. (۲) این در صورتی است که خون مستمر باشد و اگر از وقت وضو یا غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد طهارتی که برای طواف تحصیل کرده کافی است.

مسأله ۳۶۵- اگر زن در اثناء طواف مستحاضه شد، حکم حدث در اثناء طواف را دارد که در مسأله ۲۶۵ گذشت.

مسأله ۳۶۶- زن مستحاضه اگر پاک شد و وضو گرفت و غسل کرد و مشغول طواف شد و در اثناء طواف مجدداً خون دید حکم مسأله قبل را دارد ولی اگر خون مستمر است و به وظیفه‌اش عمل

۱- ۱ آیهٔ اللَّه مکارم: اگر مستحاضه متوسطه و کثیره وظیفه غسل خود را برای‌نمازهای یومیه انجام دهد غسل دیگری برای طواف و نماز لازم ندارد.

۲- ۲ آیهٔاللَّه سیستانی، آیهٔاللَّه فاضل: غسل دیگر لازم نیست.

آیهٔ اللَّه خوئی: در کثیره اگر محدث به حدث اصغر نباشد احتیاجی به وضو نیست.

ص: ۱۳۲

کرده با تحفظ از خروج آن طواف او صحیح است.

مسأله ۳۶۷- مستحاضه پس از تحصیل طهارت برای طواف و نماز آن باید مبادرت به عمل نماید و اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند باید وضو و غسل خود را نزدیک مسجدالحرام انجام دهد.

مسأله ۳۶۸- اگر مستحاضه در اثناء طواف بجهت اقامه نماز و مانند آن نتواند به طوافش ادامه دهد باید مجدداً برای طواف تحصیل طهارت نماید و طواف را اعاده نماید. (۱)*

مسأله ۳۶۹- زن غیر سیده (۲) خونی که بعد از تمام شدن پنجاه سال قمری می‌بیند حکم استحاضه را دارد هر چند به صفات حیض باشد و تا وقتی که رسیدن به سن مذبور برای زن اثبات نشده حکم زنان غیریائسه را دارد.*

۱- ۱ آیهٔ اللّٰه تبریزی: در فرضی که نماز جماعت برگزار شده و مستحاضه نمازش را خوانده فرمودند بعید نیست تمام کردن همان طواف سابق کافی باشد و همچنین آیهٔ اللّٰه سیستانی در این فرض فرمودند اگر قطع پس از پایان شوط چهارم بوده اتمام همان طواف کافی است.

۲- ۲ آیهٔ اللّٰه مکارم: فرقی بین سیده و غیر سیده نیست ملاک تمام شدن پنجاه سال قمری است.

آیهٔ اللّٰه سیستانی: یائسگی در مسأله حیض در سیّده و غیر سیّده با اتمام شصت سال قمری شروع می‌شود.

ص: ۱۳۳

مسأله ۳۷۰- زنی که حایض شده اگر با استفاده از دارو کاری کند که خون کاملًا قطع گردد بطوری که در باطن فرج هم خون سه روز استمرار پیدا نکند آن خون حکم استحاضه را دارد و با تحصیل طهارت مستحاضه، می‌تواند طواف و نماز خود را انجام دهد.

مسأله ۳۷۱- شخصی که بعد از اعمال عمره یا حج متوجه می‌شود که غسل واجبی مانند غسل مس میت یا غسل نفاس بر عهده‌اش بوده است چنانچه پس از وجوب آن غسل، غسل واجب یا مستحبی (که استحباب آن ثابت است مانند غسل احرام یا جمعه) انجام داده کفایت می‌کند و عملش صحیح است والا حکم کسی را دارد که طواف خود را باطل انجام داده که در مسائل قبل گذشت. (۱)*

«دائم الحدث»

مسأله ۳۷۲- بیماری که حدث (بول، غائط، ریح) پی در پی از او خارج می‌شود اگر فرصتی دارد که می‌تواند در آن طواف را با وضو و طهارت بدن انجام دهد باید پس از وضو و طهارت بدن

۱- ۱. آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، صافی: اگر غسل جنابت انجام داده کفایت می‌کند و الا کفایت نمی‌کند.
آیهٔاللّه فاضل: اگر غسل واجبی انجام داده کفایت می‌کند والّا کفایت نمی‌کند.

ص: ۱۳۴

طواف را در آن وقت انجام دهد و اگر چنین فرصتی ندارد تا وقتی حدث‌متعارف از او سر نزده یک وضو برای طواف و یک وضـو برای نماز کافی است. (۱)*

مسأله ۳۷۳- کسـی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می‌شود واجب است تا آنجا که می‌تواند از سرایت نجاست به بدن و لباس خود جلوگیری کند به همان کیفیتی که در نماز انجام می‌دهد.

مسأله ۳۷۴- اگر حدث از غیر مجرای طبیعی بطور پی در پی

۱- ۱. امام خمینی: اگر مشـقت نـدارد بایـد هر بار که از او حـدث سـرمی‌زند تجدید وضو نماید هر چند با بردن آب همراه خود در طواف و نماز باشد، و طواف و نمازش صحیح است.

نظر آیهٔ‌اللَّه خامنه‌ای در حدث بول مانند نظر امام است و در مورد حدث غائط و ریح نظر ایشان در دست نیست.

آیهٔ اللَّه بهجت: اگر حدث بول یا ریح است خود طواف می‌کند و اگر مشقت ندارد هر بار که حدث از او سرمی‌زند وضو را تجدید کند کافی است و اگر حدث غائط است برای طواف نائب بگیرد.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: اگر حدث بول است چنانچه می‌تواند باید برای هر بار که حدث سرمی‌زند تجدید وضو کند. آیهٔ اللَّه گلپایگانی اضافه فرمودنـد: و اگر این را هم نمی‌توانـد، وضو بگیرد و چهار شوط آن را بجا آورد و سـپس تجدید وضو نموده و بقیه طواف را بجا آورد و اگر حدث ریح یا غائط باشد برای طواف نائب بگیرد و احتیاطاً خودش هم طواف کند.

ص: ۱۳۵

خارج می‌شود حکم حدثی را دارد که از مجرای طبیعی بطور پی در پی خارج می‌شود که در دو مسأله قبل گذشت.

«طواف مستحب»

مسأله ۳۷۵- طواف یعنی هفت شوط کامل و انجام یک یا چند شوط استحبابش ثابت نیست. (۱)

مسأله ۳۷۶- طواف عملی است مستحب و ثواب آن برای غیرمقیم از ثواب نماز مستحبی بیشتر است و سزاوار است زائران هر چقدر می‌توانند طواف کنند اما تلاش کنند مزاحم افرادی که مشغول طواف واجب هستند نشوند.

مسأله ۳۷۷- انجام طواف مستحب برای بانوان با علم به این که نگاه آنان بی‌اختیار به نامحرم می‌افتد و در فشار جمعیت قرار می‌گیرند اشکالی ندارد ولی بهتر است در موارد ازدحام مراعات نمایند.

مسأله ۳۷۸- شرائطی که در طواف واجب ذکر شد به جز طهارت از حدث (۲) در طواف مستحب نیز معتبر است.

مسأله ۳۷۹- انجام طواف مستحب قبل از اعمال عمره تمتع و مفرده و پس از محرم شدن برای حج تمتع و قبل از رفتن به عرفات

۱- ۱. آیةاللّه سیستانی: یک شوط نیز از خود یا از غیر مستحب است.

۲- ۲. آیة اللّه مکارم، آیة اللّه فاضل: و موالات.

ص: ۱۳۶

و پیش از طواف حج یا طواف نساء اشکالی ندارد گر چه احتیاط مستحب در ترک آن است.

مسأله ۳۸۰- هر شوط از طواف مستحب را نمی‌توان به نیت یک نفر انجام داد ولی انجام یک طواف به نیابت از چندین نفر اشکالی ندارد. (۱)

«مسائل متفرقه طواف»

مسأله ۳۸۱- واجب نیست در حال طواف روی طواف‌کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند و می‌تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و برگردد از همانجا اتمام کند.

مسأله ۳۸۲- اگر معاذ اللَّه در حال طواف معصیتی مانند تماس عمدی با بدن نامحرم انجام شود طوافش باطل نمی‌شود.

مسأله ۳۸۳- پا گذاردن روی احرامی دیگران و اشیائی که از افراد در مطاف می‌افتد مانند ساعت و غیر آن موجب بطلان طواف نمی‌شود.

مسأله ۳۸۴- اگر از قسمتی از شوط را نادرست انجام دهد و در

۱- ۱. آیة اللَّه سیستانی: نیابت در یک شوط نیز صحیح است ولی در این صورت نباید مجموع هفت شوط را به عنوان یک طواف انجام دهد.

آیة اللَّه مکارم: و نیز می‌تواند ثواب هر شوط را به یک نفر اهدا کند.

ص: ۱۳۷

وقتی که می‌خواهد تدارک کند محل دقیق آن مشخص نباشد، برای تدارک باید از چند قدم جلوتر شروع کند با این قصد که طواف او از همانجائی که نادرست بوده ادامه پیدا کند و بقیه مقدمه علمیه باشد.

مسأله ۳۸۵- در مواردی که احتیاط اقتضا می‌کند که طواف را تکمیل کند و نماز را بخواند سپس آنرا با نمازش اعاده کند، می‌تواند یک طواف کامل به قصد تمام و اتمام بجا آورد (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده باطل بوده تمام هفت شوط طوافش باشد و چنانچه صحیح بوده از طواف دوم بمقدار نقصان طواف اول، طواف باشد) و بعد دو رکعت نماز بخواند این عمل کافی است.(۱)

*مسأله ۳۸۶- اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

مسأله ۳۸۷- در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

مسأله ۳۸۸- اگر در طواف بی‌اختیار او را ببرند اعاده آن مقدار

۱- ۱. آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، صافی: این عمل صحیح نیست و تردید در نیت است.

ص: ۱۳۸

لازم است (۱) و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید ولی باید دانست که منظور از بی‌اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در این صورت اگر قدمها را به اختیار خود برمی‌دارد ضرر ندارد و طوافش صحیح است. (۲)

مسأله ۳۸۹- هر گاه چند قدم از طواف اشکال پیدا کند مثل این که بی‌اختیار انجام شود به نحوی که در مسأله قبل گذشت اگر بتواند باید برگردد و آن مقدار را اعاده نماید وگرنه بدون نیت طواف، دور بزند تا به محلی که طوافش اشکال پیدا کرده برسد و از آنجا طواف را ادامه دهد و اگر از حجر الاسود شروع کند اشکال دارد (۳).

مسأله ۳۹۰- اگر قسمتی از یک شوط طواف نادرست انجام شود و شخص بخواهد آنرا تدارک کند لازم نیست از همان مکانی

۱- ۱. آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خوئی: مجرد بردن جمعیت موجب بطلان نمی‌شودمادامی که سایر شرائط موجود باشد.

آیات عظام مکارم، خامنه‌ای: چون از اول نیت می‌کند که خود را در وسط جمعیت قرار دهد و طواف کند هرچند او را ببرند، اعاده لازم نیست.

۲- ۲. آیهٔاللّه سیستانی: بی‌اختیار شدن به این است که نه بتواند توقف کند و نه از مطاف خارج شود.

۳- ۳. آیهٔ اللّه سیستانی، آیهٔ اللّه فاضل: اگر نتواند برگردد و جبران کند می‌تواند تا حجر الاسود برود و آن شوط را اعاده نماید و جایز نیست بدون قصد طواف، تا جایی که طوافش نادرست بوده برود و از آنجا ادامه دهد.

ص: ۱۳۹

که طواف اشکال پیدا کرده آنرا ادامه دهد بلکه می‌تواند از محاذی آن در طرف راست یا چپ آن مکان طواف را تدارک کند و همینطور است مواردی که طواف در نقطه‌ای قطع می‌شود و شخص می‌خواهد آنرا تکمیل نماید.

مسأله ۳۹۱- اگر از روی جهل به مسأله به جای تدارک آن مقدار از شوط که اشکال پیدا کرده آنرا رها کند و شوط دیگری بجا آورد طوافش صحیح است.

مسأله ۳۹۲- در مواردی که قسمتی از شوط را صحیح انجام نداده اگر جهلًا بدون تدارک آن قسمت به طواف ادامه دهد زیاده‌ای که انجام داده طواف را باطل نمی‌کند و چنانچه قبل از فوت موالات آن قسمتی که خلل پیدا کرده تدارک کند طوافش صحیح است.

مسأله ۳۹۳- در عدد دورهای طواف و سعی و عدد سنگهای رمی در صورتی می‌توان به دیگری اعتماد کرد که اطمینان به عدد حاصل شود. (۱)

مسأله ۳۹۴- نائب در طواف حج یا عمره لازم نیست محرم باشد یا لباس احرام در بر داشته باشد بلکه می‌تواند طواف نیابی را

۱- ۱. آیهٔ اللَّه خوئی، آیهٔ اللَّه تبریزی: یا آن شخص ثقه باشد.

آیهٔ اللَّه سیستانی: در خصوص طواف می‌تواند به کسی که یقین به عدد دورها داشته باشد اعتماد کند.

ص: ۱۴۰

در غیر احرام و با لباس دوخته انجام دهد.

مسأله ۳۹۵- کسی که از احرام خارج شده و می‌خواهد طواف و نماز را اعاده کند لازم نیست طواف را با لباس احرام انجام دهد.

مسأله ۳۹۶- کسی که در بین طواف شخصی را از زمین بلند می‌کند یا چیزی را بر می‌دارد و در آن حال بدون توجه به طواف یک یا چند قدم به جلو بر می‌دارد چنانچه در وقت پیمودن این مسافت قصد طواف را داشته ولو اجمالًا کفایت می‌کند و اگر شک دارد چنین قصدی داشته یانه به شک خود اعتنا نکند.

مسأله ۳۹۷- اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کرد باید همان مقدار تدارک شود و ادامه طواف بدون تدارک آن، موجب اشکال در طواف است و آوردن آن قسمت از طواف بقصد احتیاط پس از اتمام طواف اشکال را برطرف نمی‌کند.

«مستحبات طواف»

«مستحبات طواف» (۱)

مسأله ۳۹۸- در حال طواف، مستحب است بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی أسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی یُمْشی بِهِ عَلی طَلَلِ الْماءِ کَما یُمْشی بِهِ عَلی جُدَدِ الْأَرْضِ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الّذِیْ یَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُکَ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی تَهْتَزُّ لَهُ اقْدامُ مَلائِکَتِکَ

۱- ۱. آیهٔ اللّه مکارم: این مستحبّات را به قصد رجاء بجا آورد.

ص: ۱۴۱

وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی دَعاکَ بِهِ مُوسی مِنْ جانِبِ الطُورِ فاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأ لْقَیْتَ عَلَیْهِ مَحَبَّةً مِنْکَ وَأسْأَ لُکَ بِاسْمِکَ الّذی غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تَأخَّرَ وأتْمَمْتَ عَلَیْهِ نِعْمَتَکَ أنْ تَفْعَلَ بِی کَذا وَکَذا».

و بجای کذا و کذا حاجت خود را بخواهد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«أللَّهُمَّ إنِّی إلَیْکَ فَقِیْرٌ وَإنِّی خائِفٌ مُسْتَجِیْرٌ فَلا تُغَیِّرْ جِسْمِی وَلا تُبَدِّلْ إسْمِی».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد و این دعا را بخواند:

«سائِلُکَ، فَقِیْرُکَ، مِسْکِیْنُکَ بِبابِکَ، فَتَصَدَّقْ عَلَیْهِ بِالْجَنَّةِ، أللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَالْحَرَمُ حَرَمُکَ وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ وَهذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ الْمُسْتَجِیرِ بِکَ مِنَ النّارِ فَأعْتِقْنِی وَوَالِدَیَّ وَأهْلِی وَوُلْدِی وَإخْوانِیَ الْمُؤْمِنِینَ مِنَ النّارِ یا جَوادُ یا کَرِیمُ».

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«أللَّهُمَّ أدْخِلْنِی الْجَنَّةَ وَأجِرْنِی مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِکَ وَعافِنِی

ص: ۱۴۲

مِنَ السُّقْمِ وَأوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلالِ وَادْرَأْ عَنِّى شَرَّ فَسَقَةِ الجِنِّ وَالْإنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«يا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ ياذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضاعِفْهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّى إنَّكَ أ نْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست به دعا بردارد و بگوید:

«يا أللّهُ يا وَلِيَّ الْعافِيَةِ وَخالِقَ الْعافِيَةِ وَرَازِقَ الْعافِيَةِ وَالْمُنْعِمُ بِالْعافِيَةِ وَالْمَنّانُ بِالعافِيَةِ والمُتَفَضِّلُ بِالْعافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلى جَمِيعِ خَلْقِكَ يا رَحْمنَ الدُّنْيا وَالآخِرَةِ وَرَحيْمَهُما صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعافِيَةَ وَتَمامَ الْعافِيَةِ وَشُكْرَ الْعافِيَةِ فى الدُّنْيا وَالآخِرَةِ يا أرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ للَّهِ الَّذى شَرَّفَكِ وَعَظَّمَكِ، وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذى بَعثَ مُحَمَّداً نَبِيّاً وَجَعَلَ عَليّاً اماماً. أللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِيارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرارَ خَلْقِكَ».

و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد، بگوید:

ص: ۱۴۳

«رَبَّنا آتِنا فی الدُّنیا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النَّارِ».

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار (۱) رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«أللَّهُمَّ الْبَیْتُ بَیْتُکَ وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ وَهذا مَکانُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النَّار».

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء اللَّه تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«أللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِکَ الرَّوْحُ وَالْفَرَجُ وَالْعافِیَةُ. أللَّهُمَّ إنَّ عَمَلِی ضَعیفٌ فَضاعِفْهُ لِی وَاغْفِرْ لی مَا اطَّلَعْتَ عَلَیْهِ مِنِّی وَخَفِیَ عَلی خَلْقِکَ أسْتَجِیرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

و آنچه خواهد دعا کند و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«أللَّهُمَّ قَنِّعْنِی بِما رَزَقْتَنی وَبارِکْ لِی فِیما آتَیْتَنی».

و برای طواف‌کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه

۱- ۱. مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه کعبه قرار دارد.

ص: ۱۴۴

کعبه و حجر الأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید (۱):

«أمانَتی أدَّیْتُها وَمِیثاقی تَعاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِی بِالْمُوافاةِ».

فصل پنجم: نماز طواف

۱- ۱. آیهٔ اللّه مکارم: انجام بعضی از این مستحبات در زمان ما و در ازدحام جمعیّت برای بسیاری از مردم غیر ممکن است، بنابراین آنچه را ممکن است انجام می‌دهد و آنچه را نمی‌توان انجام داد، هرگاه نیّت انجام آن را داشته باشد، خداوند مطابق نیّتش پاداش به او خواهد داد، بنابراین اصرار بر مزاحمت دیگران نباید داشته باشد.

ص: ۱۴۵

سوم از واجبات عمره نماز طواف است.

مسأله ۳۹۹- واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز طواف مانند نماز صبح بخواند.

مسأله ۴۰۰- در این نماز سوره خاصی واجب نیست گر چه مستحب است در رکعت اول بعد از حمد سوره توحید (قل هو اللَّه احد) ودر رکعت‌دوم سوره کافرون قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ بخواند.

مسأله ۴۰۱- نماز طواف را می‌توان مثل نماز صبح بلند یا مثل نماز ظهر آهسته خواند.

مسأله ۴۰۲- این نماز در احکام مانند نمازهای یومیه است بنابراین شک در رکعات، آنرا باطل می‌کند و گمان در رکعات،

ص: ۱۴۶

معتبر است ولی در افعال، گمان، حکم شک را دارد. (۱)*

مسأله ۴۰۳- باید پس از طواف به نماز آن مبادرت نماید (۲) به طوری که به نظر عرف بین آن دو فاصله نشود ولی فاصله انداختن به مقدار چندین دقیقه برای استراحت و یا پیدا کردن جای مناسب اشکالی ندارد و اگر به قدری فاصله انداخت که موالات عرفیه بهم بخورد معصیت کرده ولی طواف و نمازش صحیح است. (۳)*

مسأله ۴۰۴- انجام نماز مستحبی یا عبادت دیگر بین طواف و نماز آن تا وقتی که موالات عرفیه بهم نخورده مانعی ندارد.

مسأله ۴۰۵- واجب است این نماز نزد مقام ابراهیم علیه السلام و در پشت آن خوانده شود بطوری که مقام بین او و خانه کعبه واقع شود و هر چه به مقام نزدیکتر باشد بهتر است ولی نه بطوری که با سائرین مزاحمت کند.

مسأله ۴۰۶- در این که نماز طواف نزد مقام و پشت مقام باشد ملاک نظر عرف است یعنی باید بطوری باشد که عرفاً بگویند نماز را نزد مقام و پشت مقام خوانده است و حد مشخصی ندارد.

مسأله ۴۰۷- اگر نتواند نماز را پشت مقام در نزد آن بخواند

۱- ۱. آیة اللّه بهجت: در افعال نیز گمان معتبر است و حکم یقین را دارد.

۲- ۲. آیةاللّه فاضل: و در صورتی که عالماً عامداً اخلال به فوریت کند، ظاهراً طواف‌باطل می‌شود و اگر تدارک نکند و وقت بگذرد حج نیز باطل است.

۳- ۳. آیة اللّه خوئی: طواف باطل است و باید در وقت، طواف و نماز را اعاده نماید.

ص: ۱۴۷

بایـد آنرا در نزدیکی مقـام در طرف راست یا چپ آن بجا آورد (۱) و اگر این هم ممکن نشـد نماز در پشت مقام کافی است. ولی هر چه می‌تواند به مقام نزدیکتر بایستد. و چنانچه تا بعد از فوت موالات عرفیه عذرش باقی باشد اعاده آن نماز واجب نیست هر چند بتواند آنرا در پشت مقام و نزد آن بجا آورد.*

مسأله ۴۰۸- اگر با علم و عمد نماز طواف را ترک کرد یا آنرا باطل‌انجام داد وسـعی و تقصـیر نمود باید طواف و نماز آن و سعی و تقصیر را اعاده نماید و تا انجام نداده در احرام عمره باقی می‌ماند.

مسأله ۴۰۹- اگر نمـاز طواف فراموش شود بایـد هر وقت که یادش آمـد نماز را در مسـجد الحرام به همان ترتیبی که در مسائل قبل گـذشت انجام دهد (۲) و اگر برگشـتن به مسـجد الحرام برایش مشـکل باشـد بایـد هر جا که یادش آمد بجا آورد هر چند در شـهر دیگری غیر از مکه باشد و بازگشتن به حرم واجب نیست گر چه

۱- ۱. آیـهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خوئی: نماز باید پشت مقام باشد و اگر نتواند نزد آن‌بخواند در نقطه دورتری پشت مقام بجا آورد و بنابر احتیاط هر چه می‌تواند به مقام نزدیکتر بایستد.

آیـهٔ اللّه خـامنه‌ای: اگر نتوانـد پشـت مقـام نزد آن بخوانـد در هر نقطـه‌ای که صـدق کنـد پشت مقـام است کـافی است بلکه در این صورت در هر جای مسجد الحرام که باشد صحیح است.

۲- ۲. آیهٔاللّه خامنه‌ای: این در صورتی است که از مکه دور نشده باشد والا برگشتن به‌مسجد الحرام لازم نیست.

ص: ۱۴۸

آسان باشد و اگر نماز مذکور نماز طواف نساء باشد تا وقتی آنرا انجام نداده همسرش بر او حرام است.

مسأله ۴۱۰- اگر نماز را فراموش کرد و در اثناء سعی متوجه شد باید آنرا رها کند و برگردد و نماز را انجام دهد و سپس سعی را از همانجا که رها کرده بپایان رساند (۱) و اگر بعد از سعی و تقصیر متوجه شود اعاده آنها لازم نیست.

مسأله ۴۱۱- در احکام ذکر شده جاهل به مسأله با ناسی مشترک است.

مسأله ۴۱۲- اگر کسی این نماز را بجا نیاورد و بمیرد بر پسر بزرگ‌او واجب است که آنرا قضا کند به همان تفصیلی که در رساله عملیه در مسائل نماز قضا ذکر شده و اگر دیگری بجا آورد کافی است.

مسأله ۴۱۳- حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز طواف باید به صورت صحیح خوانده شود و اگر مکلف نتواند بطور صحیح بخواند در صورت امکان باید آنرا یاد بگیرد.

مسأله ۴۱۴- اگر نتواند قرائت و ذکرهای واجب نماز را یاد بگیرد هر مقدار که خود می‌تواند بخواند کافی است (۲).*

مسأله ۴۱۵- کسی که حمد و سوره نمازش را نمی‌تواند بطور

۱- ۱. آیهٔ اللّٰه صافی، آیهٔ اللّٰه گلپایگانی: در صورت تجاوز از نصف بقیه سعی را و درکمتر از نصف همه آنرا مجدداً بجا آورد.

۲- ۲. آیهٔ اللّٰه بهجت: اگر قرائت او صحیح نیست به شخص عادلی اقتدا کند و اگر نتواند به جماعت بخواند عمل به وظیفه نمازهای یومیه کافی است.

ص: ۱۴۹

صحیح تلفظ کند اگر وقت دارد و می‌تواند با تأخیر طواف، قرائت خود را تصحیح کند و در تأخیر آن عسر و حرجی نیست، لازم است طواف را تأخیر بیاندازد (۱) و قرائت را تصحیح نماید ولی چنانچه زودتر طواف نماید و قبل از فوت موالات عرفیه نتواند غلطهای خود را تصحیح نماید به هر نحوی که می‌تواند بخواند کافی است (۲) هر چند معصیت کرده است.*

مسأله ۴۱۶- نماز طواف را در همه اوقات می‌شود خواند مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب، که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت نماز یومیه شود، پس باید اول نماز یومیه را بخواند.

مسأله ۴۱۷- اگر نماز طواف را در غیرموضعی که باید بجاآورد انجام داد مثل این که در حجر اسماعیل علیه السلام نماز خواند و بعد از آن متوجه شد باید نماز را اعاده نماید ولی اعاده سایر اعمال لازم نیست.

مسأله ۴۱۸- اگر زن بعد از طواف و قبل از انجام نماز طواف حائض شد چنانچه وقت وسعت دارد صبر می‌کند تا پاك شود و پس از تحصیل طهارت نماز طواف و بقیه اعمال را انجام دهد و

۱- ۱. امام خمینی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: تأخیر طواف لازم نیست.

آیهٔ اللّه بهجت: یا نماز را به جماعت بخواند.

۲- ۲. آیهٔاللّه بهجت: اگر نتواند در مقام به جماعت بخواند عمل به وظیفه یومیه کافی است.

ص: ۱۵۰

اگر وقت تنگ باشد برای نماز طواف نایب می‌گیرد و سعی و تقصیر را بجا می‌آورد.

مسأله ۴۱۹- اگر زن نماز طواف را فراموش کرد یا به جهت جهل به مسأله یا سهواً آنرا باطل انجام داد و پس از آنکه متوجه شد حایض گردید در وسعت وقت پس از پاک شدن، نماز طواف را بجامی‌آورد واگر بعد از انجام سعی یا تقصیر متوجه شده که نماز را ترک کرده یا باطل انجام داده اعاده سعی و تقصیر لازم نیست.

مسأله ۴۲۰- انجام نماز طواف به جماعت کافی نیست (۱) ولی اگر کسی که حمد و سوره‌اش درست نیست بخواهد برای احتیاط نماز طوافش را به جماعت بخواند می‌تواند در طواف واجب به شخص عادلی که نماز طواف واجبش را می‌خواند اقتدا کند (۲) هر چند طواف امام غیر طواف مأموم باشد مثل این که در نماز طواف به نماز طواف نساء اقتدا کند و مانند این که کسی که نائب نیست به نائب اقتداکند.

مسأله ۴۲۱- کسی که نمی‌تواند حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز را بطور صحیح تلفظ کند جایز نیست از طرف دیگری، برای حج یا عمره نیابت کند هر چند نیابتش تبرعی باشد و

۱- ۱ آیهٔ اللّه بهجت: کافی بلکه مستحب است.

۲- ۲ آیـهٔ اللّه صافی، آیـهٔ اللّه گلپایگانی: اگر امکان نـداشت به نماز طواف واجب اقتداکند می‌تواند به رجاء مطلوبیت به نماز یومیه اقتدا کند.

ص: ۱۵۱

اگر نائب شد احرامش باطل است (۱)* بلی کسی که می‌تواند ذکرهای واجب را تصحیح کند نیابتش جایز است (۲) و اگر نائب شد باید حمد و سوره و ذکرهای واجب را تصحیح کند و عمل نیابی را صحیح انجام دهد تا از احرام خارج شود.

مسأله ۴۲۲- اگر بعد از نماز طواف متوجه شود که حمد و سوره یا ذکر واجب را صحیح ادا نکرده است چنانچه احتمال نمی‌داده است که آنچه ادا کرده غلط بوده است نمازش صحیح است. (۳)

۱- ۱ آیهٔ اللّه سیستانی: احرامش صحیح است و باید به نیت منوب عنه تمام کندهرچند به احتیاط واجب مجزی از منوب عنه نیست.

آیـهٔاللّه بهجت: شخصـی که قرائتش درست نبوده یا از جهت دیگری معذور بوده و بدون توجه به این مطلب از طرف دیگری محرم شده و در وسط اعمال یا بعد از عمره متوجه شده احتیاطاً در موارد عذر نائب بگیرد و خود نیز آن عمل را انجام دهد؛ در این‌صورت نیابتش صحیح است، هرچند از اول نمی‌توانسته نایب شود.

۲- ۲ آیهٔ اللّه فاضل: اگر هنگام قبول نیابت، احتمال تصحیح قرائت را می‌داده وامکان آن نیز وجود داشته باشد با تصحیح قرائت و انجام اعمال از احرام خارج می‌شود و الّا اصل احرام باطل بوده است و در صورت بطلان احرام نیابی، می‌تواند برای خودش محرم شود.

۳- ۳. آیات عظام: گلپایگانی، صافی، بهجت: نماز باطل است و باید اعاده شود

آیهٔ اللّه خوئی: اگر جاهل قاصر باشد صحیح است.

آیهٔ اللّه سیستانی: اگر در اشتباه خود معذور بوده نمازش صحیح است والا اعاده نماید.

ص: ۱۵۲

وگرنه باید آنرا اعاده کند.

مسأله ۴۲۳- کسی که حمد و سوره و ذکرهای واجب را صحیح ادا نمی‌کند می‌تواند جهت انجام عمره یا حج برای خودش محرم شود هر چند حجش استحبابی باشد و بر او لازم است اگر می‌تواند حمد و سوره و ذکرهای واجب را تصحیح و بطور صحیح ادا نماید

مسأله ۴۲۴- اگر در حال قرائت یا اداء ذکر واجب او را حرکت دادند بطوری که استقرار از بین برود باید آن مقداری را که بدون استقرار بوده مجدداً اعاده نماید و اگر در حال تکرار نیز از استقرار خارج شد باز باید آنرا اعاده کند و اما اگر حرکت به حدی نباشد که به استقرار معتبر در نماز ضرر بزند نباید آنچه در حال حرکت گفته اعاده نماید مگر به قصد احتیاط به شرط آنکه وسوسه نباشد.

مسأله ۴۲۵- در نماز طواف لازم نیست مرد جلوتر از زن بایستد یا بین آن دو فاصله‌ای باشد بلکه اگر در کنار هم نیز نماز بخوانند صحیح است (۱).

۱- ۱. آیةاللَّه خویی، آیة اللَّه خامنه‌ای: اگر بین آنان فاصله باشد ولو بمقدار یک وجب رعایت تقدم لازم نیست در غیر این صورت لازم است.

آیة اللَّه فاضل: باید رعایت عدم تقدم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود. بلی چنانچه زن از اهل سنت باشد یا تأخیر نماز طواف موجب موالات عرفیه شود یا مستلزم عسر و حرج باشد رعایت این شرط لازم نیست.

ص: ۱۵۳

مسأله ۴۲۶- در مواردی که مکلف می‌ترسد اگر نماز طواف را شروع کند، در اثناء او را حرکت دهند و نمازش را قطع کنند اگر به امید این که بتواند آنرا بطور صحیح انجام دهد شروع کند و نماز را بپایان برساند نمازش صحیح است.

فصل ششم: سعی بین صفا و مروه

اشاره

ص: ۱۵۴

چهارم از واجبات عمره سعی است.

مسأله ۴۲۷- بعد از انجام نماز طواف، واجب است بین صفا و مروه که دو کوه معروفند سعی کند یعنی فاصله میان این دو کوه را بپیماید.

مسأله ۴۲۸- سعی بین‌صفا ومروه باید هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط می‌گویند به‌این معنی‌که رفتن‌از صفا به مروه یک شوط و بازگشت از مروه به صفا شوط دیگر است.

مسأله ۴۲۹- واجب است سعی را از صفا شروع کند و در دور هفتم به مروه ختم نماید، پس اگر از مروه شروع کند سعیش باطل است و باید آنرا اعاده کند و اگر در اثناء متوجه شد از سر بگیرد (۱).

۱- ۱. آیهٔ اللّه مکارم: اگر آن دور را که از مروه شروع کرده نادیده بگیرد و بقیه را تکمیل نماید بعید نیست کفایت کند.

ص: ۱۵۵

مسأله ۴۳۰- همه فاصله بین دو کوه باید سعی شود یعنی از اولین جزء پائین کوه صفا تا رسیدن به اولین جزء پائین کوه مروه پیموده شود و برای احراز آن می‌توان بر قسمتی ازکوه صفا و کوه مروه بالا ـ رفت و بطور متعارف سعی نمود و باید توجه داشت که هم اکنون قسمتی از دو کوه سنگ‌فرش شده و بالا رفتن بر آن کافی است و لازم نیست به سنگهایی که از کوه باقی مانده برسد.

مسأله ۴۳۱- حرکت بر قسمتی از کوه صفا و مروه در پایان شوط و آغاز شوط بعد بصورت هلالی شکل یا مستقیم چنانچه متعارف است ضرری به سعی نمی‌زند.

مسأله ۴۳۲- رفت و برگشت بین صفا و مروه باید از راه متعارف باشد پس اگر از راه غیرمتعارف سعی کند باطل است.

مسأله ۴۳۳- سعی بین صفا و مروه را می‌توان حتی در حال اختیار سواره انجام داده ولی راه رفتن افضل است.

مسأله ۴۳۴- طهارت از حدث و خبث و ستر عورت و ختان در سعی معتبر نیست گر چه با طهارت از حدث موافق احتیاط است.

مسأله ۴۳۵- اگر زن حجاب واجب خود را در سعی مراعات نکند سعی او صحیح است هر چند بواسطه ترک حجاب معصیت نموده است.

مسأله ۴۳۶- سعی را باید پس از طواف و نماز آن انجام داد و اگر سعی را قبل از آنها بجا آورد باید پس از طواف و نماز، سعی را اعاده نماید خواه مقدم نمودن آن عمدی باشد یا بجهت فراموشی

ص: ۱۵۶

یا جهل به مسأله.

مسأله ۴۳۷- نظر به این که طبقه دوم، سعی بین دو کوه صفا و مروه نیست سعی در آن کفایت نمی‌کند. (۱)

مسأله ۴۳۸- اگر برای مسعی طبقه زیرزمینی درست شود و سعی در بین ریشه دو کوه واقع شود کافی است گر چه احتیاط در سعی در طبقه همکف می‌باشد.

مسأله ۴۳۹- در وقت رفتن به مروه واجب است متوجه به مروه و در بازگشت به صفا متوجه به صفا باشد پس اگر عقب عقب برود یا به پهلو حرکت کند باطل است ولی نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکالی ندارد. (۲)

مسأله ۴۴۰- اگر قسمتی از سعی را عقب عقب یا به پهلو برود باید آن مقدار را تدارک نماید و نباید بدون تدارک آن قسمت به سعی خود ادامه دهد.

مسأله ۴۴۱- در فرض مسأله قبل اگر به جهت عدم توجه به

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت: سعی در طبقه دوم با توجه به این که از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می‌شود، در صورتی که احراز شود که سعی بین صفا و مروه می‌شود کفایت می‌کند.

۲- ۲. آیهٔ اللّه صافی، آیهٔ اللّه گلپایگانی: در صورتی که سینه و شانه‌ها در حال رفتن به مروه به طرف مروه و در حال رفتن به صفا رو به صفا باشد و یا در حال توقف به پشت سر برگردد.

ص: ۱۵۷

مسأله بدون تدارک آن قسمت به سعی ادامه داد و سپس متوجه شد برگردد و از همان جا که سعیش اشکال پیدا کرده سعی را تمام کند مگر این که در شوط اول بوده و موالات فوت شده که در این صورت سعی را از سر بگیرد.

مسأله ۴۴۲- نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه یا بین آنها برای استراحت و رفع خستگی جایز است هر چند عذر خاصی نداشته باشد، ولی اگر در بین شوط اول است بنابر احتیاط نباید بقدری فاصله شود که موالات عرفیه بهم بخورد.

مسأله ۴۴۳- تأخیر سعی از طواف و نماز آن تا شب جایز است هر چند عذری نداشته باشد ولی نمی‌تواند آنرا بدون عذری مانند بیماری تا روز بعد تأخیر اندازد و اگر به روز یا روزهای بعد تأخیر انداخت معصیت کرده (۱) ولی طواف و نمازش صحیح است.*

مسأله ۴۴۴- کسی که می‌خواهد در شب طواف و نماز آن را انجام دهد اگر بداند که برای انجام سعی پیش از اذان صبح وقت ندارد می‌تواند طواف و نماز را انجام دهد و پس از اذان و در روز سعی نماید و اما اگر قبل از اذان صبح وقت برای انجام سعی داشته باشد نباید سعی را تأخیر بیندازد.

مسأله ۴۴۵- سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص

۱- ۱. آیهٔ اللّه خوئی، آیهٔ اللّه تبریزی: تأخیر انداختن به روز یا روزهای بعد تکلیفاً جایز است ولی باید طواف و نماز را اعاده کند.

ص: ۱۵۸

برای خداوند متعال بجا آورد. (۱)

مسأله ۴۴۶- سعی مانند طواف رکن است و حکم ترک عمدی و سهوی آن همان است که در طواف گذشت.

مسأله ۴۴۷- اگر عمداً بیش از هفت مرتبه سعی نماید سعی او باطل است به تفصیلی که در طواف گذشت.

مسأله ۴۴۸- اگر سهواً بیش از هفت دور سعی نماید سعیش صحیح است خواه مقدار زیاده یک شوط باشد یا کمتر یا بیشتر، و بهتر است زائد را رها کند گر چه بعید نیست بتواند آنرا به هفت مرتبه برساند. (۲)

«کم کردن سعی»

مسأله ۴۴۹- اگر سعی را سهواً ناقص انجام دهد سپس چنانچه یک شوط یا بیشتر آورده و بقیه را ترک کرده باید باقیمانده را هر وقت یادش آمد هر چند بعد از فراغت از اعمال عمره تدارک نماید و همینطور اگر کمتر از یک شوط انجام دهد و قبل از فوت موالات متوجه شود بقیه سعی را انجام دهد کافی است و اما اگر بعد از فوت موالات متوجه شد احتیاط آن است که سعی را از سر

۱- ۱. آیهٔ اللّه سیستانی: باید برای تذلل و کرنش در پیشگاه خداوند انجام شود.

۲- ۲. آیات عظام: خوئی، سیستانی، بهجت: اگر یک شوط یا بیشتر انجام داده مستحب است آن را به هفت مرتبه برساند.

ص: ۱۵۹

بگیرد و در موارد مذکور اگر به وطن خود مراجعت کرده چنانچه مشقت ندارد باید برگردد و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد نائب بگیرد که سعیش را تکمیل کند و اگر کمتر از یک شوط آورده یک سعی کامل برایش بجا آورد.

«شک در سعی»

مسأله ۴۵۰- اگر پس از تقصیر شک کند که سعی را انجام داده یا نه، بنا می‌گذارد که سعی کرده و همینطور اگر در روز بعد از انجام طواف و نماز شک کند که سعی کرده (۱) یا نه و اما اگر قبل از این وقت و پیش از تقصیر چنین شکی نماید باید سعی را انجام دهد.*

مسأله ۴۵۱- اگر در حال سعی در عدد شوطهای آن شک کند و به امید این که شک او مبدل به یقین شود به سعی خود ادامه دهد و سپس یقین کند که هفت مرتبه سعی نموده سعیش صحیح است.

مسأله ۴۵۲- اگر پس از پایان سعی یا شوطی از آن، شک کند که آنرا درست انجام داده یا نه، به شک خود اعتنا نکند و سعیش صحیح است و همینطور اگر در اثنای یک شوط شک کند که قسمت قبلی را درست انجام داده یا نه به شک خود اعتنا نمی‌کند.

مسأله ۴۵۳- اگر در مروه شک کند هفت شوط آورده یا بیشتر

۱- ۱. آیهٔ اللّه فاضل: چنان‌چه شک دارد که با عذر تأخیر انداخته یا نه، وجهی برای‌بناگذاری بر این‌که آورده شده نیست.

ص: ۱۶۰

به شک خود اعتنا نکند و سعیش صحیح است هر چند شک او قبل از تقصیر باشد و اما اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این شوط هفتم است یا نهم سعی باطل است و باید از سربگیرد.

مسأله ۴۵۴- اگر پس از تقصیر شک کند که هفت شوط از سعی را آورده یا کمتر به شک خود اعتنا نکند و سعی او صحیح است و اما اگر پیش از آن چنین شکی نماید سعیش باطل است خواه پس از فراغت از سعی و انصراف از آن باشد(۱)

یا قبل از آن و همینطور است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد مثل یک و سه و یا دو و چهار.

احکام سعی

مسأله ۴۵۵- اگر به تصور این که مجموع رفت و برگشت یک شوط است چهارده مرتبه بین صفا و مروه سعی نمود سعی او صحیح است و اگر در اثناء متوجه شد چنانچه قبل از انجام هفت شوط باشد آنرا تا هفت شوط کامل نماید و اگر بیشتر از هفت شوط انجام داده است و سپس متوجه شده حکم زیاده سهویه را دارد که گذشت و در هر صورت سعیش صحیح است.

۱- ۱. آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه مکارم: در این صورت به شک خود اعتنا نکند

امام خمینی، آیهٔ اللَّه فاضل: در این صورت احتیاط آن است که آنچه را احتمال می‌دهد نیاورده انجام دهد و سعی او صحیح است بلکه در فرضی که احتمال می‌دهد که برای حاجتی عمداً سعی را ناقص گذاشته وجوب اتمام بعید نیست.

ص: ۱۶۱

مسأله ۴۵۶- با تمام نمودن سعی محرمات احرام بر او حلال نمی‌شود.

مسأله ۴۵۷- هر گاه در اثناء سعی متوجه شود که طوافش بیش از هفت شوط بوده می‌تواند این‌گونه احتیاط کند که سعی را تمام نماید (۱) و بعد از فوت موالات بین شوط زائد طواف و مقدار باقی مانده آن تا چهارده شوط، طواف و نماز و سعی را اعاده نماید و بعد تقصیر کند.

مسأله ۴۵۸- اگر در اثناء سعی برای نوشیدن آب از مسیر خود منحرف شد باید سعی را از همان نقطه که قطع کرده یا محاذی آن ادامه دهد ولی اگر بدون قطع سعی و با نیت آن به طرف محل آب خوردن برود پس از نوشیدن آب سعی را ادامه دهد مانعی ندارد.

مسأله ۴۵۹- با توجه به این که محل سعی مسجد نیست زنان حایضی که مجبورند برای طواف نائب بگیرند سعی را باید

۱- ۱. آیهٔ اللَّه سیستانی: احتیاط آن است که برگردد به مسجد الحرام و شوطاضافی را تا یک طواف کامل به قصد قربت مطلقه تکمیل نماید و برای آن نماز طواف بخواند، سپس سعیش را تمام کند و احتیاط مستحب این است که آنرا اعاده نماید.
آیهٔ اللَّه فاضل: احتیاطاً سعی را رها کند تا موالات عرفیه از بین برود پس از آن همه را اعاده کند.

ص: ۱۶۲

خودشان پس از این که نائب طواف و نماز را بجا آورد انجام دهند.

مسأله ۴۶۰- در زمان حاضر که مسیر رفت و برگشت و محل ویژه حرکت چرخها از هم تفکیک شده اگر سعی را در محل عبور چرخها، بر خلاف جهت سائر سعی‌کنندگان سعی نماید اشکال ندارد ولی نباید مزاحم دیگران شود.

مسأله ۴۶۱- زیادی در سعی از روی جهل سعی را باطل نمی‌کند و حکم زیادی سهوی را دارد.

مسأله ۴۶۲- اگر کسی در حال سعی بعد از گذشتن از مکان هروله به گمان این که هروله لازم بوده برگردد و مقداری را که به صورت عادی سیر کرده با هروله تکرار کند سعی او صحیح است.

مسأله ۴۶۳- اگر در حال سعی به جهت کنترل همراهان و مانند آن چند قدمی به عقب برگردد و بدون توجه آن مقدار را مجدداً سعی نماید سعیش صحیح است.

مسأله ۴۶۴- شخصی که نمی‌تواند بدون استفاده از صندلی چرخدار سعی کند اگر امکان تهیه آنرا دارد هر چند با فروش بعضی از اجناسی که برای سوغاتی تهیه کرده و در این کار حرج و مشقتی نیست باید آنرا تهیه کند و خود سعی نماید و نائب گرفتن جائز نیست.

مسأله ۴۶۵- اگر کسی سعی خود را رها کرده و از ابتدا یک سعی کامل انجام داده سعی او صحیح است.

ص: ۱۶۳

مسأله ۴۶۶- اگر پس از سعی متوجه شود که طواف را باطل انجام داده بایـد پس از انجام طواف و نماز آن سعی را اعاده نمایـد و اگر در اثناء سعی متوجه شد آنرا رها کند و پس از طواف و نماز آن سعی را اعاده نماید.

مسأله ۴۶۷- افرادی که بر روی چرخ و امثال آن سعی می‌نمایند باید در حال سعی بیدار باشند.

فصل هفتم: حلق یا تقصیر

ص: ۱۶۴

پنجم از واجبات عمره مفرده حلق یا تقصیر است.

مسأله ۴۶۸- بعد از انجام سعی واجب است تقصیر کند یعنی قدری از ناخن یا موی سر یا شارب و یا ریش خود را بچیند و یا سر خود را بتراشد.

مسأله ۴۶۹- در تقصیر کندن مو کافی نیست بلکه باید آن را کوتاه کند و با هر وسیله‌ای که باشد صحیح است.

مسأله ۴۷۰- تقصیر از عبادات است و باید آنرا با نیت خالص برای خداوند انجام بدهد و اگر در آن ریا کند تقصیرش باطل و کار حرامی انجام داده است.

مسأله ۴۷۱- اگربعد ازتقصیر شک‌کند که تقصیرش صحیح است یا نه. چنانچه به مسأله آگاه بوده و احتمال می‌دهد در حین

ص: ۱۶۵

انجام تقصیر التفات داشته به شک خود اعتنا نکند. (۱)

مسأله ۴۷۲- کسی که تقصیر عمره مفرده را انجام نداده یا تقصیرش باطل بوده است و برای عمره تمتع یا عمره مفرده دیگری محرم شده احرامش باطل است و باید با تقصیر از احرام عمره مفرده خارج شود و در این حکم فرقی نیست که ترک تقصیر یا باطل انجام دادن آن عمدی باشد یا سهوی.

مسأله ۴۷۳- تقصیر عمره مفرده یا تمتع را لازم نیست بلافاصله پس از سعی انجام دهد بلکه در وسعت وقت می‌تواند آنرا با تأخیر و در هر جائی که خواست انجام دهد بنابراین کسی که تقصیر عمره مفرده را فراموش کرده و در وطن یادش آمد در همانجا تقصیر کند ولی برای طواف نساء (۲) اگر نمی‌تواند برگردد یا مشقت دارد نائب بگیرد.

مسأله ۴۷۴- لازم نیست تقصیر را بدست خود انجام دهد بلکه می‌تواند توسط دیگری تقصیر کند و لازم نیست دیگری شیعه باشد.

مسأله ۴۷۵- کسی که هنوز از احرام خارج نشده می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد.

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت، آیهٔ اللّه سیستانی: در هر صورت به شک خود اعتنا نکند.

۲- ۲. آیهٔ اللّه بهجت: اگر طواف نساء را قبل از تقصیر بجهت ضرورت یا نسیان یاجهل مقدم داشته مجزی است.

ص: ۱۶۶

مسأله ۴۷۶- کسی که از روی‌فراموشی یاندانستن مسأله‌بعداز طواف و نماز آن تقصیر کرد چیزی بر او نیست ولی باید بعد از سعی تقصیر را اعاده نماید تا از احرام خارج گردد.

مسأله ۴۷۷- اگر سعی را ترک کند یا آنرا ناقص انجام دهد یا سعیش باطل باشد و با این حال تقصیر نمایدباید پس از انجام سعی یا تدارک آن تقصیر را اعاده کند و تا تقصیر نکرده از محرمات احرام اجتناب کند و حکم کفاره تقصیری که انجام داده قبلًا گذشت و در مسأله فرقی بین عالم و جاهل و ناسی نیست. (۱)

مسأله ۴۷۸- اگر پس از تقصیر بفهمد طواف یا بعضی از دورهای آنرا باطل انجام داده باید پس از انجام طواف و نماز و سعی تقصیر را نیز اعاده کند. (۲)

فصل هشتم: طواف نساء و نماز آن

اشاره

۱- ۱. امام خمینی، آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر این کار بجهت جهل یا فراموشی بوده تقصیرش صحیح است و از احرام خارج شده.

۲- ۲. امام خمینی، آیهٔ اللَّه خامنه‌ای: اگر با اعتقاد به صحت تقصیر کرده تقصیرش صحیح است و فقط باید طواف و نماز را تدارک کند.

آیهٔ اللَّه فاضل: اگر بطلان طواف در اثر فراموشی بعضی از شروط یا بجهت جهل به برخی از شرائط و خصوصیات باشد تقصیرش صحیح و از احرام خارج شده است و فقط باید طواف و نماز را تدارک کند.

ص: ۱۶۷

ششم و هفتم از واجبات عمره مفرده طواف نساء و نماز آن است.

مسأله ۴۷۹- کیفیت طواف نسـاء: چگونگی طواف نسـاء و نمـاز آن و احکام و شـرایط آنهاماننـد طواف عمره و نماز آن است ولی باید به نیت طواف نساء و نماز آن، به‌جا آورده شود.

مسأله ۴۸۰- طواف نساء را در عمره مفرده بایـد بعد از تقصـیر و یا سرتراشـیدن به جا آورد و اگر به جهت فراموشـی و یا به هر دلیل دیگری آن را مقدم کرد باید بعد از تقصیر یا سرتراشیدن آن را اعاده کند (۱) و اگر خودش نمی‌تواند آن را انجام دهد مثل این که به وطن برگشته باید برای طواف نائب بگیرد.

مسأله ۴۸۱- کسی که در عمره مفرده تقصیر را عمداً یا از روی

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت: در صورت ضرورت یا نسیان و یا جهل اعاده طواف لازم نیست.

ص: ۱۶۸

جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد بایـد تقصیر نموده و طواف نساء را اعاده نمایـد و چنانچه به وطن برگشته می‌تواند در همان جا تقصیر نماید و برای طواف نساء در صورت تمکن نداشتن از مراجعت نائب بگیرد.

مسأله ۴۸۲- کسی که چند عمره مفرده یا حج انجام داده و در هیچ‌کدام طواف نساء مستقل به جا نیاورده باید برای هرکدام یک طواف نساء مستقل انجام دهد. (۱)

مسأله ۴۸۳- نائب باید طواف نساء را نیز به نیّت منوب‌عنه بجاآورد و احتیاط مستحب آن است که به نیّت ما فی الذّمه انجام دهد.

مسأله ۴۸۴- فاصله انداختن بین سعی و طواف نساء جایز است.

مسأله ۴۸۵- اگر قصد کند طوافی را که پس از انجام طواف و سعی بر مکلّف واجب است انجام دهد طواف او صحیح است هرچند نداند که عنوان او طواف نساء است بلکه خیال کند عنوان دیگری دارد مثل این که تصوّر کند طواف واجب بر زن طواف رجال است.

۱- ۱. آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی: یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می‌کند.
آیهٔ اللّه خامنه‌ای: ولی حصول تحلّل با یک طواف نساء بعید نیست.

ص: ۱۶۹

مسأله ۴۸۶- تا طواف نساء و نماز آن انجام نشده حرمت استمتاع از همسر باقی است ولی اگر پس از شوط چهارم (۱)* با همسرش مواقعه کند کفاره ندارد و در این حکم فرقی بین طواف نساء حج و عمره مفرده نیست.

مسأله ۴۸۷- اگر شک کند طواف نساء را در حج یا عمره انجام داده یا نه باید طواف نساء را انجام دهد (۲) و اگر به وطن بازگشته و نمی‌تواند برگردد یا مشقّت دارد نائب بگیرد. (۳)

مسأله ۴۸۸- نائب در حج یا عمره مفرده اگر طواف نساء را ترک کند استمتاع از همسر برای او حلال نمی‌شود و بر او واجب است تا زنده است خودش آن را انجام دهد و اگر نمی‌تواند نائب بگیرد.

مسأله ۴۸۹- اگر طواف نساء را در عمره مفرده یا حج ترک کند و برای عمره تمتع یا مفرده یا حج محرم شود احرام جدید او صحیح می‌باشد ولی باید طوافی را که ترک نموده قبل یا بعد از

۱- ۱. آیهٔ اللّه تبریزی، آیهٔ اللّه خوئی: شوط پنجم.

۲- ۲. آیـهٔ اللّه خویی و آیهٔ اللّه تبریزی: اگر شک بعد از عمل مواقعه با زوجه برایش‌حاصل شده به آن اعتنا ننموده و بنا بر انجام آن گذارد.

۳- ۳. آیات عظام: مکارم، گلپایگانی، صافی: در فرضـی که التفات به وجوب آن داشته و پس از مراجعت از مکه شک کند طواف نساء را انجام داده یا نه فرمودند انجام طواف نساء لازم نیست.

ص: ۱۷۰

اعمال احرام جدید انجام دهد و اگر تأخیر بیندازد طواف نساء احرام دوم از آن کفایت نمی‌کند. (۱)

«تخییر بین قصر و تمام در مکه و مدینه»

۱- ۱. آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی: کفایت می‌کند.

ص: ۱۷۱

مسأله ۴۹۰- مسافر می‌تواند نمازهای چهار رکعتی را در تمامی دو شهر مکه و مدینه حتی در محله‌های جدید آن تمام و یا شکسته بخواند. (۱)

مسأله ۴۹۱- نماز در عرفات و مشعر و منی شکسته است مگر این که شخصی قبلًا در مکه قصد اقامت ده روز را داشته و در سفر به این اماکن مسافت شرعی را طی نکرده باشد یا طی مسافت شرعیه مشکوک باشد که در این صورت باید نماز را در اماکن مذکور و شهر مکه تمام بخواند بلی اگر پس از مراجعت از عرفات قصد رفتن به وطن را دارد و آمدنش به مکه از این جهت است که

۱- ۱. آیهٔ اللّه خوئی، آیهٔ اللّه تبریزی: این حکم مختص به مکه و مدینه قدیم است.

امام خمینی، آیهٔ اللّه بهجت: در خارج از مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله باید شکسته بخواند.

ص: ۱۷۲

در راه او واقع شده در مسیر بازگشت در مشعر و منی و مکه حکم مسافر را دارد و وظیفه او نسبت به تخییر بین قصر و تمام در مکه گذشت.

«مکان ذبح کفارات عمره و حج»

مسأله ۴۹۲- کفاراتی را که در عمره و حج بر محرم واجب می‌شود می‌تواند پس از بازگشت از حج یا عمره در هر جایی که خواست بکشد به جز کفاره صید که اگر در عمره بود، جای کشتن آن مکه و اگر در حج بوده منی است. (۱)*

«معتبر نبودن شرائط قربانی در کفارات»

مسأله ۴۹۳- حیوانی که برای کفاره می‌کشند لازم نیست که شرائط قربانی حج را داشته باشد بنابراین ذبح گوسفند خصیّ و معیوب کافی است.

مسأله ۴۹۴- حیوانی که برای کفاره یا به جهت دیگر واجب می‌شود (غیر از قربانی حج) باید تمام آن به مصرف خود برسد و

۱- ۱. آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: فرقی بین صید و غیر آن نیست و در صورت تمکن کفارات احرام را باید در مکه بکشد و کفارات احرام حج را در منی و در صورت عدم تمکن مالی یا پیدا نشدن فقیر مؤمن باید در شهر خود یا جای دیگر کفاره را بکشد.

ص: ۱۷۳

کفاره‌دهنده نمی‌تواند از آن بخورد (۱) و اما از قربانی مستحبی می‌تواند بخورد.

«مصرف کفارات»

مسأله ۴۹۵- مصرف کفارات فقراء* و مساکین است (۲) و نمی‌توان آن را به کسانی که نفقه آنها بر کفاره‌دهنده واجب است داد.

مسائل متفرقه

«شرکت در نماز جماعت اهل تسنّن»

۱- ۱. آیة اللَّه خوئی، آیة اللَّه تبریزی: جایز است مقداری از آن را خودش بخورد وقیمت آن را برای فقراء به عهده بگیرد.

۲- ۲. آیات عظام: خوئی، تبریزی، فاضل: باید فقیر شیعه باشد.

ص: ۱۷۴

مسأله ۴۹۶- شایسته است زائرین خانه خدا نمازهای واجب یومیّه خود را با جماعت اهل تسنّن بخوانند و پس از برپاشدن جماعت آنها از جماعت تخلّف نکنند و خارج نشوند (۱) بلکه اگر این کار موجب وهن مذهب تشیّع و بدبینی به آن باشد جایز نیست.

مسأله ۴۹۷- نمازی که با جماعت اهل تسنّن خوانده می‌شود صحیح است و نیاز به اعاده ندارد. (۲)

۱- ۱. آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم فرموده‌اند: وقتی که نمازجماعت در مسجدالحرام یا مسجدالنبی صلی الله علیه و آله تشکیل شد مؤمنین نباید از آنجا خارج شده و نباید از جماعت تخلّف کنند.

۲- ۲. آیات عظام خوئی، بهجت، تبریزی، سیستانی: در صورتی که حمد و سوره را برای خود آهسته قرائت کند و اگر نمی‌شود به نحو حدیث نفس بخواند و در نماز جمعه بعد از فراغ باید آن را اعاده کند.

آیهٔ اللَّه گلپایگانی، آیهٔ اللَّه صافی: اگر ضرورت باشد آیهٔ اللَّه صافی اضافه فرمودند: و همچنین اگر موجب تألیف قلوب آنها و دفع اتهام به شیعه باشد.

ص: ۱۷۵

مسأله ۴۹۸- اقامه نماز جماعت در هتل‌های مکه و مدینه اگر مفسده‌ای داشته باشد مثل این که موجب بدبینی به مذهب شود جایز نیست. (۱)

مسأله ۴۹۹- نمازی که با اهل تسنن خوانده شده اگر معلوم نیست با نظر اهل تسنن هم موافق باشد مثل این که در آن به پشت نمازگزاران صف جلو سجده شود و یا اتصال صفوف به نحوی که آنان لازم می‌دانند مراعات نشود باید نماز را اعاده کند.

مسأله ۵۰۰- در نماز جماعت اهل تسنن در مسجدالحرام که صفهای آن دائره‌ای شکل است زائرین در جائی بایستند که روبروی امام جماعت یا جلوتر از سمت راست یا چپ او نباشد. (۲)

۱- ۱. امام خمینی، آیهٔ اللّٰه خامنه‌ای: به طور مطلق فرموده‌اند جایز نیست.

آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر خلاف تقیه ولو تقیه مداراتی باشد نماز را به جماعت نخوانند.

آیهٔ اللّٰه مکارم: نماز جماعت‌های کاروانی و بزرگ اشکال دارد ولی نماز چند نفری اشکال ندارد.

۲- ۲. امام خمینی: با وضع فعلی هر جای صفوف بایستند اشکالی ندارد.

آیات عظام بهجت، تبریزی، خوئی، سیستانی: چون اقتدا صوری است با رعایت وظیفه منفرد به نحوی که در پاورقی مسائل قبل گذشت نماز در صفوف مقابل امام نیز کافی است.

آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر به جهت تقیه در صفهای مقابل امام ایستاده اعاده لازم نیست و در غیر تقیه استداره جایز نیست.

ص: ۱۷۶

مسأله ۵۰۱- مواردی که نماز در جماعت اهل تسنن صحیح است (۱) لازم نیست اتصال صفوف به نحوی که شیعه آن را معتبر می‌داند مراعات شود (۲) بلکه اگر جماعت بنظر اهل تسنن صحیح باشد کافی است.

«مالی که در حرم پیدا شده»

مسأله ۵۰۲- برداشتن چیزی که در حرم پیدا می‌کند کراهت شدید دارد بلکه احتیاط مستحب آن است که آن را برندارد.

مسأله ۵۰۳- چیزی را که در حرم پیدا کرده اگر ارزش آن از یک درهم کمتر باشد می‌توان آن را به قصد تملک برای خودش برداشته و مصرف نماید و ضامن صاحبش نیست و اگر قبل از مصرف و تلف شدن مالکش پیدا شد باید بنابر احتیاط آن را به صاحبش بازگرداند و اگر قصد تملک نکرده و در دست او تلف

۱- ۱. نظر آیات عظام در تعیین این موارد در مسائل قبل گذشت.

۲- ۲. آیهٔ اللّٰه مکارم: در صورت امکان باید مراعات شود.

آیهٔ اللّٰه فاضل: اگر هنگام اقامه جماعت اتفاقاً در جایی بود که اتصال برقرار نیست همان‌جا اقتدا کند و صحیح است ولی اختیاراً و با وسعت وقت به آنجا نرود و نماند و در این مسأله فرقی بین مردان و بانوان نیست.

ص: ۱۷۷

شد ضامن نیست مگر این که در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد.

مسأله ۵۰۴- چیزی که در حرم پیدا کرده اگرارزش آن یک درهم یا بیشتر باشد چنانچه آن را بردارد باید یک سال اعلام کند و از صاحب‌آن جستجوکند. پس‌اگر بعداز یک‌سال‌صاحب‌آن یافت نشد (۱) می‌تواند آن را برای صاحبش نگهداری نماید و در این صورت اگر بدون کوتاهی کردن تلف شد ضامن نیست و می‌تواند آن را برای صاحبش صدقه بدهد ولی اگر صاحب آن پیدا شد و به صدقه دادن راضی نشد باید عوض آن را به او بدهد (۲) و جایز نیست آن را تملک نماید و اگر تملک کند مالک نمی‌شود و ضامن هم می‌شود.

«سجده بر فرش و مانند آن»

مسأله ۵۰۵- در مسجدالحرام و مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله و سایر مساجد اگر زائرین بتوانند بر روی سنگ یا حصیر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است و از طرف مخالفین ممانعتی از سجود بر آن نیست و موجب وهن و انگشت‌نما شدن نمی‌باشد سجده نمایند جایز نیست بر فرشها سجده کنند (۳) ولی اگر

۱- ۱ آیهٔ اللَّه مکارم: هرگاه احتمال قابل توجه در مورد پیدا شدن صاحبش‌نمی‌دهد صدقه بدهد.

۲- ۲ آیهٔ اللَّه گلپایگانی: و همچنین می‌تواند آن را تحویل حاکم شرع بدهد.

۳- ۳ امام خمینی: سجده روی فرشها مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست و لازم‌نیست در جایی که سنگ است نماز بخواند یا با خود حصیر و مانند آن ببرد.

ص: ۱۷۸

ضرورت (۱) باشد سجده بر فرشها جایز است و کفایت می کند.

مسأله ۵۰۶- در حکمی که در مسأله قبل ذکر شد فرقی نیست که نمازش را همراه با جماعت اهل تسنن بخواند یا فردای و پس از اتمام نماز آنان.

مسأله ۵۰۷- سجده کردن بر تمام اقسام سنگها حتی سنگهای مرمر یا سیاه معدنی صحیح است.

مسأله ۵۰۸- سجده کردن بر پشت دست صحیح نیست بنابراین کسی که در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سایر مساجد به تصور این که سجده بر پشت دست صحیح است بر آن سجده نمود باید نمازهای خود را اعاده کند (۲) و اگر نماز طواف را نیز به این کیفیت خوانده حکم کسی را دارد که نماز طواف را ترک کرده که در مسائل نماز طواف گذشت.

«احکام مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله»

۱- ۱. آیهٔ اللّه خوئی: اگر در آن مکان امکان سجود بر آنچه سجده بر آن صحیح است را ندارد سجده بر فرش صحیح است.
آیهٔ اللّه سیستانی: اگر تقیه اقتضاء کند و در همان جا چیزی که سجده بر آن صحیح است نباشد سجده بر فرش صحیح است و لازم نیست به جای دیگر منتقل شود.

۲- ۲ آیات عظام: امام خمینی، فاضل، سیستانی، مکارم: مگر این که جاهل قاصرباشد که در این صورت نمازهای او و نمازهای طوافش صحیح است.

ص: ۱۷۹

مسأله ۵۰۹- در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله حائض و جنب نمی‌توانند از قسمت‌های توسعه‌یافته (۱) نیز عبور نمایند.

مسأله ۵۱۰- کسی که در مسجدالحرام یا مسجدالنبی صلی الله علیه و آله جنب شده اگر امکان تیمم باشد و تیمم کردن کمتر از خارج شدن از مسجد وقت می‌گیرد باید برای خروج تیمم بدل از غسل جنابت کند و سپس خارج شود، و اگر بیشتر وقت می‌گیرد باید فوراً از مسجد خارج شود.

مسأله ۵۱۱- برداشتن قرآنهای مسجدالحرام بدون این که آنها را از متصدی مربوطه بگیرند جایز نیست هرچند بر روی آن علامت وقف نباشد و چنانچه برداشتند باید برگردانده شود.

مسأله ۵۱۲- در مسجدالحرام در وضع فعلی که برای تطهیر به ریختن مقداری آب قلیل اکتفا می‌کنند علم به نجاست همه مسجد حاصل نمی‌شود و با فرض شک محکوم به طهارت است.

مسأله ۵۱۳- در مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله، و سایر مساجد اگر نماز مغرب را با جماعت اهل تسنن بخواند کافی است (۲)

۱- ۱. آیهٔ اللّه بهجت: این قسمتها حکم سایر مساجد را دارند و احکام خاصی ندارند.

۲- ۲. نظر آیات عظام: خوئی، تبریزی، سیستانی، بهجت، گلپایگانی، صافی دررابطه با کفایت نماز جماعت با اهل تسنن در مسائل قبل گذشت.

ص: ۱۸۰

هرچند حمره مشرقیه زائل نشده باشد(۱)

* و می‌تواند بلافاصله بعد از آن نماز عشاء را بخواند ولی اگر وقت عشاء داخل نشده (۲) باید صبر کند.

«سایر مسائل متفرقه»

مسأله ۵۱۴- در وقت نماز صبح فرقی بین شبهای مهتابی و غیر آن نیست.

مسأله ۵۱۵- برداشتن سنگهای صفا و مروه جایز نیست (۳) ولی اگر برداشت لازم نیست آن را بازگرداند و امّا برداشتن سنگ و خاك از سایر مشاعر مثل مشعرالحرام و منی و عرفات مانعی ندارد.

مسأله ۵۱۶- اگر هزینه سفر حج یا عمره شخصی را کسی بدهد که اهل پرداخت خمس نیست چنانچه آن شخص بداند که در همان مال خمس وجود دارد نمی‌تواند بدون پرداخت خمس، در آن مال تصرف کند. (۴)

«مقصود از حرج»

۱- ۱. آیهٔاللَّه سیستانی: اگر قبل از دخول وقت نماز با آنها بخواند کافی است.

۲- ۲. آیهٔ اللَّه بهجت، آیهٔ اللَّه مکارم: وقت داخل شده چون استتار قرص کافی است.

۳- ۳. آیهٔ اللَّه سیستانی: شکستن سنگهای صفا و مروه جایز نیست ولی برداشتن آنچه از آنجا جدا شده مانعی ندارد.

۴- ۴. آیات عظام: خویی، تبریزی، سیستانی: تصرف در مال مزبور مانعی ندارد.

ص: ۱۸۱

مسأله ۵۱۷- مقصود از حرج و مشقت که در بعض مسائل این کتاب آمده است حرج و مشقت شخصی است مگر تصریح به خلاف آن شده باشد.

«طواف وداع»

ص: ۱۸۲

مسأله ۵۱۸- برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را، در صورت امکان، استلام نماید و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلًا برای آن مکان ذکر شد بجا آورد و آنچه خواهد دعا نماید، بعداً حجرالأسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند یک دست را بر حَجَر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ وَامِینِکَ وَحَبِیبِکَ وَنَجِیِّکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، أللَّهُمَّ کَما بَلَّغَ رِسالاتِکَ وَجاهَدَ فی سَبِیلِکَ وَصَدَعَ بِأَمْرِکَ وَاوذِی فی جَنْبِکَ وَعَبَدَکَ حَتّی أتاهُ الْیَقِینُ، أللَّهُمَّ أقْلِبْنی مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً بِأفْضَلِ ما

ص: ۱۸۳

یَرْجِعُ بِهِ أحَدٌ مِنْ وَفْدِکَ مِنَ الْمَغْفِرةِ وَالْبَرَکَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوانِ وَالْعافِیَةِ».

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حناطین، که مقابل رکن شامی است، بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن به مقدار یکدرهم خرما خریده و آن را بر فقرا تصدّق نماید.

«مستحبات دیگر مکه معظمه»

ص: ۱۸۴

مسأله ۵۱۹- آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱- زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲- ختم نمودن قرآن.

۳- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن، این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نافِعاً، وَرِزْقاً واسِعاً، وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَسُقْمٍ».

و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّکْرُ للَّهِ».

۴- نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن (۱)؛ در اول شب

۱- ۱- آیهٔ اللَّه مکارم: ولی در مواقعی که ازدحام جمعیت برای طواف واجب است، بهتر است طواف‌های مستحب را ترک کنند و مجال را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند.

ص: ۱۸۵

سه طواف، در آخر شب سه طواف، پس از دخول صبح دو طواف و بعدازظهر دو طواف.

۶- هنگام توقف در مکه، به عدد ایام سال؛ یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر مقداری که بتواند.

۷- به خانه کعبه داخل شود؛ (۱) خصوصاً کسی که سفر اول او است و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«أللَّهُمَّ إنَّکَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً فَآمِنِّی مِنْ عَذابِ النَّارِ».

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگذارد. در رکعت اول بعد از حمد، «حم، سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه، و

۱- ۱- آیهٔ اللَّه مکارم: اینگونه امور در حال حاضر معمولًا امکان ندارد و هرگاه کسی‌نیّت آن را داشته باشد، خداوند به لطفش به او ثواب آن را می‌دهد.

ص: ۱۸۶

بعد از نماز این دعا را بخواند:

«أللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأ أوْ تَعَبَّأ أوْ أعَدَّ أو اسْتَعَدَّ لِوفادَةٍ إلی مَخْلُوقٍ رَجاءَ رِفْدِهِ وَجائِزَتِهِ وَنَوافِلِهِ وَفَواضِلِهِ فَالَيْکَ یا سَیِّدِی تَهْيِئَتِی وَتَعْبِئَتِی وَإعْدادی وَاسْتِعْدادی رَجاءَ رِفْدِکَ وَنَوَافِلِکَ وَجائِزَتِکَ، فَلا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجائِی یا مَنْ لا يَخِيبُ عَلَيْهِ سائِلٌ وَلا يَنْقُصُهُ نائِلٌ فَانِّی لَمْ آتِکَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلا شَفاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلكِنِّی أتَيْتُکَ مُقِرّاً بِالظُّلْمِ وَالْإساءَةِ عَلی نَفْسِی فَانَّهُ لا حُجَّةَ لِی وَلا عُذْرَ فأسْأَلُکَ یا مَنْ هُوَ کَذلِکَ أنْ تُصَلِّی عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِيَنِی مَسْأَلَتِی وَتَقْلِبَنی بِرَغْبَتی وَلا تَرُدَّنِی مَجْبُوهاً مَمْنُوعاً وَلا خائِباً یا عَظِيمُ یا عَظِيمُ یا عَظِيمُ أرْجُوکَ لِلْعَظِيمِ، أسْأَلُکَ یا عَظِيمُ أنْ تَغْفِرَ لِیَ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لا إلهَ إلّا أَنْتَ».

و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه مرتبه «اللَّهُ أكْبَرُ» بگوید، پس بگوید:

«أللَّهُمَّ لا تَجْهَدْ بَلاءَنَا رَبَّنا وَلا تُشْمِتْ بِنا أعْداءَنا فَانَّکَ أنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ».

بعداً پایین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

احتیاطات

ص: ۱۸۷

* م ۶- آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، صافی، فاضل: و همچنین در غیر صید بنابر احتیاط واجب.

* م ۲۷- آیات عظام امام خمینی، سیستانی، فاضل: احتیاط واجب آن است که از درون مسجد شجره محرم شوند.

* م ۲۷- آیـهٔاللّه تبریزی: جایز است در طرف راست یا چپ مسـجد قـدیم محرم شود، ولی احتیاط واجب این است که از قبل از آن محرم نشود.

* م ۴۶- آیهٔاللّه خامنه‌ای: اگر شوهر حضور دارد باید بنابر احتیاط نذر زن با اجازه او باشد.

* م ۷۹- آیات عظام بهجت، خوئی، تبریزی، سیستانی: احوط این است که ازار (لنگ) خویش را به گردن خود بلکه مطلقاً

ص: ۱۸۸

گره نزنـد، ولو بعضـی از آن را به بعض دیگر، و با چیزی مانند سـنجاق آن را به هم وصل نکند. و احوط این است که رداء نیز گره زده نشود، ولی فرو کردن سوزن یا سنجاق در آن عیبی ندارد.

* م ۸۸- آیات عظام: امام خمینی، فاضل: بنابر احتیاط برای غیر زینت نیز نگاه نکند.

* م ۸۹- آیةاللَّه مکارم: هرگاه برای تزیین و اصلاح خود باشد اشکال دارد.

* م ۱۱۰- آیةاللَّه مکارم: بنابر احوط کفاره دارد.

* م ۱۱۶- آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم: بنابر احتیاط کفاره متعدد می‌شود.

* م ۱۲۳- امام خمینی: احتیاط مراعات شود.

* م ۱۲۳- آیـةاللَّه سیسـتانی: بنابر احتیاط خشک کردن صورت با حوله یا دسـتمال جایز نیست، هرچند همه صورت را نپوشاند ولی تمییز کردن بینی و مانند آن اشکال ندارد.

* م ۱۲۶- آیةاللَّه تبریزی و آیةاللَّه خوئی: احوط آن است که از صورت دور نگاه دارد.

* م ۱۲۷- آیات عظام: تبریزی، خوئی، بهجت: بنابر احتیاط یک گوسفند کفاره بدهد.

* م ۱۴۵- آیةاللَّه خامنه‌ای: اگر زینت محسوب شود، بنابر احتیاط جایز نیست، اگرچه قصد زینت نکند.

ص: ۱۸۹

* م ۱۷۴- آیات عظام بهجت، تبریزی: حرمت و ثبوت کفاره مبنی بر احتیاط است.

* م ۱۷۴- آیهٔاللَّه سیستانی: برای سواره احوط ترک آن است مگر این‌که سایه کوتاه باشد که سر و سینه را فرانگیرد.

* م ۱۷۷- آیهٔاللَّه گلپایگانی: احتیاط آن است که به اختیار خود، روز از آن تونل‌هایی که صدق رفت و آمد در منزل نمی‌کند نرود.

* م ۱۷۷- آیهٔاللَّه تبریزی: بنابر احتیاط در حرمت استظلال فرقی بین شب و روز نیست.

* م ۱۷۷- آیهٔاللَّه خامنه‌ای: احتیاط به ترک تظلیل در شب‌های بارانی و سرد ترک نشود مگر این‌که این احتیاط موجب حرج شود.

* م ۱۸۸- آیات عظام: تبریزی، بهجت، مکارم، خوئی: بنابر احتیاط گواهی بر عقدی که قبلًا واقع شده نیز بر محرم حرام است.

* م ۱۹۵- آیهٔاللَّه فاضل و آیهٔاللَّه مکارم: اگر انزال شود بنابر احتیاط یک شتر کفاره بدهد.

* م ۲۰۲- آیات عظام امام و فاضل: کندن دندان جایز نیست، هرچند خون نیاید علی‌الأحوط.

* م ۲۲۲- آیهٔاللَّه مکارم: احتیاط این است که از محل محفوظتر نقل نشود.

ص: ۱۹۰

* م ۲۵۹- آیةاللّه سیستانی: بنابر مشهور شرط نیست.

* م ۲۶۳- آیات عظام امام خمینی، تبریزی، صافی، فاضل، مکارم: بنابر احتیاط باید صبر کند.

* م ۲۶۴- آیةاللّه بهجت: احوط جمع بین وضو یا تیمم بدل از آن و تیمم بدل از حدث اکبر است.

* م ۲۶۴- آیةاللّه خامنه‌ای: بنابر احتیاط باید بار دیگر تیمم بدل از غسل کند.

* م ۲۶۵- اگر حدث بعد از سه شوط و نصف و قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، صافی فرموده‌اند: بنا بر احتیاط طواف را بعد از تحصیل طهارت تمام کند و نماز بخواند و سپس آن دو را اعاده کند.

* م ۲۶۵- آیات عظام خوئی، تبریزی: احتیاط این است که پس از تحصیل طهارت یک طواف کامل به قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد.

* م ۲۷۲- آیةاللّه مکارم: احتیاط واجب آن است که اگر بعد از شوط چهارم باشد بعد از تحصیل طهارت طواف را تکمیل و سپس اعاده نماید.

* م ۲۷۳- آیةاللّه مکارم: بنابر احتیاط در صورتی که بعد از شوط چهارم باشد، پس از تحصیل طهارت طواف را تکمیل و سپس اعاده نماید.

* م ۲۷۸- آیات عظام امام خمینی، صافی، خامنه‌ای: در فرض

ص: ۱۹۱

فراموشی نجاست احتیاط واجب اعاده است.

* م ۲۸۰- آیات عظام خوئی، تبریزی: اگر قبل از شوط چهارم باشد احوط این است که بعد از تطهیر یک طواف به‌قصد اعم از اتمام و تمام انجام دهد.

* م ۲۸۱- آیات عظام امام خمینی، خوئی، تبریزی و صافی: در فرضی که علم پیدا کند که لباس یا بدنش نجس بوده یا نجاست را فراموش کند و در اثناء طواف یادش بیاید احتیاط آن است که طواف را رها کند و پس از تطهیر آن‌را تکمیل نماید و بعد از خواندن نماز طواف، طواف و نماز آن را اعاده نماید. (بنابر نظر آقایان خوئی و تبریزی می‌توانند به این نحو احتیاط کند که پس از تطهیر یک طواف به‌قصد اعم از تمام و اتمام انجام دهد).

* م ۳۰۷- آیه‌اللَّه تبریزی: در صورت امکان بنابر احتیاط طواف باید در محدوده فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام باشد، ولی در موارد ازدحام طواف در خارج این محدوده هم کافی است.

* م ۳۰۷- آیه‌اللَّه بهجت: ظاهر این است که طواف در دورتر از مسافت ۵/ ۲۶ ذراع نیز کافی است برای کسانی که نتوانند در این محدوده طواف کنند یا طواف در آن برای آنان مشقت داشته باشد و مراعات احتیاط با قدرت و تمکن، متعین است و با تحری اوقات خلوت نسبی و عدم تمکن از طواف در حد لازم، اقرب جواز طواف از اقرب به حد است با رعایت

ص: ۱۹۲

اختلاف اطراف در مانع.

* م ۳۱۷- آیات عظام خوئی، تبریزی: هرگاه طواف‌کننده پیش از تجاوز از نصف طواف بدون عذر از مطاف خارج شود، اگر موالات عرفیه از او فوت شود، طوافش باطل و اعاده‌اش لازم است و چنان‌چه موالات فوت نشود یا خروجش بعد از تجاوز نصف باشد، احتیاط این است که آن طواف را تمام نموده، سپس اعاده کند.

* م ۳۱۸- آیات عظام امام خمینی، خوئی، تبریزی، صافی: در فرضی که چهار دور به‌جا آورده احتیاط آن است که طواف را تمام کند و بعد اعاده نماید. (در این مسأله فتوای آیهْاللّه خامنه‌ای در دست نیست).

* م ۳۲۹- آیات عظام گلپایگانی، صافی: بنابر احتیاط طواف باطل است.

* م ۳۳۲- آیات عظام بهجت، مکارم: بنابر احتیاط واجب طواف واجب را قطع نکند.

* م ۳۴۴- آیات عظام گلپایگانی، صافی: احوط اتیان نماز طواف و اعاده طواف و نماز آن‌است.

* م ۳۴۴- آیهْاللّه بهجت: احوط بطلان طواف است.

* م ۳۵۴- آیهْاللّه سیستانی: اگر قبل از اتمام شوط چهارم باشد و قطع به این صورت باشد که از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طوافش را قطع کرده است

ص: ۱۹۳

سپس از سر گرفته باشد، طواف صحیح است، و اگر بعد از شوط چهارم باشد، در صورتی که استیناف پس از فوت موالاۀ عرفیه بوده صحیح است وگرنه مشکل است مگر این‌که جاهل قاصر باشد.

* م ۳۶۸- آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی، خوئی، فاضل، صافی: احوط آن است که طواف را تمام کند و پس از تحصیل طهارت اعاده نماید.

* م ۳۶۸- فتوای آیۀاللّه خامنه‌ای در دست نیست.

* م ۳۶۹- آیات عظام خوئی، تبریزی: چنان‌چه بین پنجاه سال و شصت سال خون به صفات حیض باشد، بنابر احتیاط قرشیه و غیر قرشیه بین احکام حائض و مستحاضه جمع کند.

* م ۳۷۱- آیات عظام بهجت، گلپایگانی: بنابر احتیاط غسل مستحبی کفایت از غسل واجب نمی‌کند.

* م ۳۷۲- آیۀاللّه فاضل: (در مبتلای به حدث غائط یا بول یا ریح فرموده‌اند) اگر مشقت نداشته باشد برای هر بار که حدث از او سر می‌زند خود را تطهیر کند و وضو بگیرد و برای نماز هم وضو بگیرد وبنابر احتیاط واجب برای طوافش نایب هم بگیرد.

* م ۳۷۲- آیات عظام خوئی، تبریزی: (در مبطلای به حدث غائط فرموده‌اند) مبطون احوط این است که در صورت ممکن هم خود طواف نموده و هم نایب بگیرد. (و آیۀاللّه تبریزی همین احتیاط را در مبتلای به حدث ریح نیز فرموده‌اند)

ص: ۱۹۴

* م ۳۸۵- آیات عظام سیستانی، مکارم: بنابر احتیاط کافی نیست.

* م ۴۰۲- آیات عظام امام خمینی، صافی، مکارم: در ظن در افعال احتیاط کند.

* م ۴۰۳- آیات عظام سیستانی، تبریزی: اگر عمداً موالات را به‌هم زد، احتیاط آن است که نماز را بخواند و سپس طواف و نماز را اعاده کند.

* م ۴۰۷- آیـۀاللّه سیستانی: اگر نتوانـد نماز را پشت مقام در نزد آن بخوانـد احوط آن است‌که هم‌نزد مقام‌بخواند در طرف‌راست یاچپ وهم دور ازآن، ولی‌در پشت مقام.

* م ۴۱۴- آیات عظام گلپایگانی، صافی: به‌جماعت بخوانـد ولی اکتفاء به آن اشـکال دارد و واجب است به‌طور فرادی نیز بخوانـد. (و در عمره مفرده استحبابی اگر وقت برای تصحیح قرائت نباشد می‌فرمایند احتیاطاً نایب هم بگیرد)

* م ۴۱۵- آیات عظام گلپایگانی و صافی: به‌احتیاط ثبت‌شده در مسأله قبل رجوع شود.

* م ۴۱۵- آیات عظام خوئی، تبریزی: بنابر احتیاط به جماعت هم بخواند و نایب هم بگیرد.

* م ۴۲۱- آیـۀاللّه گلپایگـانی: بنـابر احتیاط به‌قصـد منوب‌عنه اعمال را به‌جا آورد ولکن صـحت عمره مـذکور برای منوب‌عنه محل اشکال است و نسبت به اجرت نیز با مستأجر مصالحه نماید.

* م ۴۴۳- آیۀاللّه سیستانی: اگر عمداً بدون هیچ عذری تأخیر

ص: ۱۹۵

انداخته احتیاط واجب اعاده طواف و نماز آن است.

* م ۴۴۳- نظر آیهٔاللّه خامنه‌ای در مورد حکم صحت نماز و طواف در این مسأله در دست نیست.

* م ۴۵۰- آیهٔاللّه سیستانی: احتیاط واجب اتیان به سعی است، ولی اعاده طواف و نماز آن لازم نیست، مگر احتمال بدهد عمداً سعی را تأخیر انداخته که در این‌صورت احتیاط واجب اعاده طواف و نماز هم هست.

* م ۴۵۰- آیهٔاللّه تبریزی: احوط اعاده طواف و نماز و اتیان به سعی است.

* م ۴۵۰- نظر آیات عظام خوئی و خامنه‌ای در دست نیست.

* م ۴۵۰- آیهٔاللّه مکارم: احتیاطاً سعی را انجام دهد.

* م ۴۸۶- آیهٔاللّه بهجت: بنابر احتیاط واجب قبل از اتمام شوط پنجم کفاره دارد.

* م ۴۹۲- آیهٔاللّه سیستانی: کفاره‌ای که در عمره مفرده واجب شده بنابر احتیاط واجب در مکه مکرمه و اگر در عمره یا حج تمتع واجب شده بنابر احتیاط واجب در منی ذبح شود.

* م ۴۹۵- آیهٔاللّه سیستانی: به احتیاط واجب باید مؤمن باشد مگر این‌که مؤمن مستحق پیدا نشود که می‌توان به ضعفای غیر ناصبی داد.

* م ۵۱۳- آیهٔاللّه خوئی: اگر نماز قبل از زوال حمره مشرقیه باشد احتیاط رعایت شود.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹